



مجموعه‌ای که پیش روی شما است تحلیل برخی رویدادهای مهم است که محورهای آن در نشست‌های هم‌اندیشی سیاسی با حضور نخبگان و صاحب‌نظران این عرصه تعیین و توسط کارشناسان مسائل روز تدوین و نگارش می‌گردد.

تلاش نویسندگان و تحلیل‌گران بر این است که مطالب ارائه شده نزدیک‌ترین تحلیل به دیدگاه‌های مقام معظم رهبری مدظله‌العالی باشد و مورد توجه و استفاده سخنرانان برای طرح در مناظر قرار گیرد. خوشحال خواهیم شد نظرات و پیشنهادات اصلاحی را برای تکمیل این مجموعه ارسال نمائید.

معاونت فرهنگی هیأت‌رزمندگان اسلام



هیأت رزمندگان اسلام

تلفن : ۸۸۹۶۰۴۳۰

نمبر : ۸۹۷۸۰۳۱۳

پست الکترونیک : info@eheyat.com

شماره پیامک : ۶۶۰۰۰۹۹۷۵۵



تکلیف و ایجاب

با آثار و مقالاتی از:

دکتر سعد الله زارعی

دکتر رسول سنایی راد

دکتر یدالله جوانی

دکتر عبدالله گنجی

عباس حاجی نجاری

رضا داوری

دکتر علیرضا معاف

دکتر رسول سنایی راد

۴ تا ۱۵

سردار قاسم سلیمانی؛ شهیدی مکتبی و مکتب ساز

دکتر سعد الله زارعی

۱۶ تا ۲۵

آمریکا، چشم انداز دوره ریاست جمهوری بایدن

دکتر عبدالله گنجی

۲۶ تا ۳۳

چرا دو حزب امریکا نگاه مشترکی به ایران دارند؟

دکتر یدالله جوانی

۳۴ تا ۴۷

بازخوانی حماسه ۹ دی و فتنه ۸۸

عباس حاجی نجاری

۴۸ تا ۵۹

بررسی تأثیر مقاومت مردم ایران در شکست ترامپ

دکتر علیرضا معاف

۶۰ تا ۷۹

امید آفرینی و شکستن محاصره تبلیغاتی دشمن

رضا داوری

۸۰ تا ۹۶

راهبرد مقابله و مهار جنگ اقتصادی دشمن
از نگاه رهبر معظم انقلاب

تحليل و تدبير



دكتور رسول سنابى راد

سردار قاسم سليمانى؛ شهيدى مکتبى و مکتب ساز

چکیده

سردار شهید قاسم سلیمانی که خود شاگرد ممتاز مکتب اسلام، اهل بیت و ولایت است، خود توانسته در عرصه عمل به آموزه‌های این مکاتب در میدان جهاد و دفاع تمدنی بدرخشد و منشأ آثار و دستاوردهایی بزرگ برای مکتب انقلاب اسلامی باشد که مرادش امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، تجلی خود را از او این‌گونه بیان داشته‌اند: «از کارهایی که کرده بود، بنده قلبا و زبانا او را تحسین می‌کردم، اما امروز در مقابل آنچه او سرمنشأ آن شد و برای کشور، بلکه برای منطقه به وجود آورد، در مقابل او من تعظیم می‌کنم.»

ایشان قدرشناسی از اقدامات او را در گرو این می‌دانند که به او به چشم یک فرد نگاه نشود، بلکه به چشم مکتب نگاه کنیم.

مکتبی که از منش، مرام و عمل و نظر شهید سلیمانی برآمده، الگوی عملی از آموزه‌های مکتب اسلام، اهل بیت و ولایت است، که می‌تواند درس آموز همه مشتاقان عزت و عظمت به حساب آید.

کارکردهای این مکتب مثل شجاعت، انقلابی‌گری و روحیه جهادی که در عرصه دفاع تمدنی کارایی اش را به اثبات رسانده می‌تواند در عرصه تمدن سازی به عنوان هدف راهبردی نیز نقش آفرین و اثرگذار باشد.

سالگرد شهادت شهید سلیمانی فرصتی برای بازخوانی مکتب او و حرکت در مسیر گفتمان سازی به نفع این مکتب است.

مقدمه

جنایتکاران آمریکایی در سحرگاه جمعه ۱۳ دی ماه گذشته، اقدام به ترور سردار قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه و ابو مهدی مهندس جانشین حشد الشعبی عراق و همراهان آن در نزدیکی فرودگاه بغداد کرده و وقیحانه مسئولیت این عملیات تروریستی را بر عهده گرفتند.

شاید تصور تروریست‌های آمریکایی این بود که با این جنایت خواهند توانست با

حذف فرمانده کلیدی محور مقاومت اسلامی و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی، گامی مهم در تحکیم سلطه خود و بازدارندگی مقاومت و ایران اسلامی در پیگیری اهدافشان بردارند. اما غافل از اینکه این اقدام شقاوت‌آمیز و احمقانه تروریست‌های آمریکایی، علیه قهرمانان مبارزه با تروریسم و وحشی تکفیری، هم ماهیت آمریکایی جبهه مقابل این شهیدان را شفاف‌تر می‌سازد و هم به شهادت این قهرمانان عظمت بیشتری می‌دهد. این جنایت احمقانه علیه سردار سلیمانی که به عنوان چهره بین‌المللی مقاومت و سردار شجاع و مدافع امنیت، اقتدار و عزت ملی در ایران، شناخته می‌شد، برای خود او پاداش سال‌ها جهاد در راه خدا و برای دلبستگان و علاقه‌مندان آن شهید، مولد انگیزه اقتدا به مرام و منش او و الگو قرار دادنش برای تعالی معنوی و کسب قدر و ارزش‌هایی در مسیر تقارب و تجانس با این سردار مظلوم اما مقتدر و پرجاذبه گردید. به‌گونه‌ای که از نگاه ولی امر و مراد شهید سلیمانی، امام خامنه‌ای (دام‌طله)، این حادثه قدر و قیمتی پیدا کرد که قدردانی آن در نگاه به شهیدان بزرگ آن به چشم یک مکتب نگاه کنیم. «سردار شهید عزیز ما را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس آموز، با این چشم نگاه کنیم، آن وقت اهمیت این قضیه روشن خواهد شد.»

الف- مفهوم شناسی مکتب

کتاب، مدرسه یا مجموعه اندیشه‌ها و افکار یک استاد که در جمعی نفوذ یافته باشد به صورت عمومی مکتب گفته می‌شود.

وقتی از مکتب شهید سلیمانی سخن به میان می‌آید، منظور روش، مرام و مسلک این شهید بزرگوار است که می‌تواند در زندگی برای دیگران باشد. افکار، گفتار و رفتاری که آن قدر ارزش دارد که رهبر حکیم انقلاب از او به عنوان «رفیق خوب و عزیز و شجاع و خوشبخت ما» یاد می‌کند و از این رو الگوگیری از آن به زیستی سعادت‌مند منتهی می‌شود که تمامی مکاتب ادعای تأمین چنین زیستی برای جهان بشریت دارند. در مکتب برای زیستن بر اساس ایدئولوژی و جهان بینی هدف‌گذاری شده و محتوای متناسب با آن هدف تنظیم و ارائه می‌گردد که در اینجا یعنی مکتب شهید سلیمانی می‌تواند از گفتار و سابقه عملکرد و رفتارش آن را استخراج کرد.

ب- خاستگاه مکتب شهید سلیمانی

سردار قاسم سلیمانی در وصیت‌نامه‌اش آورده که: «خداوند اتورا سپاس که مرا از پدر و مادری فقیر، اما متدین و عاشق اهل بیت و پیوسته در مسیر پاکی بهره‌مند نمودی. از تو

عاجزانه می‌خواهم آن‌ها را در بهشت و با اولیائت قرین کنی و مراد عالم آخرت از درک محضرشان بهره مند فرما.»

شهید سلیمانی در خانواده‌ای مذهبی و ارادتمند به اهل بیت رشد یافته و در نوجوانی در کرمان با ارتباط با روحانی جوان به نام کامیاب آشنا می‌شود که بعدها این روحانی توسط منافقین ترور شد. این روحانی پای آقا قاسم را به محافل دینی و مذهبی باز کرده و دست او را در دست انقلابیون می‌گذارد و حتی زمینه‌آشنایی او با آیت‌الله خامنه‌ای را فراهم می‌کند.

علاقه‌مندی به انقلاب و نظام اسلامی، قاسم را به سمت سپاه و نگهبانی از انقلاب اسلامی کشانده و زمینه هجرت و جهاد در دوران دفاع مقدس و پس از آن را فراهم کرده و او را در زمره مریدان و عاشقان امام خمینی (ره) قرار می‌دهد.

این روند پس از جنگ و ارتحال حضرت امام (ره) نیز ادامه داشته و او با خلف حضرت امام (ره) یعنی امام خامنه‌ای به عنوان ولی امر و فرمانده او و همچنین ارتباط با علماء و بزرگان دینی در جایگاه فرمانده نیروی قدس سپاه به ویژه در دوره مبارزه با تروریسم تکفیری منجر به شکل‌گیری منظومه‌ای معرفتی از اسلام ناب محمدی و دلدادگی به اهل بیت و اشتیاق به ولایت می‌شود.

با عنایت به این منظومه شناختی و معرفتی است که امام خامنه‌ای (دام‌ظله) در توصیف شهید سلیمانی فرمودند: «او نمونه برجسته‌ای از تربیت شدگان اسلام و مکتب امام خمینی (ره) بود.»

بنابراین، مکتب شهید سلیمانی، مکتبی انقلابی است که از منابع زیر برآمده است:

۱- مکتب اسلام با خوانشی انقلابی و عمیق که به اسلام به عنوان مکتبی چندبعدی و تأمین‌کننده سعادت دنیا و آخرت می‌نگرد.

۲- مکتب اهل بیت که از آن دستورالعمل پیاده‌سازی اسلام بر اساس تفسیر و خوانش ائمه هدی از اسلام و قرآن قابل استخراج است. تمسک به قرآن و عترت، رمز سعادت و سربلندی در پیشگاه نبی گرامی اسلام به حساب می‌آید که در حدیث ثقلین بدان سفارش فرموده است.

۳- مکتب انقلاب اسلامی که خود حاصل مکتب اسلام و اهل بیت است و تجلی معارف این دو مکتب محسوب می‌شود. در این مکتب که بر اساس منظومه

فکری و معرفتی و سیره عملی امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (دام‌ظله) در جهان امروز قابل فهم است، ابعاد معنویت، عقلانیت و عدالت باهم و در بسته‌ای واحد صاحب نقش اند. همان‌گونه که در این مکتب، دین و سیاست باهم مرتبط بوده و سیاست از دیانت قابل انفکاک نیست و هدایت‌گریش به سرمنزل مقصود به حساب می‌آید. همان‌گونه که دین فقط برای آخرت نیست، بلکه برای دنیای انسان نیز برنامه دارد و دنیا راز معجزه آخرت می‌شمارد. یعنی زیستن دنیوی که بر اساس معرفت و معنویت دینی است، ... حرکت به سعادت اخروی محسوب می‌شود.

هر مکتبی حاوی سه عنصر اساسی است که عبارت‌اند از جهان بینی (هست‌ها و نیست‌ها)، ایدئولوژی (بایدها و نبایدها) و معرفت‌شناسی که دو عنصر مورد اشاره در قبل را احاطه کرده است.

این سه عنصر در بینش، مرام و منش افراد بازتاب و در افکار، گفتار و رفتار آن‌ها تجلی یافته و قابل رصد و مشاهده است.

ج- ارکان مکتب شهید سلیمانی

ارکان همان خطوط اصلی و راهنمای کلی و فراگیری هستند که به مثابه یک چارچوب به اعمال و کردار جهت می‌دهند و شاکله هویتی او را می‌سازند.

موارد زیر ارکان مکتب شهید سلیمانی هستند

۱- خدا باوری که مولد ایدئولوژی توحیدی او و باور به ماهیت جهان از آن او و به سوی او برای شهید سلیمانی بود. همین باور و شوق او به جهاد و حرکت برای رضای خدا و تحمل سختی‌ها و هم‌زمان توجه به رعایت و صیانت از حدود الهی در هر شرایطی شده بود. دبیر کل شجاع حزب الله؛ او که خود در جنگ ۳۳ روزه و شکست تروریسم صهیونیستی نقش محوری داشت، در بیان چرایی ترس از دشمن می‌گوید «دشمن چرا از او می‌ترسد؛ همه این‌ها به یک دلیل است.» «مَنْ خَافَ اللَّهَ أَخَافَ اللَّهُ مِنْهُ كُلَّ شَيْءٍ وَمَنْ لَمْ يَخَفِ اللَّهَ أَخَافَهُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» یعنی هرکسی از خداوند ترسید، خدا همه چیز را از او می‌ترساند و هرکس از خدا نترسید؛ خدا او را از همه چیز می‌ترساند... رمز پیروزی همه‌ی مبارزان عالم همین است که خدا در ذهنشان بزرگ بود.

۲- ولایت مداری: سردار قاسم سلیمانی مصداق سرباز ولایت بود که در حرف و شعار بلکه در عمل این‌شان را به شایسته‌ترین وجه ممکن متجلی ساخته بود و تا پای جان بر آن باقی ماند. جهاد او در دوران دفاع مقدس و مبارزه بی‌امان با تروریسم صهیونیستی

و تروریسم تکفیری که به قیمت جان او و شهادت منتهی شد، اجرای فرمان ولایت بود که باور عمیق او به جایگاه شرعی و عقلی ولایت برمیگشت. این باور خود را در وصیت نامه اش اینگونه بیان داشته است: «برادران و خواهرانم، جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است، رهبری متصل، منصوب شرعی و فقهی به معصوم. خوب می دانید منزه ترین عالم دین که جهان را تکان داد و اسلام را احیاء کرد، یعنی امام خمینی بزرگ و پاک ما، ولایت فقیه را تنها نسخه نجات بخش این امت قرارداد. لذا چه شما که به عنوان شیعه به آن اعتقاد دینی دارید و چه شما که به عنوان سنی اعتقاد عقلی دارید، بدانید {باید} به دور از هرگونه اختلاف، برای نجات اسلام، خیمه ولایت را رها نکنید. خیمه رسول الله است، اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش زدن و ویران کردن این خیمه است. دور آن بچرخید.

۳- معنویت و تعبد: شهید سلیمانی با الهام از مکتب اسلام و اهل بیت به معنویت و عبودیت پای بند است و با وجود گرفتاری و مسئولیت سنگین فرماندهی و جهاد، به انجام واجبات الهی و مستحبات می پردازد. در شرایط خطیر هدایت و فرماندهی میدانی به نماز می ایستد و فرماندهان همراه او در خاطرات خود به بیدار شدن در سحر با صدای گریه و تضرع او در نماز شب، یاد می کنند.

همین تعبد و معنویت به مبارزه و جهاد او صبغه الهی می بخشد و او را شایسته شهادت و دیدار معبودش می سازد که در وصیت نامه اش اینگونه بازتاب یافته است: «خالق من، محبوب من، عشق من که پیوسته از تو خواستم سراسر وجودم را مملو از عشق به خودت کنی، مراد فراق خود بسوزان و بمیران.» عزیزم من از بی قراری و رسوایی جاماندگان سر به بیابان ها گذارده ام، من به امیدی از این شهر به آن شهر و از این صحرا به آن صحرا در زمستان و تابستان می روم. کریم، حبیبی، به کرمت دل بسته ام، تو خود می دانی دوستت دارم. خوب می دانی جز تورانمی خوانم. مرا به خودت متصل کن... معبود من، عشق من و معشوق من، دوستت دارم. بارها تو را دیدم و حس کردم، نمی توانم از تو جدا بمانم، بس است. من را بپذیر، اما آن چنان که شایسته تو باشم.» سردار سلیمانی که در تجلیل از مقام شهدا سنگ تمام گذاشته و با تعداد زیادی

از شهدای شاخص دفاع مقدس و مقاومت اسلامی مانوس بوده، در توصیف شهید می گوید «او (شهید) وقتی به این اتصال می رسد و این نقطه را پیدا می کند، این نقطه عبودیت است. بالاترین رمز و والاترین مرتبه انسان، عبد بودن است.»

معنویت سردار سلیمانی که در شهادت او تجلی یافت و به تعبیر مقام معظم رهبری «معنویت او را این جور برجسته کرد.»

۴- عقلانیت: شهید سلیمانی که تربیت شده مکتب اسلام، اهل بیت و ولایت فقیه بود هم از عقلانیت متصل به وحی یا عقلانیت دینی برخوردار بود و هم ضرورت محاسبات دقیق برای فرماندهی و پیشبرد اهداف انقلابی و جهادی او را با عقلانیت ابزاری آشنا ساخته بود.

امام خامنه ای (مدظله العالی) در توصیف این شهید سعید فرمودند: «شهید سلیمانی هم شجاع بود و هم باتدبیر بود. صرف شجاعت نبود، بعضی ها شجاعت دارند، اما تدبیر و عقل لازم برای به کار بردن این شجاعت را ندارند. بعضی ها اهل تدبیرند، اما اهل اقدام نیستند، دل و جگر کار ندارند. این شهید عزیز هم دل و جگر داشت، دردها را خطر می رفت و ابا نداشت، نه فقط در حوادث این روزها، در دوران دفاع مقدس هم در فرماندهی لشکر ثارالله همین جور بود، خودش و لشکرش، هم باتدبیر بود، فکر می کرد، تدبیر می کرد، منطقی داشت برای کارش.

او با عقلانیت توانست در جنگ با تروریسم تکفیری، در حالی که تکفیری مورد حمایت چندین کشور مدعی و برخوردار از خوشنوتی رعب آور، دست برتر نظامی در سوریه و سپس عراق را داشتند، ابتدا متوقف و سپس به عقب نشینی وادار سازد و موازنه را علیه تروریست ها و حامیان عبری- عربی و غربی آنان تغییر دهد و در این راه نه تنها از ظرفیت مقاومت و داوطلبان و رزمندگان بدون مرز استفاده کند، بلکه از ظرفیت روسیه برای مبارزه بهره گرفته و ترکیه را نیز متقاعد کند که در جبهه حمایت صرف از تروریست های نیابتی به روند گفتگو و مصالحه تن دهد.

۵- بصیرت: تشخیص عمیق موقعیت ها، شناخت دقیق دشمن ها و درک و فهم وضعیت برای اقدام به موقع و متناسب، یکی از ویژگی های سردار سلیمانی بود.

او بود که در شرایط خطیر گسترش تروریسم تکفیری در سوریه به خوبی تشخیص داد که، هزینه مقاومت کمتر از سازش است.

شهید سلیمانی معتقد بود: «منشأ همه ی پیروزی ها و غلبه بر توطئه ها بصیرت است،

در زمان ما خطوط روشن است، شاید حجتی که دیروز بر بزرگان ما بود، امروز حتی بر افراد عادی جامعه هم نیست، امروز دوست و دشمن مشخص است و جبهه حق و باطل به خوبی نمایان شده است.»

او بصیرت را ملاک مسئولیت برای فرماندهان دانسته و توصیه کرده است که «شناخت به موقع از دشمن و اهداف و سیاست‌های او و اخذ تصمیم به موقع و عمل به موقع، هریک از این‌ها اگر در غیر وقت خود صورت گیرد، بر پیروزی شما اثری جدی دارد.»

۶- عطوفت: سردار سلیمانی که آشنا با مکتب اهل بیت است، با الهام‌گیری از ائمه معصوم عوطف و مهربانی را در حد اعلان دارد و این ویژگی موجب نگاهی شفقت‌آمیزی می‌شود که در تمامی ابعاد رفتاری او بازتاب دارد. او در حالی که به مرزبندی بین دوست و دشمن قائل است و ضعف را برای برخی افراد محتمل می‌داند، معتقد است: «افرادی که بصیرت قوی دارند، افراد فاقد بصیرت را راهنمایی کنند که مبادا در جبهه دشمن گرفتار شوند.»

این رکن در مکتب شهید سلیمانی تولید نفوذ می‌کند و رمز شکوه تشییع پیکر شهید در شهرهای عراق و ایران و جلسات بزرگداشت او در اقصا نقاط دنیا است. سردار سلیمانی شهدا را عاطفی‌ترین مردمان توصیف می‌کرد و خود زیباترین تصویرهای عطوفت و مهربانی را با فرزندان شهدا و رسیدگی به خانواده‌ای آنان خلق کرد. او حتی در نمازش به گلبرگ‌های اهدایی فرزند شهید توجه داشت و در صحنه جنگ نه تنها از حرم و نوامیس اسلامی بلکه از نفوس مسیحیان و ایزدی‌ها در برابر تروریسم کور و وحشی تکفیری دفاع کرد و در توصیف مدافعان حرم اعلام داشت: مدافعان حرم فقط مدافع خاک نیستند، بلکه مدافع حریم حرمت انسانیت هستند. اگر آنان تن به بلانداه بودند و جان خود را سپر نکرده بودند، آن چنان مصیبتی این کره خاکی را فرامی‌گرفت که غیر از این مصیبت، همه مصیبت‌ها به فراموشی سپرده می‌شد.

او راهبرد امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) را برای جذب حداکثری و دفع حداقلی را به صورت عملی، با همه هزینه‌هایش باور داشت و عمل می‌کرد تا کسی از قافله انقلاب جا نماند و دستگیر کسانی باشد که ضعف‌هایی آنان را زمین‌گیر ساخت است.

د- کارکردهای مکتب شهید سلیمانی:

مکتب شهید سلیمانی که خود مبتنی بر معرفت، عمل و تجارب میدانی است، دارای کارکردهایی است که می‌توان آن را لازمه پیشبرد مکتب انقلاب اسلامی به حساب آورد. کارکردهایی چون:

۱- تقویت روحیه و مدیریت جهادی: یکی از عناصر موثر ویژگی‌هایی که توانست برای مقاومت اسلامی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های دفاعی ایجاد نماید و آن را به عنوان یک ارتش بدون مرز برای عزت جهان اسلام و دفاع از مظلومین و مقابله با ظالمان تبدیل کند، روحیه جهادی و مدیریت جهادی رزمندگان مقاومت است، که با تلاش خستگی‌ناپذیر و شبانه‌روزی در شرایط سخت، به صورت آشکار و پنهان توانسته‌اند سازمان، اقلام و جنگ‌افزارها و در مواردی استحکامات و پناهگاه‌هایی را تأمین کنند که امروزه مثابه خاری در چشم دنیای استکبار، صهیونیست‌های جنایتکار و دیکتاتورهای وابسته به غرب به حساب می‌آید.

خود شهید سلیمانی الگوی فرماندهی و مدیریت جهادی بود که به گفته سید حسن نصرالله نه تنها در شرایط بحرانی جنگ ۳۳ روزه که ارتباط هوایی و حتی زمینی مناطق جنگی لبنان قطع شده بود خود را از طریق ارتفاعات مرزی سوریه و لبنان با پای پیاده به سید حسن رسانده و شبانه‌روزی در کنار حزب الله بود، حتی در شرایط عادی دیگران را وادار به پیگیری امور می‌کرد.

همان‌گونه که برای سایر سازمان‌های جهادی مقاومت به دنبال تأمین امکانات بود و به تعبیر امام خامنه‌ای توانست مشت آنان را برای ایستادگی در برابر صهیونیست‌ها پر کند. همین خصلت و کارکرد بود که توانست در جنگ با تروریست‌های تکفیری که در آغاز دست برتر را در سوریه و سپس عراق داشتند را قطع و در شکل‌گیری موازنه جدیدی را رقم بزند که در پایان به شکست تکفیری‌ها منتهی شد.

۲- شجاعت و شهامت: شهید سلیمانی نه تنها در خطرناک‌ترین میدان‌ها و بحرانی‌ترین موقعیت‌ها جرت و ورود داشت، بلکه از شهامت تصمیم‌گیری برای خطرناک‌ترین و بحرانی‌ترین موقعیت‌ها نیز برخوردار بود. نه تنها خود او شجاع بود، بلکه این شجاعت را به دیگران و نیروهای تحت امرش در جنگ تحمیلی و مبارزه با تروریسم در لبنان و سوریه و عراق نیز منتقل می‌کرد.

سردار سلیمانی در ذکر خاطرات دوران دفاع مقدس می‌گوید: «بعضی‌ها شجاع‌تر از بقیه

بودند، بعضی‌ها ترسو تر بودند، این‌طور نبود؟ بعضی‌ها قوی و بعضی‌ها هم ضعیف بودند، ولی افراد شجاع و قوی دست ضعیف‌ها و ترسو‌ها را می‌گرفتند، نمی‌گذاشتند به چنگ دشمن بیفتند.»

سردار سلیمانی معتقد در این شجاعت از مکتب امام خمینی (ره) برآمده و لذا در مقایسه مقاومت اسلامی با ارتش‌های عربی از جمله مصر که گرچه ادعای مبارزه با رژیم صهیونیستی را داشت ولی با داشتن موشک‌های روسی، از آن علیه اسرائیل استفاده نکرد، ولی حزب الله با شلیک موشک به سرزمین‌های اشغالی هیمنه صهیونیست‌ها را درهم شکست، این جرات را برآمده از آموزه‌های امام خمینی (ره) معرفی می‌کند.

همچنان‌ها امام را فرصت‌آفرینی در شرایط وحشت، مورد توجه قرار داده و با اشاره به شرایط بسیار سخت دوران انقلاب، بحران کردستان و شروع جنگ و پیشروی‌های نیروهای صدام و بمباران‌های سنگین آن‌ها در دل کشورمان، این هنر را این‌گونه توصیف می‌کند که: «امام از دل همین ترس و وحشت، فرصت ایجاد کرد و عظمت آفرید، به طوری که امروز هم بخش اعظمی از دستاوردهای کشور ناشی از دفاع مقدس است.»

۳- پیش‌روندگی و پیش‌برندگی: پیش‌رو بودن می‌تواند مقدمه پیش‌بردن دیگران شود. به ویژه جایی که اجبار دیگران موضوعیت ندارد و باید همراهی دلی و داوطلبانه باشد، این خصلت پیش‌رو بودن تبدیل به یک ضرورت می‌شود.

در فضای مکتبی و ارزشی، چنین خصلتی برجسته و پیرنگ دیده نمی‌شود. همان‌گونه که در مکتب اسلام پیام‌گرایی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت امیرالمومنین علی (سلام الله علیه) و فرمانده شجاعش ملک اشتر، پیش‌رو بودند و دیگران پشت سر آنان حرکت می‌کردند.

شهید سلیمانی با الهام از آموزه‌های مکتب نبوی و علوی خود یک فرمانده پیش‌رو است که می‌تواند دیگران را نیز پیش‌برد و خودش این خصلت را در دوران دفاع مقدس این‌گونه توصیف می‌کند. «فرق ما با ارتش‌های کلاسیک دنیا در یک کلمه بود... آن فرق، در کلمه بیاوبرو بود، یعنی فرماندهان ما جلو می‌ایستادند و می‌گفتند بیا و یک فرمانده کلاسیک عقب می‌ایستاد و می‌گفت

برو. آن جلو ایستادن و این عقب ایستادن، آن بیا و این برو، خیلی تأثیرات فوق العاده‌ای گذاشت و فداکاری‌های بزرگی به وجود آورد.»

شهید سلیمانی که خود یک استراتژیست و فرمانده عالی و راهبردی به حساب می‌آمد و در خط مقدم مبارزه حضور می‌یافت و همین حضور بود که پذیرش خطر و سختی را بر سایر رزمندگان هموار می‌ساخت و آنان را در نیل به اهداف منسجم، پرتلاش و بی‌باک می‌ساخت.

۴- انقلابی‌گری و عزت‌جویی: انقلابی‌گری برآمده از مکتب شهید سلیمانی، عمل خالصانه و جهادی برای پیشبرد مکتب ولایت است و با ادعاهای بازار مکاره سیاسیون بسیار فاصله دارد. این انقلابی‌گری فراتر از مقیاس دسته‌بندی‌های حزبی و گروهی است و با برخورداری از صبغه الهی خود به ایثار و فداکاری و تلاش مضاعف برای نیل به اهداف بلند مکتب انقلاب اسلامی منجر گردد.

سردار سلیمانی در توصیف این خصلت مکتبی می‌گوید: «برخی مفهوم مدیریت انقلابی و انقلابی بودن را با بی‌برنامه‌گی، هرج و مرج و بی‌انضباطی تفسیر می‌کنند که تعبیری ناجوانمردانه است. مهم‌ترین مشخصه مدیر انقلابی، معنویت است و امام راحل رحمت‌الله مصداق حقیقی و مدیر انقلابی است. امروز انقلاب خود را مدیون مدیریت انقلابی حضرت امام رحمت‌الله می‌داند، مدیریت انقلابی مدیریت حجت‌الاسلام شهید میثمی است که از جنس خود شما است. شخصی که نماینده امام در قراقرغ خاتم‌الانبیاء بود، اما هیچ‌وقت سوار خودروی بیت‌المال نشد و عبا را روی دست انداخته و در جاده‌ها از غرب به جنوب و از جنوب به جبهه‌های گوناگون، سوار خودروی بین‌راهی شده و خود را به مقصد می‌رساند. انقلابی کسی است که مرگ را به زندگی ذلت‌بار ترجیح داده.»

با نگاه به مجموعه این کارکردها است که این مکتب را می‌توان مکتب دفاع تمدنی و حتی تمدن ساز نامید. مکتبی که توانست جنگ بین تمدنی، که با هدف تجزیه کشورهای اسلامی و فرسایش ظرفیت‌ها و توانمندی‌های تمدنی آن‌ها بود و با استفاده از خشن‌ترین و سرسخت‌ترین عناصر تروریستی طراحی شده بود، شکست دهد، همان‌گونه که قبل از آن جنگ‌های آزمایشی برای نبرد بین تمدنی را در مواجهه با صهیونیست‌های نماینده تمدن غرب وحشی به شکست کشانده بود.

به نظر می‌رسد اقتدا به این مکتب نسخه شفا بخش بسیاری از مشکلات امروز جامعه ایرانی و جهان اسلام است که برخی از سران در دام محاسبات القائی مکاتب مادی و

غربی افتاده و بخشی از توده‌ها نیز آلوده به سبک زندگی شده و از آموزه‌های عزت بخش مکتب انقلاب اسلامی فاصله گرفته و از الگوهایی چون شهید بین‌المللی مقاومت اسلامی غفلت می‌ورزند.

بیان مکتب شهید سلیمانی، همان‌گونه که هست و بدون کاستن و افزودن می‌تواند به رشد و تعالی بخشی و حرکت به سمت بزرگی و بزرگواری منتهی شده و عزت و عظمت از جنس خود را به تمامی نسل‌ها منتقل نماید.

تکلیف و ادب



سعدالله زارعی

آمریکا، چشم انداز دوره ریاست جمهوری بایدن



ترامپ در دوره چهار ساله ریاست جمهوری خود به رئیس جمهوری که کمتر مشورت می‌کند، کمتر به گزارش‌های کارشناسی توجه دارد و سریع‌تر از دیگران به تصمیم می‌رسد، شهرت داشت. از این رو در دوره او شاهد رخدادهایی بودیم که در داخل آمریکا اجماعی درباره آنها وجود نداشت.

تحلیل ژورنالیست

پیروزی جوزف. جو. بایدن در انتخابات آبان ۱۳۹۹ آغاز یک دوره جدید در آمریکا است و در این میان «جدید» به این معناست که آمریکای دوره بایدن با آمریکای دوره ترامپ و پیش از آن تفاوت‌هایی خواهد داشت. اما چه تفاوت‌هایی؟

جو بایدن ۷۷ ساله حدود ۴۷ سال سابقه کار در پست‌هایی مثل معاون رئیس‌جمهور و سناتور دارد و این به آن معناست که برخلاف دونالد ترامپ که هیچ‌کدام از این سوابق را نداشته است، آشنایی بیشتری با حقایق آمریکا و محیط پیرامون آن و عرصه بین‌الملل دارد و این به او و آمریکا کمک می‌کند تا در تصمیم‌گیری‌ها از شتاب‌زدگی کمتری پیروی کند. ترامپ در دوره چهار ساله ریاست جمهوری خود به رئیس‌جمهوری که کمتر مشورت می‌کند، کمتر به گزارش‌های کارشناسی توجه دارد و سریع‌تر از دیگران به تصمیم می‌رسد، شهرت داشت. از این رو در دوره او شاهد رخدادهایی بودیم که در داخل آمریکا اجماعی درباره آنها وجود نداشت. ترامپ به دلیل تک‌روی‌هایی که داشت، نتوانست از همه ظرفیت آمریکا در دوره ریاست جمهوری خود کمک بگیرد. او رابطه خوبی با پنتاگون نداشت و دستگاه سیاست خارجی او در شخص وزیر و مشاور ارشد او جراد کوشنر خلاصه شده بود. شورای روابط خارجی و کاخ سفید نیز در دوره ترامپ نتوانستند نقش سنتی خود را در کمک به «رئیس‌جمهور» ایفا نمایند. بر همین اساس ترامپ حتی در کارزار انتخاباتی با حزب پیچیده‌تر دموکرات نتوانست از اعضای دولت خود استفاده کند و جمهوری خواهان نیز کمک چندانی به او در این کارزار نکردند. او علیرغم آنکه قضات دیوان عالی را تغییر داده بود و به ترکیب شش هوادار جمهوری خواهان و چهار هوادار دموکرات‌ها رساند، اما در عین حال دیوان عالی نیز در ادعای انتخاباتی ترامپ. تقلب. کمکی به او نکرد و از این رو علیرغم سروصداهای زیاد ترامپ، جو بایدن مسیر کمپین‌های انتخاباتی تا کاخ سفید را راحت‌تر از آنچه ترامپ تصور می‌کرد، طی نمود.

چالش داخلی بایدن

جو بایدن در عین حال می‌داند که وضع اقتصاد آمریکا تا چه حد خراب است. او در کارزار انتخاباتی گفت آمریکا دست‌کم به پنج تریلیون دلار نیاز دارد تا بتواند بحران‌های عمیق این کشور را کاهش دهد. اما این پول چگونه به دست می‌آید؟ وقتی دونالد ترامپ در مواجهه انتخاباتی از او پرسید این همه پول را از کجایم می‌آوری، بایدن گفت با رونق دادن به کسب و کار و گرفتن مالیات این پول تأمین می‌شود. ولی واقعیت این است که این راه چندان هموار نخواهد بود. چرا که همین الان آمریکا با رکود شدید مواجه است و کسب و کارها وضع و حال خوبی ندارند تا او بتواند از طریق وضع مالیات‌های جدید به این پول هنگفت دست پیدا کند. آمریکا دست‌کم ۳ تریلیون دلار کسری بودجه دارد یعنی به اندازه‌ای که درآمد دارد کسری بودجه دارد و این یعنی آمریکا ۱۰۰ درصد با کسری بودجه مواجه می‌باشد که در فاصله بحران ۱۹۲۳ تا کنون بی سابقه است. بنابراین بایدن اگر بخواهد به شعارهای انتخاباتی خود عمل کند لاقلاً سالانه به ۷۵۰ میلیارد دلار اضافه نیاز خواهد داشت و این چیزی نیست که عملاً به دست آمدنی باشد. این در حالی است که اگر بایدن نتواند به این پول دست یابد با موج جدیدی از بیکاری و افزایش قیمت کالاها و خدمات مواجه می‌گردد.

بایدن در عین حال پیروزی خود را مدیون بدشانسی دونالد ترامپ می‌داند. رقیب جمهوری خواه او بیش از ۷۲ میلیون رأی دارد و این حدود ۱۰ میلیون رأی بیش از زمانی است که ترامپ به سختی و به مدد کارت‌های الکتروال بر رقیب خود در انتخابات ۲۰۱۶ - هیلاری کلینتون - پیروز گردید. پیروزی بایدن در انتخابات ۲۰۲۰ دقیقاً مرهون افزایش هیجانی مشارکت شهروندان آمریکا در انتخابات است و این به آن معناست که آمریکا هم‌اینک دوقطبی شده است و قطب مقابل او بیش از رؤسای جمهور که در انتخابات‌های دوره ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۲ به پیروزی رسیدند، رأی دارد. این در حالی است که ترامپ برخلاف رقبای این رؤسای جمهور، شکست در انتخابات را قبول نکرده و به زمین و زمان می‌زند تا مانع رسیدن بایدن به کاخ سفید شود. ترامپ در فاصله انتخابات آبان ماه تا کنون نشان داده است که اگرچه ناگزیر به ترک کاخ سفید خواهد بود اما رأی دهندگان خود را فراموش نمی‌کند و به قدرت آنان برای بازگشت به کاخ سفید اعتماد دارد. پس بایدن با اعضای مجلس سنا و مجلس نمایندگان درگیر خواهد بود. ترامپ در مجلس نمایندگان، حداقل ۱۰۰ کرسی در اختیار دارد و رهبران ۲۶ ایالت از ۵۰ ایالت آمریکا از

تحلیل‌های ۳۵

۱۸

دی ماه ۱۳۹۹
هیأت‌رئیس‌مندان اسلام



آمریکا دست‌کم ۳ تریلیون دلار کسری بودجه دارد یعنی به اندازه‌ای که درآمد دارد کسری بودجه دارد و این یعنی آمریکا ۱۰۰ درصد با کسری بودجه مواجه می‌باشد که در فاصله بحران ۱۹۲۳ تا کنون بی سابقه است. بنابراین بایدن اگر بخواهد به شعارهای انتخاباتی خود عمل کند لاقلاً سالانه به ۷۵۰ میلیارد دلار اضافه نیاز خواهد داشت و این چیزی نیست که عملاً به دست آمدنی باشد.

او حمایت می‌کند و بایدن نمی‌تواند آنان را تغییر دهد. این وضعیت بیانگر آن است که بایدن در دو ساحت سیاسی و اقتصادی چالش‌های عمیقی در داخل پیش روی خواهد داشت.

چالش سیاست خارجی بایدن

اما تا آنجا که به ما برمی‌گردد جو بایدن با محیط خارجی پرمسئله‌ای نیز مواجه است. عملکرد ترامپ در این چهار سال این محیط را از یک سودچار بهم‌ریختگی کرده و از سوی دیگر به رقبای آمریکا و دشمنان آن امکان عرض اندام بیشتری داده است. روابط آمریکا و چین بیش از هر دوره‌ای دچار تنش است و بعید است چینی‌ها بدون گرفتن امتیازات ویژه اقتصادی به دوره پیش از به قدرت رسیدن ترامپ برگردند. آمریکا در دوره ریاست جمهوری ترامپ، چین را متهم به توطئه علیه اقتصاد خود می‌کرد و ادبیات میان‌پکن و واشنگتن به شدت تند شده بود. برای این اساس اولین اندرز باراک اوباما که از او به استاد بایدن یاد می‌شود، به «رئیس جمهور منتخب» این بود که اول روابط با چین را به وضعیت عادی بازگرداند. اما این چیزی نیست که صرفاً به اراده سیاسی بایدن بستگی داشته باشد. چینی‌ها نسبت به رفتار آمریکا در شرق دور اعتراض دارند و مداخلات آن در شبه جزیره کره و شاخ و شانه کشیدن آن برای اراضی و جزایر چینی را بر نمی‌تابند.

تحلیل ژورنالیست

۱۹

دی ماه ۱۳۹۶
هیأت‌رئیس‌مجلس

“

اولین اندرز باراک اوباما که از او به استاد بایدن یاد می‌شود، به «رئیس جمهور منتخب» این بود که اول روابط با چین را به وضعیت عادی بازگرداند. اما این چیزی نیست که صرفاً به اراده سیاسی بایدن بستگی داشته باشد. چینی‌ها نسبت به رفتار آمریکا در شرق دور اعتراض دارند و مداخلات آن در شبه جزیره کره و شاخ و شانه کشیدن آن برای اراضی و جزایر چینی را بر نمی‌تابند.

چالش با روسیه

روابط آمریکا و روسیه هم در دوره بایدن به سمت بحرانی شدن پیش خواهد رفت. دموکرات‌ها در انتخابات اخیر، ولادیمیر پوتین را متهم می‌کردند که برای به قدرت رسیدن دوباره ترامپ خطوط قرمز را زیرپا گذاشته است. برای این اساس هنوز بایدن به کاخ سفید نرسیده دولت‌های اروپایی که آشکارا از بایدن

در انتخابات حمایت می‌کردند، در بیانیه‌ای از مسکو خواستند تا شبه جزیره کریمه که روسیه در سال ۱۳۹۱ به تصرف درآورد را ترک کند و البته روسیه پوتین این تهدید را جدی نگرفت و حتی از دادن پاسخ به این بیانیه خودداری کرد. روسیه در مناقشه با آمریکا نیز دلیلی نمی‌بیند تا بخواهد جانب احتیاط را رعایت کند. روسیه می‌داند روابط پکن و واشنگتن التیام‌پذیر نیست و در عین حال از ضرورت توجه بایدن به وضع اقتصادی ویران آمریکا خبر دارد و لذا روسیه در دوره بایدن با اعتماد به نفس بیشتری در مقابل غرب عمل خواهد کرد.

وضع روابط خارجی آمریکا در حوزه عربی هم به هم ریخته است. آمریکا اگرچه از مهم‌ترین عوامل بقاء رژیم غاصب صهیونیستی در فاصله سال‌های ۱۳۲۴ - زمان پایان جنگ جهانی دوم و مطرح شدن آمریکا به عنوان ابرقدرت - تا سال ۱۳۹۵ که ترامپ روی کار آمد، بود. اما همواره سعی می‌کرد از خود چهره میان‌دار در اختلافات و درگیری‌های کشورهای عربی و اسلامی با رژیم صهیونیستی نشان دهد. بر این اساس باراک اوباما طرح دو دولت را مطرح کرد و همواره از سیاست شهرک‌سازی به وسیله رژیم اسرائیل انتقاد می‌کرد. دونالد ترامپ صحنه درگیری را به نفع تل‌آویو تقویت کرد. حالا موضوع اسرائیل در محیط منطقه‌ای با دو وضعیت متناقض مواجه می‌باشد؛ از یک سو رژیم اسرائیل با بخشی از جهان عرب شامل عراق، سوریه، لبنان، یمن و فلسطین که در محور مقاومت قرار دارند، مواجه می‌باشد که یادآور مشکل اسرائیل با جبهه امتناع عربی محوریت سوریه است و از سوی دیگر بقیه جهان عرب که پیش از این به صورت یکپارچه و تحت رهبری دولت سعودی به عنوان «جناح محافظه‌کار عربی» شناخته می‌شد، دو پارچه شده است. عده کمی از آنان در ماه‌های پایانی دوره ترامپ با رژیم صهیونیستی توافقنامه روابط سیاسی امضا کرده‌اند و بخش بزرگ‌تری از آنان در وضعیت سکوت قرار دارند و اسرائیل نگران پیوستن حداقل تعدادی از این کشورها به جبهه مقاومت هست که نشانه‌هایی از آن در تونس و الجزایر به چشم می‌خورد.

آمریکا در دوره ترامپ با راه‌اندازی «معامله قرن» و انتقال سفارت خود از تل‌آویو به بیت‌المقدس و حمایت از الحاق بلندی‌های جولان به سرزمین‌های اشغالی اسرائیل و نیز با تصویب الحاق حدود ۳۰ درصد از اراضی فلسطینی واقع در کرانه باختری رود اردن به مناطق اشغالی اسرائیل، تمام طرح‌های قبلی آمریکا را منسوخ کرد و وضع جدیدی که پراز تنش است را پدید آورد. بایدن نه می‌تواند به اندازه ترامپ پیگیر معامله قرن

باشد و نه قادر است مسیر رفته را بازگرداند و شرایط را به دوره اوباما برساند. این همه در حالی است که اسرائیل در سال‌های اخیر با بحران شدید داخلی هم مواجه شده به گونه‌ای که در دو سال، سه انتخابات پارلمانی را برگزار کرده و هم‌اینک در آستانه برگزاری انتخابات پارلمانی چهارم می‌باشد. در این حدود یک سال اخیر، رژیم اسرائیل ناگزیر تن به کابینه ائتلافی بین حزب لیکود و حزب جدید التأسیس آبی - سفید به رهبری گانتز داد. کابینه‌ای که دوام نیاورد و با اعلام خروج حزب آبی - سفید، در آستانه فروپاشی قرار گرفته است.

اسرائیلی‌ها امروز به این جمع‌بندی رسیده‌اند که دوره بنیامین نتانیا هو که از سال ۱۳۷۴ تاکنون در نقطه کانونی قدرت اسرائیل قرار گرفته، به پایان رسیده و این در حالی است که پس از او هیچ شخصیت جامعی برای قرار گرفتن در جایگاه رهبری اسرائیل باقی نمانده است و این رژیم ناگزیر به پوست اندازی تن خواهد داد. در یک جمله وضعیت بایدن در ارتباط با پرونده فلسطین در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. او اگرچه در انتخابات اخیر از حمایت ۷۰ درصد یهودی‌های ساکن آمریکا برخوردار بوده است اما آنان نیز از تداوم دوره نتانیا هو پشتیبانی نمی‌کنند و رأی آنان به بایدن بیانگر ناراضیاتی آنان از سیاست تحریک آمیز ترامپ درباره یهودیان و از جمله دولت صهیونیستی اسرائیل بوده است. بر این اساس می‌توان پیش‌بینی کرد که به دلیل ضعف سیاست بایدن درباره مسایل فی ما بین تل‌آویو و واشنگتن، فلسطینی‌ها می‌توانند زمان بهتری داشته باشند و وحدت آنان می‌تواند تا حد زیادی امور آنان را سر و سامان دهد.

روابط آمریکا و ترکیه

رابطه آمریکا و ترکیه هم تا حد زیادی به هم ریخته است. در جریان انتخابات اخیر، رجب طیب اردوغان متهم شد که در انتخابات از دونالد ترامپ جانبداری کرده و پیروزی او را ترجیح می‌دهد. ترکیه در دوره ریاست جمهوری ترامپ توانست موقعیت خود را در سوریه در مواجهه با کردهای این کشور (pdy) تثبیت کرده و مناطق بیشتری از این کشور را به تصرف خود درآورد. اما آیا اردوغان می‌تواند همین روابط را با بایدن هم داشته باشد جواب این سؤال آسان نیست



اسرائیلی‌ها امروز به این جمع‌بندی رسیده‌اند که دوره بنیامین نتانیا هو که از سال ۱۳۷۴ تاکنون در نقطه کانونی قدرت اسرائیل قرار گرفته، به پایان رسیده و این در حالی است که پس از او هیچ شخصیت جامعی برای قرار گرفتن در جایگاه رهبری اسرائیل باقی نمانده است و این رژیم ناگزیر به پوست اندازی تن خواهد داد.

تحلیل ژورنالیست

۲۱

دی ماه ۱۳۹۹
هیأت‌رئیس‌مجلس اسلام



می‌توان پیش‌بینی کرد که به دلیل ضعف سیاست بایدن درباره مسایل فی ما بین تل‌آویو و واشنگتن، فلسطینی‌ها می‌توانند زمان بهتری داشته باشند و وحدت آنان می‌تواند تا حد زیادی امور آنان را سر و سامان دهد.

و باید گفت بله و خیر! اردوغان این ظرفیت را دارد که یک چرخش دوباره در سیاست خارجی خود داشته باشد. از نظر بایدن این چرخش باید با کاهش همکاری‌های میان آنکارا و مسکو از یک سو و آنکارا و تهران از سوی دیگر توأم باشد. اردوغان در همین روزها با به‌کارگیری ادبیات غیردوستانه با ایران و پیش کشیدن بحث ترک‌های جنوب ارس، یک علامت به بایدن داد. اما به نظر نمی‌آید او به این مقدار بسنده کند از این رو درست در همین روزها، تیم سیاسی جو بایدن از لزوم کنار گذاشته شدن اردوغان از مردم ترکیه حرف زد و رئیس‌جمهور این کشور را عنصر نامطلوب خواند. آمریکایی‌ها از روابط رو به توسعه ترکیه و روسیه به شدت عصبانی هستند. آنان خرید سامانه اس ۴۰۰ از سوی ترکیه را یک دهن‌کجی به روابط تاریخی آنکارا-واشنگتن ارزیابی کرده و به دنبال تحول در عرصه سیاسی ترکیه هستند.



آمریکایی‌ها از روابط رو به توسعه ترکیه و روسیه به شدت عصبانی هستند. آنان خرید سامانه اس ۴۰۰ از سوی ترکیه را یک دهن‌کجی به روابط تاریخی آنکارا-واشنگتن ارزیابی کرده و به دنبال تحول در عرصه سیاسی ترکیه هستند.

اما در اینجا دو سؤال اساسی وجود دارد؛ آیا اردوغان تحت این فشارها راه خود را تغییر می‌دهد؟ آیا آمریکا در موقعیتی هست که بتواند به طور واقعی ترکیه را برای تغییر سیاست و روابط منطقه‌ای خود تحت فشار قرار دهد؟ بعید است اردوغان بتواند در روند سیاسی ترکیه تغییرات اساسی بدهد. هر چند اردوغان مایل به ترمیم روابط با عربستان، امارات و مصر-محور تندروی عربی- و نیز ترمیم روابط با آمریکا است. اما به هیچ وجه از توطئه مشترک آنان برای تغییر سیاسی در ترکیه ایمن نیست و لذا نمی‌تواند به آنان اعتماد کند و به «فرموده» آنان عمل نماید. از آن طرف آمریکا و محور تندروی عربی در موقعیتی نیستند که بتوانند شرایط منطقه‌ای را به ضرر روسیه، ایران و ترکیه تغییر دهند. از این رو می‌توان پیش‌بینی کرد که در ماه‌های آغازین دوره ریاست‌جمهوری جو بایدن، شاهد تشدید ادبیات ضد ترکی کاخ سفید خواهیم بود اما این موضوع به مرور فروکش می‌کند و وضع بین آنکارا و واشنگتن عادی می‌شود. کما اینکه روابط ترکیه و آمریکا در دوره ریاست‌جمهوری اوباما پس از یک دوره تنش به سمت آرامش رفت.

اما بحث ایران در این میان از پیچیدگی زیادی برای بایدن خبر می دهد. آمریکا در دوره اوباما. بایدن تلاش کرد تا از طریق یک توافق جامع به مهار جمهوری اسلامی دست پیدا کند این توافق جامع اگرچه در بحث هسته ای محدود ماند اما آنان از ورود ایران به برجام های بعدی ناامید نبودند. کما اینکه پایه های برجام های موشکی و منطقه ای در متن برجام هسته ای به نحوی «ظریف» جانمایی شده بود. از منظر اوباما. بایدن می توان با حفظ تحریم های شدید، ایران را وادار به پذیرش شدیدترین رژیم های نظارتی. بازرسی. کرد و با تمرین دادن آن، راه را برای مذاکرات موشکی و منطقه ای با ایران هموار نمود. اما دونالد ترامپ با خروج از برجام کار را سخت کرده است. حالا بایدن قادر نیست شرایط بین آمریکا و ایران را به سال ۱۳۹۲ که مذاکرات برجام شروع شد، بازگرداند. چرا که با وجود مخالفت روسیه و چین، قادر به بازسازی دوباره اجماع در شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران است و نه قادر به بازگرداندن ایران به برجام علیرغم فشارهای شدید تحریمی است.

بایدن اگر بخواهد بدون سرو صدا به برجام بازگردد باید تحریم ها علیه ایران را به طور واقعی لغو کند و حال آنکه ماندن اوباما در برجام به معنای لغو تحریم ها نبود و در عمل هم این طور نشد اما بازگشت بایدن به برجام، لزوماً توأم با عمل به تعهدات خواهد بود چرا که در غیر این صورت ایران از راهی که طی یک سال اخیر در کم کردن تعهدات برجامی اش پیموده است، باز نمی گردد و این بازگشت آمریکا به برجام را بی خاصیت کرده و منجر به نقض غرض آمریکا از امضای برجام از یک سو و اعمال تحریم ها از سوی دیگری می شود.

بایدن اگر به برجام هم باز نگردد به این معناست که شرایط فعلی میان امضاکنندگان برجام و ایران استمرار می یابد و این به نفع سیاست مهار ایران نیست چرا که ایران همان طور که در مصوبه اخیر مجلس شورای اسلامی به آن تصریح شده، بدون آنکه رسماً اعلام کند، از برجام خارج می شود و مذاکرات نفس گیر چند ساله غرب با ایران منسوخ می گردد و این یعنی روز از نو روزی از نو و این چیزی نیست که آمریکا و وابستگان اسرائیلی و عرب آن خواستار آن باشند در این میان جو بایدن باره اندازی مذاکرات، مسیر دو (Track two) با

تحلیل ژورنالها ۳۵

۳۳

دی ماه ۱۳۹۹
هیأت رئیسه نگاران اسلام

“

می توان پیش بینی کرد که در ماه های آغازین دوره ریاست جمهوری جو بایدن، شاهد تشدید ادبیات ضد ترکی کاخ سفید خواهیم بود اما این موضوع به مرور فروکش می کند و وضع بین آنکارا و واشنگتن عادی می شود.

ایران در صدد پیدا کردن راه میانه‌ای است به گونه‌ای که ایران امتیازات محدود و اعلام نشده‌ای دریافت کند و روند خروج از برجام را متوقف گرداند و بایدن با اتکاء به آن به برجام برگردد و ادبیات طلبکارانه خود را هم حفظ کند یعنی ادبیات ایران درخواست از



رهبر معظم انقلاب اسلامی - دامت برکاته - اخیراً تأکید کردند، در دوره کنونی با آمریکایی‌ها گفت‌وگویی نخواهیم داشت. بایدن باید ابتدا به برجام بگردد و تحریم‌ها را بردارد. آنگاه ما می‌توانیم در قالب گروه ۱+۵ با طرف‌های مختلف گفت‌وگو داشته باشیم. در واقع خطوطی که رهبری تعیین کرده‌اند جلوی سواستفاده تیم بایدن را می‌گیرد و هر گونه گمانه‌زنی برای مذاکرات پیرامون موضوعات فراهسته‌ای را از بین می‌برد.

آمریکا برای بازگشت به برجام باشد و ادبیات آمریکا لزوم تن دادن ایران به مذاکرات جدید نه فقط پیرامون برنامه هسته‌ای و حتی تن دادن به مذاکره پیرامون قدرت موشکی و نفوذ خود در منطقه باشد. بایدن گمان می‌کند این راه اگرچه اطمینان‌آور نیست و تضمینی برای دست یافتن دوباره به مهار ایران در آن نیست اما آن را «تنهاراه ممکن» در مواجهه با ایران ارزیابی می‌کند. همین حالا که دولت روحانی چراغ خاموش به مذاکرات مخفی با اطرافیان بایدن روی آورده است، تیم بایدن مرتب از «شروط» بایدن برای بازگشت صحبت می‌کنند.

اما از این طرف، ایران به هیچ وجه اعتمادی به آمریکا و از جمله تیم بایدن ندارد. براین اساس رهبر معظم انقلاب اسلامی - دامت برکاته - اخیراً تأکید کردند، در دوره کنونی با آمریکایی‌ها گفت‌وگویی نخواهیم داشت. بایدن باید ابتدا به برجام بگردد و تحریم‌ها را بردارد. آنگاه ما می‌توانیم در قالب گروه ۱+۵ با طرف‌های مختلف گفت‌وگو داشته باشیم. در واقع خطوطی که رهبری تعیین کرده‌اند جلوی سواستفاده تیم بایدن را می‌گیرد و هر گونه گمانه‌زنی برای مذاکرات پیرامون موضوعات فراهسته‌ای را از بین می‌برد.

بایدن اگر به فرمول رهبری تن دهد، در واقع در مقابل مقاومت ایران تسلیم شده است و اگر به این فرمول تن ندهد باید حرکت جهشی ایران به سمت بازسازی هسته‌ای خود را بپذیرد و این بدترین انتخاب برای بایدن است. تیم بایدن معتقد است کار با ایران هم اینک از هر زمانی سخت‌تر شده است؛ چرا که هم اینک ایرانی‌ها درباره سوءنیت آمریکا تردید کمتری دارند و نیروهای هوادار مذاکره با آمریکا در ایران در موقعیت ضعیفی قرار گرفته‌اند. تیم بایدن برای روی کار آمدن دوباره افرادی نظیر روحانی و ظریف در ایران،

“

بایدن اگر به فرمول رهبری تن دهد، در واقع در مقابل مقاومت ایران تسلیم شده است و اگر به این فرمول تن ندهد باید حرکت جهشی ایران به سمت بازسازی هسته‌ای خود را بپذیرد و این بدترین انتخاب برای بایدن است.

هیچ شانس برای خود قایل نیست و نتیجه انتخابات خرداد ماه ایران را روی کار آمدن نیروهای انقلابی می‌داند و از این رو با مواضع رهبری نمی‌تواند پیش از انتخابات به مذاکره با ایران دست یابد و کمی بعد از روی کار آمدن هم با دولت جدیدی در ایران مواجه است که نگاه جدیدی به مذاکره دارد و این هم در حالی است که همین روزها دو عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل به صورت پی در پی از حق ایران در کاهش تعهداتش دفاع کرده‌اند و این به معنای آن است که در شورای امنیت سازمان ملل روی طرح‌های ضدایرانی آمریکا بسته است.

۲۵ تحلیل روزانه

۲۵

دی ماه ۱۳۹۹
هیأت‌رئیس‌رسان

تکلیف و ادب



دکتر عبدالله گنجی

چرا دو حزب امریکانگاہ مشرکی بہ ایران دارند؟

چکیده

نظام جمهوری اسلامی ایران و نظام سیاسی امریکا از دو دستگاه معرفت‌شناسی و جهان‌بینی متفاوت پیروی می‌کنند که در تضاد ۱۸۰ درجه‌ای با همدیگر می‌باشند. علاوه بر آن دو مسئله برای هر دو حزب امریکا مشترک است که علت همسویی آنان می‌باشد. اول تعهد هر دو به صهیونیست‌ها (آپیک) (AIPAC) مبنی بر حفظ امنیت و برتری نظامی صهیونیست‌ها در غرب آسیا و دیگری ماهیت و وجود انقلاب اسلامی است که به خاطر رفاه احتمالی و فرار از تحریم در نظام سلطه هضم نمی‌شود.

ایران نیز نگاه واحدی به هر دو حزب امریکا دارد و برای این مدعا تجربه ۴۲ ساله‌ای را پشت سر دارد. در پارادایم حق - باطل، فقر - غنا و ایمان - ذلت هر دو کشور با ماهیت و هویت دیگری مشکل دارند نه با رفتار و منافع اقتصادی. بنابراین این مبارزه مبنی بر جهان‌بینی حضرت امام از آدم تا ختم زندگی وجود دارد. راه اصلاح در نگاه دولتمردان امریکا فقط دست برداشتن ایران از هویت خود می‌باشد و راه دیگری وجود ندارد. مذاکرات هسته‌ای و نحوه مواجهه امریکا با آن، این مهم را اثبات می‌کند.

مقدمه

دو حزب عمده امریکا در روش مواجهه با ایران متفاوت هستند اما در راهبرد، مواجهه با ایران تفاوتی نمی‌کنند. این مهم از چند مسئله ناشی می‌شود. اول عدم هضم ایران در راهبرد جهانی‌سازی و دهکده جهانی، دوم مبارزه ایران با حضور امریکا در جهان اسلام و سوم ماهیت انقلاب اسلامی است که از جهان‌بینی متفاوتی تبعیت می‌کند. در غرب و ایضاً امریکا هدف زندگی سودگرایی و لذت‌گرایی است، اما در تفکر دینی انسان موجودی دو بعدی است که باید هر دو بعد دنیوی / اخروی و مادی / معنوی آن توسط حکومت مورد توجه قرار گیرد و همین نقطه محل منازعه سکولاریسم و لیبرالیسم با اسلام سیاسی است.

تحلیل‌ها ۳۵

۲۲

دی ماه ۱۳۹۹
هیأت‌رئیس‌رسان اسلام



بر خلاف دو جریان سیاسی عمده در ایران دو حزب امریکا به رغم اختلاف در اولویت‌های داخلی در سیاست خارجی و منافع ملی اشتراک نظر دارند. اگر اختلاف نیز وجود دارد بر سر روش و تاکتیک است نه راهبرد و سیاست

تشابهات دو حزب امریکا نسبت به ایران

برخلاف دو جریان سیاسی عمده در ایران دو حزب امریکا به رغم اختلاف در اولویت های داخلی در سیاست خارجی و منافع ملی اشتراک نظر دارند. اگر اختلاف نیز وجود دارد بر سر روش و تاکتیک است نه راهبرد و سیاست. علاوه بر آن امریکایی ها به صورت کلی از قاعده احترام متقابل در روابط بین الملل استفاده نمی کنند به همین دلیل یا باید تحت سلطه باشی یا مقاومت کنی. وجه سومی وجود ندارد مگر مانند چین که از همترازی خاصی برخوردار باشید. انقلاب اسلامی با دستگاه معرفتی اسلام تشیع و تجربه تاریخی عاشورا قطعاً نمی تواند تحت سلطه باشد بنابراین احترام متقابل نیز امکان پذیر نمی باشد. دو حزب امریکا در نگاه ارباب رعیتی به کشورهای دیگر اشتراک نظر دارند و همین نقطه خط قرمز انقلاب اسلامی است. با پیروزی انقلاب اسلامی و تعریف جهانی از آن توسط امام خمینی (ره) احساس خطر نسبت به الهام بخشی آن در همه دولت های متمدن امریکا وجود داشته است و در رفتار ۴۲ ساله با ایران کاملاً ملموس است. از جمله اشتراکات دو حزب امریکا فهم راهبردی مشترک از خاورمیانه یا غرب آسیاست. دو حزب امریکا در خاورمیانه ۴ راهبرد اساسی را دنبال می کنند و معتقد به «نظریه بحران» هستند. آنان معتقدند باید بحران دائمی در خاورمیانه وجود داشته باشد و مسلمانان به همدیگر مشغول باشند و نتوانند رژیم صهیونیستی و منافع غرب را تهدید کنند.

چرا دو حزب امریکا
نگاه مشترکی به
ایران دارند؟
دکتر عبدالله کنجی



امریکایی های
صورت کلی از
قاعده احترام
متقابل در روابط
بین الملل استفاده
نمی کنند به همین
دلیل یا باید تحت
سلطه باشی یا
مقاومت کنی. وجه
سومی وجود ندارد
مگر مانند چین که
از همترازی خاصی
بر خوردار باشید

تحلیل ژورنالیست

۲۸

دی ماه ۱۳۹۹
هیأت رزمندگان اسلام



دو حزب امریکا در خاورمیانه ۴ راهبرد اساسی را دنبال می کنند و معتقد به «نظریه بحران» هستند. آنان معتقدند باید بحران دائمی در خاورمیانه وجود داشته باشد و مسلمانان به همدیگر مشغول باشند و نتوانند رژیم صهیونیستی و منافع غرب را تهدید کنند.

چهار راهبرد امریکا در خاورمیانه

۱- ملت سازی: یکی از روش های امریکا در خاورمیانه برای تقلیل و تعدیل قدرت مسلمانان ملت سازی است. ابتدا در اختلافات قومی - مذهبی می دمدن سپس تجزیه را به عنوان راه حل ارائه می دهند. تلاش برای ایجاد سه ملت کردی، سنی و شیعی در عراق و سوریه تاکنون ناکام بوده است. در کردستان عراق ملت سازی را تست کردند که با هوشمندی ایران و عراق در نطفه خفه شد.

در سوریه پس از ناکامی از سرنگونی حکومت مرکزی دولت های کردی، علوی و سنی را



هر دو حزب امریکا اسرائیل را خط قرمز می‌دانند و هر کاندیدایی از دو حزب در امریکا به میدان آمده اول سرسپردگی خود به آپیک را ثابت نموده است. بنابراین در همه مذاکرات فلسطینی‌ها و اسرائیل امریکا هم داور بوده است، هم مقابل فلسطینی‌ها و هر دو حزب در این باره عین هم عمل نموده‌اند.

تحلیل‌ها ۳۵

۲۹

دی ماه ۱۳۹۶
هیأت‌رئیس‌رسان اسلام

با مرکزیت‌های مجزا طرح کردند که خنثی گردید و عامل این ناکامی سازی را انقلاب اسلامی می‌دانند.

۲- دولت‌سازی: بارها تلاش کرده‌اند دولت‌های دلخواه را در کشورهای اسلامی به وجود آورند. برخی حکام اسلامی که فاقد حداقل دموکراسی هستند در چنگال امریکا اسیر هستند اما جاهایی که با اشغال نظامی یا روش دموکراتیک دولت‌ها تغییر می‌کنند، تلاش نموده‌اند دولت‌های مدنظر را مستقر کنند. در عراق از سال ۲۰۰۳ تا کنون موفق به این امر نشده‌اند. در سوریه ناکام ماندند و در لبنان نیز به رغم طراحی‌های پیچیده هنوز محصولی نداشته‌اند. در لیبی ناکام ماندند و جنگ داخلی به این کشور تحمیل شد و در افغانستان نیز از یک گروه چریکی شکست خوردند.

۳- تسلط بر منابع منطقه: در دیدگاه ماتریالیسمی غرب، کسب منافع مادی و ثروت بر همه چیز ارجحیت دارد به همین دلیل ترامپ می‌گفت: قتل خاشقچی بد بود، اما ما ۴۰۰ میلیارد دلار قرارداد با سعودی‌ها داریم. بنابراین تسلط بر منابع نفت و گاز منطقه راهبرد امریکا است و ابایی ندارند که علناً و روز روشن نفت سوریه را بدزدند. این راهبرد نسبت به دوراهبرد قبلی تا حدودی برای امریکا محقق شده است و علت عمده آن اختلاف بین کشورهای اسلامی است.

۴- حفظ امنیت و برتری نظامی صهیونیست‌ها

هر دو حزب امریکا اسرائیل را خط قرمز می‌دانند و هر کاندیدایی از دو حزب در امریکا به میدان آمده اول سرسپردگی خود به آپیک را ثابت نموده است. بنابراین در همه مذاکرات فلسطینی‌ها و اسرائیل امریکا هم داور بوده است، هم مقابل فلسطینی‌ها و هر دو حزب در این باره عین هم عمل نموده‌اند. علت اصلی اشتراک دو حزب بر امنیت اسرائیل از یک سو به لابی پر قدرت صهیون در اقتصاد امریکا برمی‌گردد و از سوی دیگر به پیش‌روندگی انقلاب اسلامی در منطقه غرب آسیا. به صورتی که راهبرد از نیل تا فرات صهیونیست‌ها به حصارهای آهنین در اطراف خود تبدیل شد و در جنگ‌های چریکی گروه‌های جهادی فلسطین و لبنان صهیونیست‌ها شکست خوردند و مجبور به تخلیه جنوب لبنان و غزه شدند. تولد داعش با شعار «هلال شیعی در خاورمیانه شکل گرفته است» نیز نتوانست امنیت اسرائیل را ارتقا بخشد. لذا داعش نابود شده و

نيروي چند مليتي که شهيد سلیماني به وجود آورده بود همچنان در منطقه باقي ماند و کابوس صهيونيست ها شد. لذا به رسميت نشناختن اسرئيل از سوي ايران و ارتقاي روز به روز سيستم موشکي ايران باعث شده است هر دو حزب امريکا اسرئيل را ناموس خود بدانند و بخش عمده تحريم و فشار اقتصادي بر جمهوری اسلامي براي ممانعت از ضربه به امنيت اسرئيل است.

وقتي که غرب با محوريت امريکا خاورميانه را «محيط بحران» مي خواهد و منافع خود را در چنين وضعيتي برآورده مي داند طبيعي است که جمهوری اسلامي ايران نيز منتظر تغيير احزاب در امريکا نمي ماند و وقتي چاره اي جز مقاومت نيست «نظريه مقاومت» را طرح مي کند تا دو طرف از محاسبات همديگر مطلع باشند.

امريکا از عوامل عرفي قدرت يعني ۱- ثروت ۲- وسعت ۳- جمعيت از ايران برتر است و مبتني بر همين سه آورده است که هر دو حزب به «هژمونیک» امريکا در جهان اصرار دارند. اما سؤال اساسي ايران است که اگر امريکا در سه عامل قدرت برتر است - که هست - چرا در مقابل محور مقاومت در خاورميانه زمين گير شده و هيچ توفيقی در يمن، سوريه، عراق، لبنان، ايران و افغانستان نداشته است و از قضا با جابه جايي احزاب امريکا نيز اين شکست ها و ناکامي مستمراً ادامه دارد همان طور که او با ماي دموکرات در سال ۲۰۱۴ سربازان امريکا را از عراق خارج کرد تراپم جمهوری خواه نيز دستور خروج سربازان امريکايي از افغانستان و تعديل آنها در عراق و سوريه را صادر کرد.

تحليل ژورناليستي

۳۰
دي ماه ۱۳۹۹
هيأت رزمندگان اسلام

اما سؤال اساسي ايران است که اگر امريکا در سه عامل قدرت برتر است - که هست - چرا در مقابل محور مقاومت در خاورميانه زمين گير شده و هيچ توفيقی در يمن، سوريه، عراق، لبنان، ايران و افغانستان نداشته است و از قضا با جابه جايي احزاب امريکا نيز اين شکست ها و ناکامي مستمراً ادامه دارد ...

تفاوت ۲ حزب امريکا در باره ايران چيست؟

همان گونه که ياد آوري شد دو حزب امريکا از منافع ملي اين کشور تصور واحدی دارند از جمله اينکه ما بايد قدرت برتر جهان باشيم و هر کس مقابل اين ايده بایستد بايد حذف شود. در حوزه راهبردي اختلاف مبنايي با هم ندارند. در حوزه سياست داخلي امريکا البته اختلافات جدی است. بر سر ييمه، مهاجران، درمان، اشتغال و... اختلافات جدی دارند اما در حوزه سياست خارجي اينگونه نيست. اختلاف دو حزب در سياست وجود دارد.

جمهوريخواهان
همه نيروهاي
سياسي درون
حاکميت ايران
را به يک چشم
مي بينند و اميد همه
را قطع کرده اند،
اما دموکرات ها
نيروهاي سياسي
ايران را دو دسته
دور و نزديک يا
بدو بدتر مي دانند
و از قضا در ايران
نيز نسبت به
دموکرات ها اين نگاه
وجود دارد.

“

همان گونه که یادآوری شد دو حزب آمریکا از منافع ملی این کشور تصور واحدی دارند از جمله اینکه ما باید قدرت برتر جهان باشیم و هر کس مقابل این ایده بایستد باید حذف شود. در حوزه راهبردی اختلاف مبنایی باهم ندارند. در حوزه سیاست داخلی امریکالته اختلافات جدی است. بر سر بومه، مهاجران، درمان، اشتغال و... اختلافات جدی دارند اما در حوزه سیاست خارجی اینگونه نیست.

تحلیل ژورنالیست

۳۱

۱۳۹۹ ماه
هیأت‌رئیس‌جمهور

“

جمهوریخواهان همه نیروهای سیاسی درون حاکمیت ایران را به یک چشم می‌بینند و امید همه را قطع کرده‌اند، اما دموکرات‌ها نیروهای سیاسی ایران را دو دسته دور و نزدیک یاد و بدتر می‌دانند و از قضا در ایران نیز نسبت به دموکرات‌ها این نگاه وجود دارد.

خارجی بر سر «روش» مواجهه با پدیده‌هاست؛ مثلاً حزبی می‌گوید اول موافقتنامه هسته‌ای (برجام) را با ایران امضا کنیم بعد برویم سراغ موشکی و دیگر مسائل اما حزب دیگر می‌گوید همه مسائل را در یک بسته طرح کنیم تا جامعیت داشته باشد. از نگاه ایران هر دو نگاه به یک تقاطع علیه ایران می‌رسد.

۱- جمهوریخواهان همه نیروهای سیاسی درون حاکمیت ایران را به یک چشم می‌بینند و امید همه را قطع کرده‌اند، اما دموکرات‌ها نیروهای سیاسی ایران را دو دسته دور و نزدیک یاد و بدتر می‌دانند و از قضا در ایران نیز نسبت به دموکرات‌ها این نگاه وجود دارد. نتیجه اینکه اولین تفاوت این است که دموکرات‌ها در بین ما شکاف ایجاد خواهند کرد و همدیگر را هر روز متهم خواهیم کرد، اما جمهوریخواهان چنین نکردند. پمپئو وزیر خارجه جمهوریخواهان با صراحت گفت: من تفاوتی بین قاسم سلیمانی با ظریف و روحانی نمی‌بینم. حال آنکه دموکرات‌ها تفاوت می‌بینند و همین باعث خوش‌بینی و بدبینی حداکثری در ایران نسبت به آمریکا خواهد شد.

“

اولین تفاوت این است که دموکرات‌ها در بین ما شکاف ایجاد خواهند کرد و همدیگر را هر روز متهم خواهیم کرد، اما جمهوریخواهان چنین نکردند. پمپئو وزیر خارجه جمهوریخواهان با صراحت گفت: من تفاوتی بین قاسم سلیمانی با ظریف و روحانی نمی‌بینم. حال آنکه دموکرات‌ها تفاوت می‌بینند و همین باعث خوش‌بینی و بدبینی حداکثری در ایران نسبت به آمریکا خواهد شد.

۲- دموکرات‌ها تعامل بیشتر و بهتری با اروپا دارند و می‌توانند اروپا را با خود هماهنگ کنند. حال آنکه جمهوریخواهان تقریباً در اروپا (غیر از انگلیس) بی‌اعتبار شده‌اند. بایدن دو ماه پیش مسئله حقوق بشر را بخشی از اقدامات خود در خصوص ایران اعلام کرد. همین نقطه کانونی پیوند آمریکا-اروپا علیه ایران است؛ چرا که در تقسیم‌بندی مواجهه با ایران معمولاً حقوق بشر به عهده اروپا بوده است، اما اکنون این مسئله باعث نزدیکی هر دو علیه ایران خواهد شد. جمهوریخواهان موشکی و هسته‌ای را در اولویت دارند اما دموکرات‌ها علاوه بر دو مورد ذکر شده، حقوق بشر را نیز در اولویت دارند.

۳- دموکرات‌ها می‌دانند چطور با قواعد و عرف بین‌الملل به ما لگد بزنند یا دیگران را همراه خود کنند، اما ترامپ پرچمدار مبارزه با حقوق و عرف بین‌الملل

بود و نه تنها از برجام که از سازمان حقوق بشر، یونسکو، معاهده آب و هوایی و... خارج شد، بنابراین بایدن و ایضاً دموکرات‌ها طوری عمل می‌کنند که امریکا را منزوی نکنند و ایران را مقابل هنجارهای به اصطلاح بین‌المللی تعریف کنند نه مقابل سلیقه خود. ترامپ جمهوری خواه از حقوق و عرف بین‌الملل بویی نبرده بود.

۴- ترامپ جمهوری خواه ظاهراً و باطناً از بعد شخصی و شخصیتی فاقد وزانت بود. گویی آموزش انسانیت و تعامل را کلاً ندیده است، اما بایدن همانند او با ما اتوکشیده، روشنفکر، اندیشکده‌ای و اهل حساب و کتاب است. عربده نمی‌کشد و سرو صدای نمی‌کند، اما پنبه را به شمشیر ترجیح می‌دهد. همین باعث علقه‌ای در ایران به دموکرات‌ها شده است. ۵- تفاوت تعاملی آنان با ایران نیز روشی است و همین در ایران ایجاد طمع می‌کند.



ترامپ جمهوری‌خواه ظاهراً و باطناً از بعد شخصی و شخصیتی فاقد وزانت بود. گویی آموزش انسانیت و تعامل را کلاً ندیده است، اما بایدن همانند او با ما اتوکشیده، روشنفکر، اندیشکده‌ای و اهل حساب و کتاب است. عربده نمی‌کشد و سرو صدای نمی‌کند، اما پنبه را به شمشیر ترجیح می‌دهد. همین باعث علقه‌ای در ایران به دموکرات‌ها شده است.

ترامپ دنبال «شرطی کردن کلاسیک» ایران بود؛ به این معنا که اول پاسخ می‌خواست بعد قول پاداش می‌داد، اما بایدن روش «شرطی کردن کنشگر» را به کار می‌گیرد که بسیار مؤثرتر است، یعنی اول دانه می‌پاشد یا پاداش می‌دهد بعد تقاضای تغییر رفتار می‌کند. به تعبیر دیگر دموکرات‌ها آبنبات را نشان می‌دهند و خواسته‌های خود را مطالبه می‌کنند، اما جمهوری خواهان چنگ و دندان نشان می‌دهند و مطالبات خود را طرح می‌کنند.

به همین دلیل است که ما از اقدامات جمهوری خواهان در عراق پس از صدام بهره‌برداری حداکثری کردیم. آنها صدام را برداشتند، اما دوستان انقلاب اسلامی به جای وی نشستند. اما اولین تحریم در سال ۱۳۵۹، تحریم نفتی (۱۳۹۱) و قانون داماتو (منع سرمایه‌گذاری در ایران) را دموکرات‌ها تصویب کردند.

بنابراین هیچ کس نمی‌تواند بگوید مظلوم فلان حزب امریکا از دیگری کمتر بوده است اما می‌توان گفت ما از اشتباهات جمهوری خواهان (مثل عراق) بهره‌برده و از تهدیدها فرصت ساخته‌ایم.

نتیجه‌گیری: مشکل امریکا با ایران و انقلاب اسلامی بر سر ماهیت و وجود است و حتی با



دموکرات‌ها آبنبات را نشان می‌دهند و خواسته‌های خود را مطالبه می‌کنند، اما جمهوری‌خواهان چنگ و دندان نشان می‌دهند و مطالبات خود را طرح می‌کنند.



بنابراین هیچ کس نمی‌تواند بگوید مظلوم فلان حزب امریکا از دیگری کمتر بوده است اما می‌توان گفت ما از اشتباهات جمهوری خواهان (مثل عراق) بهره‌برده و از تهدیدها فرصت ساخته‌ایم.

“

مشکل امریکا با ایران
و انقلاب اسلامی بر
سر ماهیت و وجود
است و حتی با نابود
کردن هسته‌ای
به دست خودمان حل
نخواهد شد و برجام
این را ثابت نمود. اگر
مسئولان کشور باور
کنند که مشکل امریکا
با ما سر «وجود» است
نه «حدود» و چند
مسئله، می‌توانند
رگه‌های امید و
وابستگی را قطع و به
اقتصادی درون‌زا و
پایدار فکر کنند.

نابود کردن هسته‌ای به دست خودمان حل نخواهد شد و برجام این را ثابت نمود. اگر مسئولان کشور باور کنند که مشکل امریکا با ما سر «وجود» است نه «حدود» و چند مسئله، می‌توانند رگه‌های امید و وابستگی را قطع و به اقتصادی درون‌زا و پایدار فکر کنند. اگر اختلاف بر سر ماهیت دو جهان بینی و معرفت‌شناسی است. ما دو راه بیشتر نداریم؛ اول قوی شدن و دوم نظریه مقاومت با همه ابعاد اقتصادی، نظامی، فرهنگی، امنیتی و منطقه‌ای را در دستور کار قرار دهیم و بر سر آن اجماع کنیم.

“

ما دو راه بیشتر نداریم؛ اول قوی شدن و دوم نظریه مقاومت با همه ابعاد اقتصادی، نظامی، فرهنگی، امنیتی و منطقه‌ای را در دستور کار قرار دهیم و بر سر آن اجماع کنیم.

تحلیل ژورنالیست

تکلیف و ادبها



دکتر یدالله جوانی

بازخوانی حماسه ۹ دی و قندهار ۸۸

انقلاب اسلامی و ملت ایران با نظام ولایی اش، در سال ۱۳۸۸ با پیچیده‌ترین و عمیق‌ترین فتنه مواجه شد. دشمنان ناکام و شکست خورده در توطئه‌های خود علیه جمهوری اسلامی، برای براندازی نظام انقلابی و مردمی ایران، بیش از بیست سال کار کردند تا بتوانند در بستر انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸، با استفاده از الگوی کودتای مخملی و به بازی گرفتن افراد قدرت طلبی چون میرحسین موسوی، مردم را در مقابل نظام اسلامی قرار دهند.

بر اساس این الگو میرحسین موسوی با ادعای تقلب در انتخابات و متهم سازی نظام به فساد سیاسی، خود را مدافع حقوق مردم معرفی کرد و هوادارانش را برای راه انداختن تظاهرات، تجمعات و اعتصابات سراسری در کشور، به قیام فراخواند.

غرب با تمام توانش در کنار معترضین به نتیجه انتخابات قرار گرفت و تصور می‌کرد در ایران هم، کودتای مخملی همانند کشورهای گرجستان، اوکراین و قرقیزستان به نتیجه می‌رسد و جمهوری اسلامی در نهایت تسلیم معترضین می‌شود و غرب گریان به قدرت می‌رسند. اما برخلاف تصور طراحان کودتای مخملی و فتنه آمریکایی - صهیونیستی، با هدایت‌ها و راهبری‌های راهبردی مقام معظم رهبری، مردم ایران فریب فتنه‌گران را نخوردند و با خلق حماسه ماندگار ۹ دی، بزرگترین توطئه و فتنه علیه انقلاب اسلامی را در هم شکسته و فتنه‌گران را منزوی ساختند.

مقدمه

بیش از یک دهه از وقوع فتنه ۸۸ و پدیدآیی حماسه ماندگار و تاریخی ۹ دی می‌گذرد، اما ویژگی‌های این دو رویداد مهم در تاریخ انقلاب اسلامی و تاریخ سیاسی ملت ایران، ضرورت بازخوانی آن دو پدیده را با هدف درس آموزی و عبرت‌گیری از وقایع تاریخی گوشزد می‌نماید. بصیرت شرط لازم برای حرکت در جبهه حق است و بدون برخورداری از آن، نمی‌توان در این مسیر ثابت قدم بود.

حضرت علی علیه السلام در این خصوص می فرماید: «و لا يحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر»

برای رسیدن به بصیرت باید اهل فکر و اندیشه بود و از حوادث و رخداد های تاریخی عبرت آموخت.

جمله بسیاری درستی است که گفته شده، گذشته، چراغ راه آینده است. حوادث گذشته در تاریخ بشر، بسیار کمک کننده در رسیدن به فهم و درک درست از وقایع حال و آینده است.

حضرت علی علیه السلام، یکی از ویژگی های سه گانه انسان های با بصیرت را، پند گرفتن و سود بردن از عبرت های تاریخی می داند. آن حضرت در فرازی از خطبه ۱۵۳ نهج البلاغه در توصیف اهل بصیرت می فرماید: «فَأِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ وَ نَظَرَ فَأَبْصَرَ وَ انْتَفَعَ بِالْعِبَرِ ...»

بنابراین کسانی که می خواهند اهل بصیرت باشند، باید حوادث مهم تاریخ اسلام و تاریخ ایران و تاریخ انقلاب اسلامی را به درستی شناخته و بتوانند نقاط عطف این حوادث را تحلیل کنند.

فتنه ۸۸ در جریان شناسی سیاسی تاریخ انقلاب اسلامی و حماسه تاریخی ۹ دی در شناخت مردم ایران، جایگاه ویژه ای دارد. از این رو هر ساله، دی ماه و خصوصاً روز های منتهی به ۹ دی، فرصت مغتنمی برای تحلیل این دو رویداد مرتبط با هم در سال ۱۳۸۸ است. بهترین رویکرد نسبت به این دو حادثه، رویکرد تبیینی و تحلیلی می باشد. خطباء، سخنرانان و اهل رسانه و صاحبان تریبون، باید در این ایام، به بازخوانی این دو رویداد با رویکرد تبیینی تحلیلی به ویژه برای نسل جوان باشند. اگر انتظار داریم نسل جوان کشور، گام دوم انقلاب را به درستی بردارند و این انقلاب را به آرمان خود نزدیک تر نمایند؛ باید با حوادث گام اول به درستی آشنا باشند. به همین اساس در این نوشتار، به اختصار حماسه ۹ دی و فتنه ۸۸ با رویکرد پیش گفته بازخوانی می شود.

الف - بازخوانی فتنه ۸۸

کشور ایران به حرکت انقلاب اسلامی و استقرار نظام مردم سالاری دینی، به کشور انتخابات معروف است. بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی، در ایران اداره کشور متکی به آرای مردم از طریق انتخابات است. مردم با شرکت در انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهرو

روستا، مسئولین کشور را به صورت مستقیم و غیر مستقیم انتخاب می کنند. در میان قریب چهل انتخابات مهم و سرنوشت ساز در چهل و دو سال گذشته، انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در ۲۲ خرداد سال ۱۳۸۸، به گونه ای متفاوت رقم خورد و حوادث پس از انتخابات کشور را درگیر یک بحران ۸ ماهه کرد این بحران با حماسه حضور انقلابی مردم در صحنه ۹ دی ماه ۱۳۸۸ پایان یافت. بحران ۸۸ یا به عبارت دقیق تر فتنه ۸۸، با ادعای تقلب در انتخابات از سوی میرحسین موسوی و مهدی کروبی شکل گرفت. در خصوص چرایی پدیدایی فتنه، باید ماهیت حوادث پس از انتخابات را واکاوی نمود.

ماهیت حوادث پس از انتخابات ۸۸

یکی از مهم ترین سوالاتی که پاسخش به ماهیت شناسی حوادث ۸۸ کمک می کند، عبارت است از اینکه: «آیا حوادث پس از انتخابات که با ادعای تقلب شروع شده از قبل برنامه ریزی شده بود یا نه؟» در پاسخ به این سوال ۲ دیدگاه کلی وجود دارد و این دو دیدگاه کاملاً با هم متفاوت است به اختصار هر یک از این دو دیدگاه تحلیل می شود.

الف - دیدگاه اول

طرفداران این دیدگاه بر این نکته تاکید دارند که حوادث سال ۸۸، از قبل برنامه ریزی نشده بود و پدید آیی آن ریشه در بد اخلاقی ها در ایام تبلیغات و به ویژه مناظره های تلویزیونی، سوء تفاهم ها و سوء مدیریت ها داشت. طرفداران این دیدگاه، فتنه بودن حوادث ۸۸ را رد کرده، معتقدند آقای میرحسین موسوی به دلیل پاره ای از مسائل و سوء ظن ها، فکر می کرد پیروز واقعی انتخابات است و باید برای دفاع از رای مردم خواستار ابطال انتخابات شود. البته برخی از افراد معتقد به این دیدگاه، لشکر کشی خیابانی از سوی موسوی را اشتباه دانسته، اما تاکید دارند که اگر به ایشان مجوز راهپیمایی داده می شد و یا با تظاهر کنندگان و معترضین به نتیجه انتخابات برخورد خشن و کند نمی شد؛ آن حوادث ناگوار پدید نمی آمد و موسوی هم به تدریج آرام می شد و نتیجه انتخابات را می پذیرفت.

عمده کسانی که این دیدگاه را دارند، معتقدند برای عبور از چالش های سال ۸۸ می باید:

- ۱- نباید جریان اصلاحات را متهم به فتنه‌گری و براندازی کرد.
 - ۲- نباید چهره‌های با سابقه در انقلاب مانند سید محمد خاتمی، میر حسین موسوی و کروبی را خائن معرفی کرد.
 - ۳- بهتر است هر دو طرف کودتا ببینند و حوادث سال ۸۸ که ناشی از اشتباهات هر دو طرف رقیب انتخاباتی و همچنین نظام است، فراموش گردد.
 - ۴- باید برای کنار گذاشتن اختلافات، آشتی ملی برقرار گردد و میر حسین موسوی، کروبی و خانم زهرا رهنورد پایان یابد.
 - ۵- اگر روزی قرار باشد محاکمه‌ای صورت گیرد، باید علاوه بر میر حسین موسوی و کروبی، آقای احمدی نژاد هم به عنوان یک طرف منازعه محاکمه گردد.
- با تامل در این دیدگاه، روشن است که طرفداران این نگاه، فتنه‌گری و جرم براندازی و اجرای کودتای مخملی در بستر انتخابات سال ۸۸ را قبول ندارند.

ب- دیدگاه دوم

در دیدگاه دوم، اعتقاد بر این است که حوادث سال ۸۸، در کلان خود از قبل برنامه ریزی شده بود و دارای ماهیتی براندازانه بر اساس الگوی انقلاب‌های رنگی و یا کودتاهای مخملی داشت. این دیدگاه نظام، مقام معظم رهبری، نهادهای انقلابی، سازمان‌های اطلاعاتی - امنیتی و توده‌های مردم است.

طرفداران این دیدگاه، با استناد به مدارک متقن، شواهد و قرائن بسیار فراوان، معتقدند جمهوری اسلامی در سال ۸۸ با یک کودتای نرم و فتنه عمیق آمریکایی - صهیونیستی مواجه شد.

فتنه‌ای که طراحان اصلی آن در خارج بوده و بازیگران داخلی اش، چهره‌های با سابقه موجه انقلابی، لکن است‌حاله شده بودند.

نمونه‌هایی از بیانات رهبر حکیم انقلاب اسلامی که دلالت بر فتنه بودن و ماهیت براندازانه حوادث سال ۸۸ دارد عبارت است از:

* «من در همین فتنه ۸۸ به بعضی دوستان قرائن و شواهد را نشان دادم، حداقل از ده سال، پانزده سال قبل از آن برنامه ریزی وجود داشت، از بعد از رحلت امام برنامه ریزی وجود داشت، اثر آن برنامه ریزی سال ۷۸ ظاهر شد، مسائل کوی دانشگاه و آن قضایایی که اغلب یادتان هست، بعضی هم شاید درست یادشان نباشد، قضایایی که سال گذشته پیش آمد، یک تجدید حیاتی بود برای آن برنامه ریزی‌ها»

* «بعضی‌ها در این فتنه و در این جنجال وارد شدند، نفهمیدند اسم این براندازی است، نفهمیدند این همان فتنه است.»

* «دیدید بعضی‌ها نتواستند واقعیات جلوی چشم را ببینند، نتوانستند تشخیص دهند، در فتنه طراحی شده و پیچیده سال ۸۸ حقایق جلوی چشم مردم بود، نگذاشتند عده‌ای این حقایق را ببینند، ندیدند، نفهمیدند.»

* «یک عده‌ای در داخل کشور، به خاطر حب نفس، حب مقام، از این قبیل امراض خطرناک نفسانی، اسیر این توطئه شدند. من بارها گفته‌ام، طراح و نقشه کش و مدیر صحنه، در بیرون از این مرزها بود و هست، در داخل با آن‌ها همکاری کردند، بعضی دانسته، بعضی ندانسته.»

دلایل و مستندات فتنه بودن و کودتای مخملی بودن حوادث ۸۸

۱- فتنه چیست؟

واژه فتنه در کتاب‌های لغت، بیشتر به مفهوم آزمایش، آشوب، گمراهی و فریفتگی آمده است. فتنه از ماده «فَتَنَ» است و در قرآن بیش از ۶۰ بار تکرار شده است.

«آزمون و ابتلا»، «مانع و غفلت از اجرای فرامین الهی»، «اقدامات و رفتار منافقانه»، «گمراهی و ضلالت»، «دلیل سازی و جهت تراشی» و «وسیله آزمایش ظالمان» از معانی فتنه در قرآن است.

در آیه شریفه «الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ» (بقره ۱۹۱)، فتنه از قتل بدتر معرفی شده است. خداوند در قرآن فتنه گران را به عذابی سخت وعده داده است و آنان را با چند صفت و عنوان معرفی کرده است: «ستمگران، منحرفان، هنجارشکنان، کافران، منافقان و جاسوسان و متخلفان»

مقام معظم رهبری فتنه را، آن فضای غبار آلودی می‌دانند که ایجاد می‌شود و در چنین فضایی تشخیص حق از باطل شکل می‌گیرد و برای عبور از آن بصیرت لازم است.

معظم له بارها در خصوص حوادث سال ۸۸ از فتنه یاد کرده‌اند. ایشان در تاریخ ۱۳۸۹/۸/۲۶ در دیدار با مردم اصفهان فرمودند: «در سال گذشته [۸۸] ملت ایران از یک امتحان عبور کرده، از یک فتنه عبور کرده.»

۲- کودتای مخملی چیست؟

انقلاب رنگی یا کودتای مخملی، یک شیوه مدرن براندازی است که در بستر جنگ نرم انجام می‌شود. در سال‌های اخیر آمریکایی‌ها با استفاده از این شیوه، در چندین کشور و از جمله در گرجستان (سال ۲۰۰۳ میلادی)، اوکراین (سال ۲۰۰۴ میلادی) و قرقیزستان (سال ۲۰۰۴ میلادی) دولت‌های حاکم را ساقط کرده و یک دولت غرب‌گرا و وابسته به آمریکا را به قدرت رساندند.

انقلاب‌های رنگی و یا کودتای مخملی عمدتاً در بستر انتخابات انجام شده و در این نوع انتخابات، جریان غرب‌گرا با بستر سازی‌ها و آماده‌سازی مقدمات، دولت مستقر و حاکم را به تقلب در انتخابات متهم کرده و با کشاندن هواداران به خیابان و اعتراض به نتیجه انتخابات به خاطر تقلب، با فشار اجتماعی دولت را ساقط نموده و خود به قدرت می‌رسند.

بررسی دقیق کودتای مخملی در سه کشور یاد شده، نشان می‌دهد این نوع براندازی، از یک اصول و قواعد خاص پیروی کرده و در واقع به صورت یک مدل برای براندازی مورد توجه است.

وجوه مشترک این کودتای مخملی عبارت است از:

- ۱- در هر سه کشور، کودتاگران از یک رنگ به عنوان نماد استفاده کرده‌اند.
- ۲- در هر سه کشور، کودتاگران دولت حاکم را به فساد سیاسی و تقلب در انتخابات متهم کرده‌اند.
- ۳- در هر سه کشور گروه‌های مدنی سازماندهی شده از قبل، به ابزار بسیج نیروها و کشاندن مردم به خیابان‌ها برای اعتراض به نتیجه انتخابات تبدیل شده‌اند.
- ۴- در هر سه کشور، غرب از کودتاگران و معترضین به نتیجه انتخابات، حمایت‌های همه‌جانبه معنوی، تبلیغاتی و سیاسی کرده‌اند.
- ۵- در هر سه کشور، سفارتخانه‌های غربی و به ویژه سفارت آمریکا در هدایت معترضین ایفای نقش کرده‌اند.
- ۶- در هر سه کشور، رهبران انقلاب‌های رنگی با بنیادهای غربی مروج انقلاب‌های بدون خشونت مانند بنیاد «سوروس» ارتباط داشتند.
- ۷- در هر سه کشور، معترضین به انتخابات، با استمرار تظاهرات خیابانی، تجمعات و اعتصابات، دولت‌های مستقر را وادار به عقب‌نشینی و واگذاری قدرت کردند.

نشانه های وقوع فتنه و کودتای مخملی در ایران

دلایل بسیاری وجود دارد که حوادث سال ۸۸، دقیقاً بر اساس مدل کودتاهای مخملی از قبل طرح ریزی شده بود و پدید آمد. برخی از این نشانه ها عبارت است از:

۱- جریان غرب‌گرای اصلاحات که در دوره ۷۶ تا ۸۴ تحت عنوان اطلاعات به دنبال عبور از انقلاب اسلامی و تغییر ساختارها بود، برای به دست گیری مجدد قدرت از طریق انتخابات به هر نحو ممکن و از جمله از طریق کودتای مخملی، از سال ۱۳۷۷ شروع کرد به زیر سوال بردن سلامت انتخابات در کشور و ایجاد زمینه های ذهنی در مردم، مبنی بر اینکه در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ قرار است تقلب شود.

به عنوان نمونه و به نقل از روزنامه اعتماد به تاریخ ۵/۱۰/۱۳۸۷، یعنی پنج ماه قبل از انتخابات، مرحوم آقای هاشمی رفسنجانی بذرتردید در سلامت انتخابات را پاشید. ایشان در دیدار با اعضای شورای مرکزی خدمتگزاران سازندگی می گوید: «اگر ناظران و مسئولان برگزاری انتخابات، رای مردم را ضایع کنند و اعلام قیومیت کنند و نگذارند آنچه مردم می خواهند اعلام شود، این کار خیانت و مستوجب عذاب الهی است. حتی اگر بر اساس مصلحت برخی بگویند این فرد نباید انتخاب شود، اشتباه است و منتهی به استبداد می شود و این اتفاق شومی خواهد بود.»

۲- به دنبال فضا سازی ها مبنی بر احتمال وقوع تقلب در انتخابات سال ۸۸، جبهه اصلاحات تحت عنوان دفاع از رای مردم، «کمیتة صیانت از آراء» را در زمستان ۱۳۸۷ به ریاست آقای علی اکبر محتشمی پور و با نظر مثبت آقایان هاشمی، خاتمی، کروبی و موسوی تشکیل داد.

پیام روشن این اقدام به ملت، غیر قابل اعتماد بودن شورای نگهبان به عنوان مرجع رسمی صیانت از آراء بود.

۳- با ثبت نام میر حسین موسوی برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ به عنوان نامزد اصلی جبهه اصلاحات، فضا سازی سنگینی شکل گرفت مبنی بر اینکه اگر انتخابات سالم باشد و در آن تقلب صورت نگیرد، میر حسین موسوی پیروز انتخابات خواهد بود.



در یک کلام حماسه ۹ دی نشان داد ملت ایران با برخورداری از رهبری الهی، قدرت عبور از تمامی موانع سر راه را برای رسیدن به آرمان اصلی انقلاب اسلامی یعنی تمدن سازی اسلامی و حیات طیبه دارد.

تحلیل و گزارشها

۴۱

دی ماه ۱۳۹۹
هیأت‌رئیس‌رئیس‌انجام

۴- شبکه های ماهواره ای و رسانه ای غربی از یک سو و در فضای اینترنت از سوی دیگر، گزاره های تقلب تکرار شد و وعده ای در کشور به این ذهنیت مبتلا شده که گویا قرار است در انتخابات تقلب شود.

۵- ستاد های انتخاباتی موسوی، رنگ سبز را نماد انتخاباتی اعلام کرد و به صورت گسترده، این رنگ به شکل های مختلف مورد استفاده هواداران قرار گرفت.

۶- شعار های تحریک کننده و معنا داری چون: «اگر تقلب نشه - میر حسین رئیس جمهور میشه» و «اگر تقلب بشه - ایران قیامت میشه» به شعار های ثابت هواداران میر حسین در میتینگ های انتخاباتی و تجمعات خیابانی تبدیل شد.

۷- نامه بدون بسم الله آقای هاشمی به مقام معظم رهبری قبل از انتخابات و انتشار آن به صورت گسترده در رسانه ها مبنی بر هشدار نسبت به شعله ور شدن آتش در خیابان ها، نشان از طراحی های پشت صحنه داشت.

۸- میر حسین موسوی طبق الگوی انقلاب های رنگی، قبل از حتی پایان رای گیری در برخی از حوزه های انتخابات، در جمع خبرنگاران داخلی و خارجی، به صورت صریح، هم خبر از پیروزی قطعی داد و هم هشدار به مسئولان که اگر از رای مردم صیانت نکنند، او تمام قد در مقابل تقلب خواهد ایستاد. میر حسین موسوی در این مصاحبه، اعلام کرد که هوادارانش آماده برگزاری جشن بزرگ پیروزی باشند.

۹- موسوی صبح شنبه ۲۳ خرداد ۸۸ و پس از اعلام غیر رسمی نتیجه انتخابات مبنی بر پیروزی رقیبش یعنی احمدی نژاد، با صدور اولین بیانیه، نظام را متهم به تقلب در انتخابات نمود.

۱۰- میر حسین موسوی طبق الگوی انقلاب های رنگی، به جای پیگیری شکایت خود از طریق مراجع رسمی و اعتراض به نتیجه انتخابات، هوادارانش را طی اعلامیه ای برای تظاهرات خیابانی در روز ۲۵ خرداد فرا خواند و از آن روز بود که اغتشاشات، درگیری ها و زد و خورد های خیابانی آغاز شد و کشور را درگیر بحران نمود. این بحران تا روز ۹ دی سال ۸۸ ادامه پیدا کرد.

نقش بیگانگان در حوادث سال ۸۸

در حوادث سال ۸۸، بیگانگان نقش اصلی طراحی و هدایت را بر عهده داشتند. مواردی از این نقش آفرینی ها عبارت است از:

۱- بسترسازی برای کودتای مخملی در بستر جنگ نرم، از طریق فعال کردن بنیادهای



جریان فتنه از همان روزهای بعد از انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸، قانون شکنی، برهم زدن نظم، و امنیت و ایجاد اغتشاش و ناامنی را در پیش گرفت، اما در روز عاشورا به جنگ با مقدسات مردم روی آورد.

غربی و شبکه سازی این بنیادها در ایران

۲- بنیادهایی چون «بنیاد سوروس»، «خانه آزادی» و صندوق اعانه ملی برای دموکراسی «نقش برجسته ای در شناسایی فعالان مدنی مستعد برای براندازی و شبکه سازی آنان برعهده داشتند.

۳- راه اندازی شبکه های ماهواره ای و رسانه های فارسی زبان برای حمایت از معترضین در ایران

۴- حمایت مقامات غربی و سفارتخانه های کشورهای اروپایی در تهران از معترضین

۵- حمایت های مالی و لجستیکی و همچنین هدایت های میدانی برای هریک از موارد بالا، اسناد و مدارک بسیار زیادی وجود دارد.

جنبش به اصلاح سبز و رفتارهای ساختار شکنانه

میر حسین موسوی بر مبنای یک دروغ بزرگ، مدعی تقلب در انتخابات شد و تحت عنوان دفاع از رای مردم، خواستار ابطال انتخابات شد. نکته جالب آن است که وقتی در دیدار چهره های سیاسی با ایشان مطرح می شود، اگر انتخابات باطل اعلام شود و مجدداً انتخابات برگزار گردد و باز نتیجه آن پیروزی احمدی نژاد باشد؛ آیا شما آن نتیجه را قبول خواهید کرد؟ با صراحت پاسخ می دهد که نه، باز هم خواهیم گفت در انتخابات تقلب شده است.

میر حسین بر مبنای چنین نظری، طبق الگوی کودتای مخملی دنبال به راه انداختن یک جنبش اجتماعی از سوی هواداران در سراسر کشور بود و خود نام این جنبش را «جنبش سبز» نامگذاری کرد. تصور موسوی و طرفدارانش این بود که نظام اسلامی، هیچ چاره ای جز کوتاه آمدن در برابرش ندارد و در نهایت پیروزی این میدان او خواهد بود. بر همین اساس آقایان موسوی و کروبی، رفتارهای ساختار شکنانه را پیشه کرده و در مصاحبه ها و بیانیه های خود، نظام اسلامی و تمامی دستگاه ها و نهادهای انقلابی و حکومتی را به انواع فسادها متهم ساخته، از نیروهای حافظ نظم و امنیت که در مقابل اغتشاش گران ایستادگی می کردند به عنوان نیروهای سرکوبگر و دستگاه خشونت نام بردند.

جریان فتنه، پروژه های کشته سازی را در تصور کار قرار داد و با ساختن

تحلیل و گزارش ۳۵

۴۳

دی ماه ۱۳۹۶
هیأت زندگان اسلام

سناریوهای غیر واقعی از قبیل ربوده شدن طرفداران جنبش سبز و کشته شدن آنان، سعی در تحریک مردم داشتند. در چنین فضایی بود که تمامی جریان های ضد انقلابی از قبیل منافقین، سلطنت طلبان، توده ای ها، بهایی ها و... با هدایت سرویس های اطلاعاتی بیگانه و رسانه های خارجی فعال شده، در مقاطع مختلف باره اندازی اغتشاشات و درگیری های خیابانی با ماموران نیروی انتظامی، به دنبال وادار ساختن نظام به عقب نشینی در برابر خواسته های میر حسین و جریان حامی او بودند.

تحلیل رفتارها و شعارهای جریان به اصطلاح جنبش سبز مورد حمایت غرب و تمامی جریان های ضد انقلابی، نشان می دهد که انتخابات بهانه ای بیش نیست و آنان به دنبال مقابله با اساس نظام جمهوری اسلامی هستند. شعارهایی چون «نه غزه، نه لبنان جانم فدای ایران»

روز قدس سال ۸۸. شعارهای ساختار شکنانه در روزهای ۱۳ آبان و ۱۶ آذر به همراه به آتش کشیدن عکس امام (ره) و در نهایت شعارها و رفتارهای ساختار شکنانه و حریم شکنانه در روز عاشورای حسینی در همان سال، نشان داد که این جریان تا چه اندازه از خطوط قرمز عبور کرده و خواهان براندازی نظام به هر قیمتی می باشد. نکته قابل توجه این که، آقایان موسوی و کروبی و دیگر شخصیت های همسو با آنان، نه تنها این حرکات و شعارها را محکوم نمی کردند، بلکه از جماعت اندک ساختار شکن، تحت عنوان مردم یاد کرده و مقابله نیروهای حافظ نظم و امنیت با آشوب طلبان و اغتشاش گران را محکوم می کردند.

ب- حماسه ماندگار ۹ دی

کودتای مخملی در ایران از همان ابتدای شکل گیری با سد محکم رهبری و مردم مواجه شد و در نهایت شکست خورد. برخلاف ارزیابی کودتاگران که تصور می کردند با اردو کشی خیابانی هواداران، رهبری کوتاه آمده و به خواسته آنان مبنی بر ابطال انتخابات تن می دهد، اما اتفاق نیفتاد و مقام معظم رهبری در برابر قانون شکنی ها و بدعت ها ایستادگی نموده و بر عمل به مَرِّقانون تاکید نموده و همزمان به بصیرت افزایی مردم پرداختند.

گذر زمان از یک طرف چهره نفاق و ساختار شکنانه موسوی و جریان همراه وی را آشکار ساخت و از طرف دیگر حوادث رخ داده در کشور خصوصاً در روز عاشورا، بصیرت مردم ایران را بالا برد. موسوی و هوادارانش تصور می کردند به راحتی می توانند با مظلوم



حماسه ۹ دی در یک کلام، قله بصیرت مردم در دشمن شناسی، فتنه شناسی، دست زد زدن به فتنه گران و تجدید پیمان امت با امام و رهبری و آرمان‌های انقلاب اسلامی بود.

تحلیل روزهای ۳۵

۴۵

دی ماه ۱۳۹۶
هیأت‌رئیس‌رسانگان اسلام

نمایی، ساخت شهدای جعلی برای جنبش سبز، متهم سازی نظام به انواع فسادها و استفاده از خود مدل انقلاب اسلامی، در بیست‌مناسبت‌های مذهبی‌ها همانند ماه محرم و روز عاشورا، مردم را فریب داده و علیه نظام بسیج نمایند. اما برعکس در طول هشت ماه، مردم به خوبی با مکرو حيله این جماعت آشنا شده و روز به روز از آنان فاصله گرفتند. حماسه ۹ دی در یک کلام، قله بصیرت مردم در دشمن شناسی، فتنه شناسی، دست زد زدن به فتنه گران و تجدید پیمان امت با امام و رهبری و آرمان‌های انقلاب اسلامی بود.

۱- عوامل و زمینه‌های پدید آیی حماسه ۹ دی

حماسه خود جوش و مردمی ۹ دی، واکنش طبیعی و انقلابی مردم ایران در سراسر کشور نسبت به رفتارهای ساختار شکنانه و هتک حرمت‌های جریان فتنه و ضد انقلاب نسبت به مقدسات بود. این حرکت عظیم الهی مردم که به تغییر مقام معظم رهبری، روح حسین بن علی علیه السلام در ایجاد آن نقش اساسی داشت. نقشه دشمنان و فتنه گران را برهم زد و آنان را منزوی ساخت. جریان فتنه از همان روزهای بعد از انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸، قانون شکنی، برهم زدن نظم، و امنیت و ایجاد اغتشاش و ناامنی رادر پیش گرفت، اما در روز عاشورا به جنگ با مقدسات مردم روی آورد.

نمونه‌هایی از رفتارهای ساختار شکنانه و حرمت شکنانه هواداران موسوی، کروی در روز عاشورا تحت عنوان جنبش سبز به شرح ذیل می باشد:

- راه انداختن کارناوال‌های خودرویی و بوق زدن به سبک عروسی‌ها
- سوت زدن‌ها، هل‌هله کردن‌ها و کف زدن‌ها همراه با پایکوبی و شادی
- سردادن شعار مرگ بر ولایت فقیه و مرگ بر جمهوری اسلامی
- حمله کردن به عزاداران حسینی با چوب و سنگ و آتش زدن خیمه‌های عزاداری در مسیرهای خود
- وارد ساختن خسارت به اموال عمومی و شخصی و درگیر شدن با ماموران نیروی انتظامی

۲- واکنش‌ها به حرمت شکنی‌ها در روز عاشورا

انتشار اخبار و تصاویر آشوب‌ها و درگیری‌ها و رفتارهای ساختار شکنانه در رسانه‌های داخلی و خارجی چند نوع واکنش رادر پی داشت:

الف - مراجع و علما با صدور بیانیه هتک حرمت ها و حمله به مقدسات و عزاداران را محکوم کردند .

ب - رسانه های غربی از ساختار شکنان حمایت کردند .

ج - آقایان میرحسین موسوی و کروبی از حرمت شکنان حمایت کردند .

د - مردم با خلق حماسه ماندگار ۹ دی ، چشم فتنه را در آوردند .

بی تردید فتنه ۸۸ ، بزرگترین تهدید و خطرناک ترین توطئه علیه انقلاب اسلامی و حتی بزرگ تراز جنگ تحمیلی بود که با عنایات الهی ، درایت و هدایت های رهبری و هوشمندی و بصیرت مردم خنثی گردید .

۳- آثار و پیامدهای ۹ دی

۱- با حماسه ۹ دی ، ظرفیت های مردمی انقلاب و نظام اسلامی برای عبور از بحران ها آشکار شد .

۲- حماسه ۹ دی ، به نمادی از بصیرت ، هوشمندی ، تکلیف گرایی ، مسئولیت شناسی ، ولایتمداری و عشق مردم به رهبری تبدیل شد و نشان داد که پیوند مردم با انقلاب اسلامی و آرمان های امام را حل ناگسستنی است .

۳- با حماسه ۹ دی ، جریان فتنه ناکام ماند و دشمنان خارجی که برای ایجاد فتنه بیش از بیست سال کار کرده بودند ، از ملت ایران و نظام ولایی شکست خوردند .

۴- حماسه ۹ دی محاسبات دشمن را نسبت به ملت ایران به هم ریخت .

۵- حماسه ۹ دی حرکت انقلاب اسلامی به سمت آرمان هایش را تثبیت کرد .

۶- حماسه ۹ دی ، فاتحه هر نوع انقلاب رنگی را در ایران را برای همیشه خواند .

۷- حماسه ۹ دی امید دوستان انقلاب اسلامی در سراسر جهان را افزایش داد .

در یک کلام حماسه ۹ دی نشان داد ملت ایران با برخورداری از رهبری الهی ، قدرت عبور از تمامی موانع سر راه را برای رسیدن به آرمان اصلی انقلاب اسلامی یعنی تمدن سازی اسلامی و حیات طیبه دارد .

تحلیل ژورنالیست

۴۶

دی ماه ۱۳۹۹
هیأت رزمندگان اسلام



بی تردید فتنه ۸۸ ، بزرگترین تهدید و خطرناک ترین توطئه علیه انقلاب اسلامی و حتی بزرگ تراز جنگ تحمیلی بود که با عنایات الهی ، درایت و هدایت های رهبری و هوشمندی و بصیرت مردم خنثی گردید .

۳۵
تکلیف‌آورانه

۴۷

دی ماه ۱۳۹۹
هیأت‌رزمندگان اسلام

تکلیف و ادب



عباس حاجی نجاری

بررسی تاثیر مقاومت مردم ایران در شکست ترامپ



اما شکست راهبردی فشار حداکثری که ناشی از هدایت‌های رهبر معظم انقلاب و ایستادگی و مقاومت مردم ایران بود، سبب شد که ترامپ و تیم افراطی همراه او نتوانند از موضوع ایران به‌عنوان یک دستاورد در انتخابات آمریکا استفاده کنند و حتی به اذعان بسیاری از کارشناسان و مراکز نظریه‌پردازان آمریکایی شکست در برابر ایران از عوامل مؤثر شکست ترامپ در انتخابات آمریکا بود.

تحلیل ژورنالیست

۴۹

دی ماه ۱۳۹۶
هیأت‌رئیس‌مجلس

پس از شکست دونالد ترامپ در رقابت انتخاباتی ۲۰۲۰ آمریکا و کسب عنوان تحقیرآمیز پنجمین رئیس‌جمهور تک‌دوره‌ای در صدسال اخیر آمریکا، مروری بر کارنامه چهارساله این نامزد جمهوری خواه، صرف‌نظر از این که دولت آینده به ریاست بایدن چه عملکردی خواهد داشت، حاکی از وجود نقاط تاریک بسیار در فهرست عملکردهای او است. با اوج‌گیری بحران‌های داخلی آمریکا؛ بحران عدالت نژادی، بحران کرونا و بحران ناکارآمدی تیم افراطی همراه ترامپ بر آن شده بود تا از تمام ظرفیت‌های خود برای رو کردن یک برگ برنده برای پیروزی در انتخابات ۲۰۲۰؛ نظیر تمکین ایران به مذاکره و یا تسلیم در برابر ترامپ، استفاده کند تا بلکه بتواند موقعیت در حال سقوط او را ترمیم کند. ترامپ کلیدواژه آمادگی برای مذاکره با ایران را بعد از هر بار تحریم علیه مردم ایران بکار برده بود، چرا که این باور در او ایجاد شده بود که با خروج از برجام و اعلام و اعمال فشار حداکثری علیه مردم ایران، سرانجام مردم ایران تسلیم شده و او نهایتاً موفق می‌شود سند تسلیم مردم ایران به‌عنوان یکی از موفقیت‌های اصلی‌اش در دوران ریاست‌جمهوری برای پیروزی بر رقیب دمکراتش به کاربرد. اما شکست راهبردی فشار حداکثری که ناشی از هدایت‌های رهبر معظم انقلاب و ایستادگی و مقاومت مردم ایران بود، سبب شد که ترامپ و تیم افراطی همراه او نتوانند از موضوع ایران به‌عنوان یک دستاورد در انتخابات آمریکا استفاده کنند و حتی به اذعان بسیاری از کارشناسان و مراکز نظریه‌پردازان آمریکایی شکست در برابر ایران از عوامل مؤثر شکست ترامپ در انتخابات آمریکا بود. مقاله حاضر به بررسی ابعاد این موضوع اختصاص یافته است.

مقدمه

ترامپ در حالی ناچار به پذیرش شکست در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا شد، که در واپسین روزهای حضورش در کاخ سفید ضمن تکرار کلیدواژه تقلب در انتخابات و تأکید بر اینکه انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ ننگی برای آمریکاست، هنوز مهم‌ترین آرزویش تسلیم نظام جمهوری اسلامی

است. او روز ۱۴ آذرماه در سخنرانی اش در ایالت جورجیا با تکرار ادعاهایش مبنی بر تقلب در انتخابات آمریکا می‌گوید اگر من پیروز شوم، یک ساعته سران ایران را در دفترم جمع می‌کنم تا توافق امضا کنیم! او در عین حال مدعی می‌شود که سران ایران در زمره خوشحال‌ترین افراد از شکست من هستند.

ترامپ کلیدواژه آمادگی برای مذاکره با ایران را بعد از هر بار تحریم علیه مردم ایران بکار می‌برد، چرا که این باور در او ایجاد شده بود که با خروج از برجام و اعلام و اعمال فشار حداکثری علیه مردم ایران، سرانجام مردم ایران تسلیم شده و او نهایتاً موفق می‌شود سند تسلیم مردم ایران را به عنوان یکی از موفقیت‌های اصلی اش در دوران ریاست جمهوری برای پیروزی بر رقیب دموکراتش به کار ببرد. و این نکته‌ای است که «جان بولتون»، مشاور امنیت ملی پیشین آمریکا در کتاب جدیدش تحت عنوان «در آن اتاق اتفاق افتاد؛ خاطراتی از کاخ سفید» که به بمب خبری علیه «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا تبدیل و در بخشی از آن به دلایل شکست سیاست واشنگتن در قبال ایران پرداخته است، اذعان می‌کند. او با اشاره به اینکه ترامپ از هر فرصتی برای موفقیت خود در انتخابات آمریکا استفاده می‌کرد، یادآور می‌شود که حتی دستور ترور سردار سلیمانی نیز با برنامه‌های ترامپ برای پیروزی در انتخابات ۲۰۲۰ در ارتباط بوده است، این افشاگری جان بولتن اگرچه به دلیل پیامدهای داخلی و بین‌المللی آن به سرعت از سوی پمپئو وزیر خارجه آمریکا تکذیب شد، اما نشان دهنده دست‌خالی ترامپ بود که از هر فرصتی برای تحکیم موقعیت خود در انتخابات استفاده می‌کرد.

همه ویژگی‌ها و کارکردهای ترامپ

پس از شکست دونالد ترامپ در رقابت انتخاباتی ۲۰۲۰ و کسب عنوان تحقیرآمیز پنجمین رئیس‌جمهوری تک دوره‌ای در صدسال اخیر آمریکا، مروری بر کارنامه چهارساله این نامزد جمهوری خواه، صرف نظر از این که دولت آینده به ریاست بایدن چه عملکردی خواهد داشت، حاکی از وجود نقاط تاریک بسیار در فهرست عملکردهای او است.

رونق محدود اقتصادی که ترامپ با فعال‌سازی کارخانه‌های اسلحه‌سازی آمریکا از طریق بحران‌سازی در منطقه غرب آسیا و دوشیدن گاوهای شیرده خلیج فارس تا اوایل سال ۲۰۲۰ ایجاد کرد را شاید به توان مهم‌ترین نقطه قوت او دانست و این مبنایی شد که او بتواند با رفتار بی‌پولیستی و عوام‌گرایانه خود و دو قطبی‌سازی فضای حاکم بر جامعه آمریکا که کارشناسان از آن به عنوان ظهور پدیده ترامپیسم یاد می‌کنند، بخشی از جامعه



نشریه انگلیسی گاردین

در توضیح پدیده

ترامپسیسم می نویسد:

نظریه‌های توطئه،

دروغ و تحریف بی پروا،

توسل به دادگاه‌های

فاقد صلاحیت، توهین

به مخالفان، مقام‌ها

ورسانه‌های مستقل،

توهین به جو بایدن،

تحریک تلویحی

خشونت، سوءاستفاده

از قدرت، نقض اعتماد

عمومی، تمجید از خود،

همه‌میراثی هستند

که ترامپ برای عرصه

سیاسی آمریکا به جای

گذاشت و از آن بانام

«ترامپسیسم» یاد می‌شود.

تحلیل ژورالیها ۳۵

آمریکا را همراه خود کند. نشریه انگلیسی گاردین در توضیح پدیده ترامپسیسم می‌نویسد: نظریه‌های توطئه، دروغ و تحریف بی‌پروا، توسل به دادگاه‌های فاقد صلاحیت، توهین به مخالفان، مقام‌ها و رسانه‌های مستقل، توهین به جو بایدن، تحریک تلویحی خشونت، سوءاستفاده از قدرت، نقض اعتماد عمومی، تمجید از خود، همه میراثی هستند که ترامپ برای عرصه سیاسی آمریکا به جای گذاشت و از آن بانام «ترامپسیسم» یاد می‌شود.

اما در تبیین دلایل شکست ترامپ در انتخابات آمریکا به رغم آنکه رقیب وی بایدن برجستگی ویژه‌ای نداشت و به همین دلیل می‌توان مدعی شد که ترامپ از کارنامه خود شکست خورده است، فهرست وار به نکات زیر می‌توان اشاره کرد:

- در طول چهارساله ریاست ترامپ؛ دروغ‌پراکنی، توهین و خشونت در سخنرانی‌ها و پیام‌های توییتری وی به عادی‌ترین خصیصه‌های رئیس‌جمهور قدرتمندترین کشور جهان که به عنوان مظهر تفکر لیبرال دموکراسی، معروف شده، تبدیل شده بود و ترامپ با این رفتار خود، ماهیت لیبرال دموکراسی را که فوکویاما از آن به عنوان پایان تاریخ نام برده بود آشکار کرد و به همین دلیل باید از ترامپ به دلیل خدمتی که به دنیای معاصر کرد، تشکر کرد.

- شعار اساسی سیاست خارجی «دونالد ترامپ» موسوم به «اول آمریکا» همراه با سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه در خصوص خروج از معاهدات مهم بین‌المللی و منطقه‌ای و نهاد‌های چندجانبه، سیاست‌های تنش‌زا و رفتارهای آن علیه متحدان و شرکای راهبردی مانند جنگ تعرفه‌ها علیه اروپا و چین، سبب شد که نه تنها در این عرصه توفیقی نیابد، بلکه در عین تضعیف موقعیت آمریکا در جهان، سبب شد که اغلب رؤسای کشورهای مهم جهان از شکست او خوشحال شوند.

- اوایل سال ۲۰۲۰ میلادی، به نظرمی‌رسید که شرایط مطلوب اقتصادی آمریکا می‌تواند رمز پیروزی ترامپ در انتخابات باشد، اما با وقوع بحران کووید-۱۹ و رکورد جهانی مرگ و میر آمریکائی‌ها، باعث شد که به یکباره برگ برنده ترامپ از دست برود. مدیریت ضعیف کاخ سفید در مقابله با این بیماری، افتخار قرارگیری نام آمریکا در صدر فهرست کشورهای درگیر با بالاترین آمار شمار

مبتلایان و جان باختگان رانصیب این کشور کرد. رسوایی‌ها و افشاگری‌های اخیر درباره ترامپ، استیضاح و مدیریت غلط او در مواجهه با بحران کرونا و تبعات اقتصادی ناشی از آن سبب شد تا میزان مقبولیت ترامپ در ماه‌های اخیر کاهش جدی پیدا کند.

- در حالی که مسئله تغییرات آب و هوایی و گرمایش کره زمین یکی از دغدغه‌های بزرگ در جهان امروز و تهدیدی جدی برای حیات در کره خاکی محسوب می‌شود، اما ترامپ همان طور که در کارزار انتخاباتی ۲۰۱۶ خود وعده داد بود، از زمان آغاز کار در کاخ سفید، صدها مقررات زیست محیطی از جمله محدودیت تصاعد دی‌اکسید کربن از نیروگاه‌ها و وسایل نقلیه را لغو کرد. او علاوه بر این ضمن خارج کردن آمریکا از معاهده اقلیمی پاریس گفت این توافق برای آمریکا زیان بار و صرفاً به نفع سایر کشورهاست.

- آتش اعتراضات نژادی نیز در حالی به یکی از چالش‌های جدی آمریکا در پرونده چهارساله حضور ترامپ ثبت شد که اگرچه به گفته ترامپ، روش جنجالی فشار زانوبرگردن برای بازداشت مظنونین باید در حالت کلی غیرقانونی شود اما برای اعمال این ممنوعیت هیچ اقدامی انجام نداد. ترامپ حتی در بحبوحه اعتراضات علیه نابرابری نژادی در این کشور، حمایت خود از پلیس را افزایش داد. دیدگاه‌های نژادپرستانه و سیاست‌های سختگیرانه وی در قبال رنگین‌پوستان و مهاجران، یکی از ضعف‌های اصلی ترامپ بود.

- قانون منع سفر به خاک آمریکا، ساخت دیوار در مرز آمریکا و مکزیک از جمله اقدامات نژادپرستانه ترامپ محسوب می‌شود که به گسترش ناامنی اجتماعی، اضطراب و نابسامانی بین جوامع مهاجران در آمریکا انجامید. به بیان دیگر، سیاست‌های ترامپ در قبال مهاجران لاتینی، روندی که در حال اصلاح چهره آمریکا در میان جوامع آمریکای لاتین بود را متوقف کرد و بار دیگر خاطرات تلخ تجربه حضور و مداخله آمریکا در کشورهای آمریکای لاتین را زنده کرد و موجب تقویت جریان‌های ضدآمریکایی در این کشورها شد.

- در زمینه جنگ تجاری با چین، ترامپ از همان ابتدا فضایی را بر ضد پیمان‌های تجاری آمریکا با دیگر کشورها و اتحادیه‌ها ایجاد کرد. او قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) و پیمان تجاری اقیانوس آرام «تی پی پی» را «فاجعه» خواند. ترامپ همچنین وعده داد که «کسری تجاری» غیرمنصفانه با چین و اروپا را تصحیح کند. اما در عمل توفیقی نیافت.

- اما خروج ترامپ از توافق هسته‌ای ایران و ادعای اینکه با این خروج و اعمال فشار حداکثری می‌تواند نظام جمهوری اسلامی را برای تنظیم یک توافق که منافع آمریکا



با وقوع بحران کووید ۱۹- و رکورد جهانی مرگ و میر آمریکائی‌ها، باعث شد که به یکباره برگ برنده ترامپ از دست برود. مدیریت ضعیف کاخ سفید در مقابله با این بیماری، افتخار قرارگیری نام آمریکا در صدر فهرست کشورهای درگیر با بالاترین آمار شمار مبتلایان و جان باختگان را نصیب این کشور کرد.

تحلیل ژورنالیست

۵۳

دی ماه ۱۳۹۹
هیأت‌رئیس‌رئیس‌جمهور

و غرب را تأمین و همچون از بین بردن توان هسته‌ای ایران دیگر ظرفیت‌های منطقه‌ای و موشکی ایران را نیز نابود کند، مهم‌ترین اقدام فرا منطقه‌ای ترامپ بود که البته حمایت‌های کنگره آمریکا را نیز با خود داشت. پمپئو وزیر خارجه آمریکا با خروج ترامپ از برجام و اعمال مجدد تحریم‌های گذشته، دوازده شرط را برای رهایی ایران از تحریم‌ها و مذاکره مجدد با ایران اعلام کرد. دوازده شرطی که شامل خاتمه کامل غنی‌سازی اورانیوم، توقف توسعه سیستم‌های موشک بالستیک، توقف حمایت از سازمان‌های به‌زعم او تروریستی در منطقه و جهان، خروج از سوریه و توقف تهدید دولت‌های منطقه و... می‌شد. هدف اصلی و اساسی آمریکا از طراحی نظام‌های تحریمی و کارزارهایی نظیر فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی ایران، فروپاشی و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران بود. زمانی که بعد از خروج ترامپ از برجام در اردیبهشت ۱۳۹۷ پمپئو وزیر خارجه‌اش این شروط را برای تحقق این راهبرد اعلام کرد، بسیاری از کارشناسان و حتی نظریه‌پردازان آمریکایی اذعان کردند که تحقق این شروط به معنی سرنگونی نظام جمهوری اسلامی است.

کاخ سفید در اجرای این راهبرد که حمایت کنگره آمریکا را در تصویب و اعمال تحریم‌ها داشت تا بدان جا پیش رفت که برآیان هوک مسئول گروه اقدام آمریکا علیه ایران چند بار با تأکید بر اینکه: ایران باید بین فروپاشی و مذاکره یکی را انتخاب کند، تلاش کرده بود تا در شرایط اوج‌گیری بحران درون ساختاری آمریکا، موقعیت ترامپ را که به شدت برای انتخابات آینده تضعیف شده بود، با تسلیم ایران را به عنوان یک موفقیت در سیاست خارجی آمریکا در داخل خرج کرده و ترامپ را از بحران نجات دهد. مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا در اوایل آذرماه امسال ارزیابی خود از مجموع این فشارها را اعلام و مدعی می‌شود که: دستاوردی که داشتیم این بود که از برجام خارج شدیم. کارزار فشار حداکثری ما، با کمک متحدانمان در خلیج فارس، ایران را به لحاظ دیپلماتیک، نظامی، و اقتصادی منزوی کرد. ما تاکنون ۷۷ دور تحریم علیه ایران اعمال کردیم و نزدیک به ۱۵۰۰ شخص حقیقی و حقوقی ایران را هدف قرار دادیم. ما رژیم را از دستیابی به وجوه مورد استفاده در تروریسم محروم کردیم؛ وجوهی که به گفته خودشان حدود ۷۰ میلیارد دلار بود.»

اذعان به شکست فشار حداکثری

اعمال تحریم و محدودیت های اقتصادی و تجاری علیه ایران بلافاصله با خروج آمریکا از برجام شدت یافت و در کنار آن جنگ روانی گسترده ای را نیز علیه مردم ایران آغاز گردید، به کارگیری تعبیری مانند اینکه آن قدر به مردم ایران فشار می آوریم که نان برای خوردن نداشته باشند و یا اینکه مردم ایران قادر نخواهند بود که چهلمین سالگرد انقلابشان را جشن بگیرند، بخش عمده ای از جنگ روانی علیه مردم ایران را تشکیل می داد. این جنگ روانی حتی با پیوست تهدید نظامی برای شکست اراده مردم ایران تکمیل شد، که در اوج خود به ترور بزدلانه سردار مقاومت شهید سلیمانی انجامید، اما آورده ای برای ترامپ نداشت.

تیم افراطی حاکم بر کاخ سفید در طی این ۴ سال فشار حداکثری که بر ایران هوک مسئول گروه اقدام آمریکا علیه ایران مدیر اجرای آن بود در تنها چیزی که موفق شد جلوگیری از فروش نفت ایران بود... مروری بر ۱۲ شرطی که پمپئو هنگام خروج ترامپ از برجام در ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۷ مطرح کرد، این واقعیت را اثبات می کند، چرا که آمریکا با این فشارها؛ نه تنها نتوانست برنامه هسته ای ایران را متوقف کند، چرا که ایران بعد از خروج ترامپ از برجام و بدعهدی اروپایی ها در عدم اجرای تعهداتشان ناچار به آغاز مجدد فعالیت های هسته ای شد و توانسته است تاکنون بخشی از ظرفیت های از دست رفته ناشی از برجام را جبران کند، علاوه بر آن برنامه موشکی ایران کماکان با قدرت ادامه یافته است، به رغم شهادت سردار سلیمانی، تأثیر خون آن شهید و مجاهدت های نیروهای جبهه مقاومت سبب تحکیم و گسترش ظرفیت های جبهه در مناطق مختلف شده است، وضعیت حضور نیروهای ایران در سوریه با اقدامات زیربنایی و توافق نظامی با دولت قانونی سوریه تحکیم و تثبیت شده است و مهم تر از همه آنکه ایران نه به درخواست های مکرر ترامپ برای مذاکره پاسخ داده و نه تلاش های آمریکا برای تضعیف و یا فروپاشی نظام ایران به رغم تحمیل فشار و تحریم اقتصادی علیه مردم ایران، تأثیری داشته و نظام به دلیل پشتیبانی و حمایت مردم، محکم و استوار در برابر فشارهای کاخ سفید ایستاده است.

ایستادگی مردم ایران سبب شد که «مایک پمپئو»، وزیر خارجه آمریکا پنجشنبه نهم مرداد ۹۹ در نشست کمیته روابط خارجی مجلس سنا که درباره بودجه سال آینده وزارت خارجه آمریکا برگزار شد به شکست کارزار فشار حداکثری آمریکا علیه ایران اعتراف کرد. پمپئو در پاسخ به سؤال «لیندسی گراهام»، نماینده جمهوری خواه مجلس سنا درباره اثرگذاری سیاست آمریکا در قبال ایران مدعی شد که کارزار فشار حداکثری، اثرگذار بوده

اما نتوانسته به هدفش برای تغییر رفتار حکومت ایران دست پیدا کند. وی بایبان اینکه وزارت خارجه آمریکا «با تمام قوا» کارزار فشار حداکثری را اجرا کرده گفت که آمریکا توانسته ۹۰ درصد از درآمدهای نفتی ایران را کاهش دهد. تحریم‌ها به وضوح اثر داشته‌اند. آنها قابلیت رژیم برای کمک به حزب الله و شبه نظامیان شیعه در عراق را از بین بردند، ولی مشخصاً به هدف نهایی خود که تغییر رفتار رژیم ایران بوده دست نیافته‌اند.

به رغم ادعای پمپئو شامگاه پنجشنبه ۱۶ مرداد «برایان هوک» نماینده ویژه رئیس جمهور آمریکا در امور ایران و رئیس «گروه اقدام ایران» در وزارت خارجه این کشور، از استعفای (عزل) خود از این سمت خبر داد، روزنامه «واشنگتن پست» با مدام روز جمعه بعد به نقل از یک مقام ارشد سابق در دولت آمریکا نوشت از هوک خواسته شد که استعفا دهد تا مسئولیت شکست استراتژی واشنگتن علیه ایران، بردوش وی بیافتد.

نشریه انگلیسی گاردین نیز در ترسیم این شکست پا را فراتر نهاده و می‌نویسد «آمریکائی‌ها واقعاً به اوج بلاهت و مسخرگی رسیده‌اند آمریکائی‌ها آن قدر دستشان را بد بازی کرده‌اند، آن قدر پرخاشگر بودند که خود را نزد دیگران منزوی کردند نه تنها سیاستی را که در پیش گرفتند پذیرفته نشد، بلکه خودشان «نخواستنی» بودند.»

پایگاه فارن پالیسی نیز اوایل آذرماه امسال در تحلیلی نوشت که ایران در برابر «کارزار فشار حداکثری» دولت دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا مقاومت از آنچه اسرائیل و کاخ سفید پیش بینی می‌کرده‌اند عمل کرده است. فارن پالیسی می‌افزاید: «علی‌رغم موفقیت آمریکا در ایجاد اهرم فشار اقتصادی زیاد از طریق کارزار فشار حداکثری اکنون نتیجه مشخص این است که فشار حداکثری ایران را وادار به مذاکره مجدد بر سر توافق هسته‌ای با ترامپ نخواهد کرد. ایران نشان داد از آنچه کاخ سفید و اسرائیل پیش بینی می‌کردند، مقاومت است. تهران با «مقاومت حداکثری» خودش [به فشار حداکثری] پاسخ داد که سیاست‌هایی از قبیل حمله به زیرساخت‌های نفتی متحدان آمریکا، پیشرفت دادن برنامه هسته‌ای خودش و امتناع از مذاکره را شامل می‌شد»

پایگاه آمریکایی «نشنال اینترست» هم به پیامدهای منفی سیاست «فشار

حداکثری» دولت ترامپ علیه جمهوری اسلامی ایران اشاره کرده و آورده است که این سیاست نه تنها ایران را به «توافق بهتر» در زمینه برنامه هسته‌ای نزدیک نکرده است، بلکه تهران، فعالیت‌های هسته‌ای خود را به اندازه‌ای گسترش داده است که ۱۲ برابر بیشتر از میزان اورانیوم غنی شده‌ای که طبق محدودیت‌های برجام در اختیار داشت، ذخیره کرده است و استفاده از سانتریفیوژهای پیشرفته را برای غنی‌سازی بیشتر آغاز کرده است. شیوه مدیریت ترامپ در قضیه ایران تا حد زیادی به انزوای آمریکا و کاهش اعتبار این کشور در چهار ساله گذشته منجر شده است. هنگامی که ترامپ در بهار سال ۲۰۱۸ میلادی بولتون را به عنوان مشاور امنیت ملی انتخاب کرد نیتش را از این انتخاب پنهان نمی‌کرد؛ او می‌خواست ته دل رقبای آمریکا را از وجود فردی جنگ طلب که ممکن است تصمیم‌های خطرناک بگیرد خالی کند. اما سیاست موسوم به فشار حداکثری علیه ایران اکنون به سیاستی شکست خورده تبدیل شده زیرا ایران تعهداتش به توافق هسته‌ای را کاهش داده و اعلام کرده خودش را به هیچ یک از محدودیت‌های عملیاتی مندرج در توافق هسته‌ای مقید نمی‌داند.

تأثیر شکست فشار حداکثری در انتخابات آمریکا

در حالی که ایستادگی و مقاومت مردم ایران در طول ۴۰ سال گذشته در برابر فزون‌خواهی‌های کاخ سفید موقعیت ایران را در جهان و منطقه ارتقا داده و سبب شده است که آمریکایی‌ها در عین اینکه حکام کشورهای مجاور ما را به گاو شیرده تشبیه می‌کنند، به ناچار در برابر عزت و عظمت مردم ایران سرتسلیم فرود آورده و ملت‌مانانه درخواست مذاکره کنند.

شتاب‌زدگی ترامپ و تیم همراهش در ماجرای جلوگیری از لغو تحریم‌های تسلیحاتی و یا مکانیزم ماشه برای رسیدن به یک دستاورد در مهار و تسلیم ایران در آستانه انتخابات ریاست جمهوری این کشور، آغاز ماجرا نبود، بلکه پایان خط یک مواجهه ۴ ساله بود که با هدف شکست و تسلیم و فروپاشی درونی نظام جمهوری اسلامی ایران، با خروج ترامپ از برجام آغاز و در عین تشدید تحریم‌های اقتصادی و حتی به مواجهه نظامی هم رسید که با سرنگونی پهباد آمریکایی و یا هدف گرفته شدن پایگاه آمریکایی عین الاسد در عراق (بزرگ‌ترین پایگاه نظامی آمریکا در خارج از این کشور) کار را به آنجا کشاند که بزرگ‌ترین قدرت نظامی جهان در برابر اقتدار نظام اسلامی سرتسلیم فرود آورده و برای مهار و شکست مقاومت فعال مردم ایران متوسل به فریب‌های تبلیغاتی و خط تحریف



مروری بر مواضع نظریه پردازان، کانون‌های تفکر و اندیشکده‌های آمریکایی بیانگر آن است که بسیاری از آنها روند کاهنده محبوبیت ترامپ در میان رأی‌دهندگان آمریکایی را ناشی از شکست در برابر ایران دانسته و بر این نکته اعتراف می‌کنند که ترامپ در راهبرد فشار حداکثری علیه ایران به پایان خط رسیده و در خواست مذاکره او نیز ناشی از این شرایط بحران زده داخلی است.

تحلیل ژورنالیست

۵۷

دی ماه ۱۳۹۹
هیأت‌رئیس‌رسانگان اسلام

شود، ترامپ به رغم التماس برای مذاکره برای فریب افکار عمومی و فعالان سیاسی در ایران و یا وعده توافق با ایران بعد از پیروزی در انتخابات برای جامعه آمریکا، در کمتر از سه ماه تا انتخابات سوم نوامبر ۲۰۲۰ (سیزدهم آبان ۱۳۹۹) به شدت نگران شکست خود در انتخابات بود.

مروری بر مواضع نظریه پردازان، کانون‌های تفکر و اندیشکده‌های آمریکایی بیانگر آن است که بسیاری از آنها روند کاهنده محبوبیت ترامپ در میان رأی‌دهندگان آمریکایی را ناشی از شکست در برابر ایران دانسته و بر این نکته اعتراف می‌کنند که ترامپ در راهبرد فشار حداکثری علیه ایران به پایان خط رسیده و درخواست مذاکره او نیز ناشی از این شرایط بحران زده داخلی است. در این زمینه روزنامه آمریکایی واشنگتن پست در مطلبی به قلم «مایکل سینگ» مدیر ارشد امور خاورمیانه در «شورای امنیت ملی آمریکا» می‌نویسد: سوء مدیریت در اوج دوران همه‌گیری کووید-۱۹ و یک اقتصاد ضربه خورده از کرونا، تظاهرات سراسری در اعتراض به نژادپرستی و افت محبوبیت انتخاباتی برای زمین خوردن «ترامپ» کم بود، حالا بحران سیاست خارجی هم به همه این‌ها اضافه شده است و شانس انتخاباتی «ترامپ» را در محاق از بین رفتن قرار داده است. واشنگتن پست در ادامه این مطلب می‌افزاید: «فشار حداکثری آمریکا علیه ایران منافع آمریکا را برآورده نکرده است». «فشار حداکثری نه منجر به مذاکره مستقیم ایران و آمریکا شد. نه جلوی تهاجمات و ماجراجویی‌های ایران در منطقه را گرفت. نه ثبات سیاسی ایران را برهم زد». در عوض همه این‌ها؛ فشار حداکثری یک بهانه قوی به دست رهبر ایران، سپرده است تا برای ترامپ هم همان سرنوشتی را رقم بزند که سال‌ها پیش ایران برای «جیمی کارتر» نوشت. کارتر موفق نشد گروهان‌های آمریکایی در بند در ایران را آزاد کند و در انتخابات باخت و بیشتر از یک دوره نتوانست رئیس‌جمهور باشد.

«رئول مارگ گرونت» کارشناس مسائل ایران در «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» متعلق به محافظه‌کاران آمریکا نیز در مطلبی در این روزنامه می‌نویسد: «رهبر عالی ایران، شانس انتخاباتی ترامپ را نشان داده است و همین چندی پیش با اعزام پنج فروند کشتی حامل بنزین به ونزوئلا نشان داد که در عزم خود جدی است یقیناً این همه هدف رهبر ایران نیست و او تصمیم دارد تا ماه نوامبر ضربات

کاری تری به ترامپ وارد کند. آمریکا ژانویه امسال «قاسم سلیمانی» دست راست نظامی رهبر ایران را ترور کرد تا ایران را مهوار کند اما ایران اصلاً خود را نباخت. از آن موقع تا به امروز گروه‌های تحت امر ایران بیش از ۲۰ بار به نیروهای آمریکایی در عراق حمله کرده‌اند.»
در مورد تأثیر مقاومت مردم ایران در شکست ترامپ در انتخابات آمریکا به چند نکته می‌توان اشاره کرد:

نکته اول این است که رقابت بایدن و ترامپ به شدت دوقطبی شده و اساساً اکثریت رأی دهندگان با تکیه به منظومه فکری و تبلیغاتی ترامپ و بایدن و در واقع به تمایز آنها رأی دادند. در این رقابت آرای بایدن و ترامپ بسیار نزدیک به هم بود. یعنی با اختلاف کم چند درصدی این انتخابات به پایان رسیده است. اگر سهم ایران در انتخابات آمریکا را کمترین حد ممکن یعنی کمتر از پنج درصد هم بگیریم البته این میزان با توجه به تعدد نامی که از ایران در انتخابات آمریکا و موضوع برجام برده شده و تصویری که ترامپ تلاش می‌کرد از تسلیم کردن ایران در نزد مردم آمریکا از خود بسازد؛ رقمی قابل توجه‌تر و یا حداقل مؤثرتری هم خواهد بود- با این وجود، همین مقدار کم می‌توانست نتیجه انتخابات آمریکا را متفاوت کند.

نکته دوم: آنچه در روند تحولات داخلی آمریکا بر اساس اظهارات صریح گردانندگان کاخ سفید می‌توان استناد کرد این است که ایستادگی و مقاومت مردم ایران آمریکا را مستأصل کرده و در کنار ناکامی‌های آمریکا در مدیریت اعتراضات اجتماعی و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی کرونا مسئله ایران و بی‌نتیجه بودن راهبرد فشار حداکثری آمریکا علیه ایران شکست دیگری را بر شکست‌های آمریکا افزوده و به همین دلیل ترامپ در پی آن بود که با نشان دادن ایران پای میز مذاکره و گرفتن یک عکس یادگاری، از این مرحله عبور کرده و در میان شکست‌های متعدد کاخ سفید در عرصه داخلی و بین‌المللی یک نقطه قابل اتکایی را به رأی دهندگان آمریکایی ارائه دهد. که نتوانست، او حتی در روزهای پایانی و زمانی که پیروزی بایدن قطعی شده بود، مدعی شد که اگر پیروز شود ایران در عرض یک ساعت با او به توافق می‌رسد.

نکته سوم: پاره کردن برجام و سپس به‌زانو آوردن ایران و دوباره به میز مذاکره برگرداندن برای دادن امتیازات بزرگ‌تر، شعار تبلیغاتی دونالد ترامپ قبل از ریاست جمهوری آمریکا و تا این روزهای آخر انتخاباتی بوده است. اما سیاست فشار حداکثری درباره ایران نه تنها جواب نداد، بلکه به ادعای بسیاری از کارشناسان بین‌المللی سبب انزوای آمریکا



ایران در چهار سال ریاست جمهوری ترامپ با منهدم کردن، گلوبال هاوک، موشک باران عین الاسد و... به طرز بی سابقه‌ای ابهت نظامی و هژمونی آمریکا را شکست ولی در مقابل، ترامپ با بزدلی هیچ کاری نتوانست انجام بدهد! به اعتقاد بسیاری از مراکز نظریه پردازی و نخبگان آمریکا، هیچ وقت کشورشان این گونه تحقیر نشده و هیچ رئیس جمهوری مانند ترامپ در مقابل ایران این قدر ترسو نبوده است.

تحلیل ژورنالیست

۵۹

دی ماه ۱۳۹۹
هیأت‌رئیس‌رئیس‌جمهور

و انگیزه بخشی و جهش‌های خاص سیاسی، هسته‌ای و منطقه‌ای و نظامی در ایران نیز شده است. رفتار دولت ترامپ با ایران تنها بخشی از تصویری سازی بود که ترامپ از خود برای مردم آمریکا و طرد دموکرات‌ها استفاده می‌کرد، اما مقاومت فعال ایران برهم زنده این تصویرسازی مهم بود. به همین دلیل نقش ایران در شکست ترامپ نقش قابل توجهی بود چه این نقش را مستقیم و چه غیرمستقیم بدانیم.

نکته چهارم: ترامپ با ترور شهید سلیمانی تلاش کرد که از خود یک چهره مقتدر و خاص و نماد اقتدار امنیت ملی آمریکا بسازد. موضوعی که به دلایل متعددی برعکس آن اتفاق افتاد. آمریکایی‌ها معتقدند بعد از شهادت سردار سلیمانی، دنیا برای آنها خطرناک‌تر از هر زمانی دیگر شده است. ایران در چهار سال ریاست جمهوری ترامپ با منهدم کردن، گلوبال هاوک، موشک باران عین الاسد و... به طرز بی سابقه‌ای ابهت نظامی و هژمونی آمریکا را شکست ولی در مقابل، ترامپ با بزدلی هیچ کاری نتوانست انجام بدهد! به اعتقاد بسیاری از مراکز نظریه پردازی و نخبگان آمریکا، هیچ وقت کشورشان این گونه تحقیر نشده و هیچ رئیس جمهوری مانند ترامپ در مقابل ایران این قدر ترسو نبوده است.

نکته پنجم: بیشترین امید آمریکاداران جنگ روانی معطوف به داخل ایران بود، امید آمریکائی‌ها این بود که با بزرگنمایی تحریم‌ها، بتوانند جریان‌هایی را در داخل تحریک کنند تا با مطالبه‌گری نسبت به مذاکره و یا احیاناً با مشابه سازی اعتراضات آمریکا در ایران بتوانند، نظام را در داخل با مشکل مواجه کرده و از این طریق اهداف خود را به پیش برند. هوشیاری مردم نسبت به تحرکات عوامل و پادوهای داخلی دشمن به رغم عدم تلاش جدی مسئولان برای کاهش مشکلات اقتصادی مردم، نشان دهنده این است که مانند همیشه این مردم ایران هستند که با ایستادگی و مقاومت خود نقشه‌های دشمنان را برهم زدند.

نکته ششم: اینکه انتقام سخت ایران با عین الاسد شروع شد و با تک دوره‌ای کردن ترامپ وارد مرحله تازه‌تری شده و تحقق چشم‌انداز اخراج آمریکا از منطقه را نمایان تر کرده است. این امر طبعاً پیام روشنی برای تیم آینده حاکم بر آمریکا است و هم جریان‌های داخلی که مبانی عزت و اقتدار ایران را بشناسند و راهبردهای خود را مبتنی بر آن تنظیم کنند.

تکلیف و اجابا



دکتر علیرضا معاف

امید آفرینی و شکستن محاصره تبلیغاتی دشمن

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، «تزیق امید» و «شکستن محاصره تبلیغاتی دشمن» را نخستین وریشه‌ای ترین جهاد جوانان مؤمن و انقلابی می‌دانند:

«اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه‌ی من «امید» و «نگاه خوش بینانه به آینده» است. بدون این «کلید اساسی همه‌ی قفل‌ها»، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک «امید صادق» و متکی به «واقعیت‌های عینی» است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، اما خود و همه را از «نومیدی بیجا» و «ترس کاذب» نیز برحذر داشته‌ام و برحذر می‌دارم. در طول این چهل سال - و اکنون مانند همیشه - سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. «خبرهای دروغ»، «تحلیل‌های مغرضانه»، «وارونه‌نشان دادن واقعیت‌ها»، «پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش»، «بزرگ کردن عیوب کوچک» و «کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ»، برنامه‌ی همیشگی هزاران رسانه‌ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این «محاصره‌ی تبلیغاتی» باشید. در خود و دیگران نهال «امید به آینده» را پرورش دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. این «نخستین وریشه‌ای ترین جهاد» شما است.»

از سوی دیگری دانیم که امروزه اصلی‌ترین ابزار دشمن برای یأس‌پراکنی و جنگ روانی بر علیه نظام اسلامی، «فضای مجازی» است؛ و جهاد در این فضا، مصداق بارز همان «جهاد با زبان» است که امام امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) آن را در زمره اقسام جهاد برشمرده‌اند.

به همین دلیل، لازم است جوانان مؤمن انقلابی که در خط مقدم این جهاد مقدس قرار دارند، با مضامینی آشنا گردند که با اتکاء و بهره‌گیری از آنها بتوانند در قالب‌های متنوع هنری و رسانه‌ای، امید و آرامش را، بخصوص در فتنه‌ها و بحران‌های سیاسی، به مردم القاء نمایند.

با توجه به بیانات رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم، می‌توان اینگونه نتیجه گرفت

که مقدمه فهم و عمل به گام دوم و تحقق آن، امیدآفرینی و مقدمه ایجاد امید، شکستن محاصره تبلیغاتی دشمن است.

در نتیجه باید به عنوان مهمترین وریشه‌ای ترین کار، در راستای امیدآفرینی و شکستن محاصره تبلیغاتی قدم برداشت.

در همین راستا الگویی محتوایی برای تبیین امیدآفرینی آماده شده که می‌تواند برای همه فعالان فرهنگی و رسانه‌ای به عنوان الگوی طراحی و تولید برنامه مورد استفاده قرار گیرد. علاوه بر این، هریک از بندها و مراحل مطرح شده در این طرح می‌تواند به عنوان جزئی از یک طرح کلان، محور و محتوای تولید یک یا چندین برنامه قرار گیرد.

حکمه

مقدمه: تبیین کلیات بیانیه

الف) ترسیم وضعیت و سلاح اصلی میدان نبرد (رسانه)

بیان نخستین وریشه‌ای ترین تکلیف و جهاد امروز ما

تبیین محاصره تبلیغاتی دشمن و ابعاد و شگردهای آن و رسواسازی رسانه‌های معاند با بیان مصادیق

راهبردها و راهکارهای شکستن محاصره تبلیغاتی (اصلی ترین اقدام: مدیریت بومی بر فناوری اطلاعات)

ب) گزارش چالش چهل ساله میان حق و باطل (جنگ حق و باطل)

پیروزی‌ها و پیشرویهای انقلاب اسلامی از تهران تا پشت دروازه‌های قدس و ظرفیت‌های عظیم جهانی که ایجاد شده است

شکستهای بزرگ چهل ساله استکبار؛ از سقوط شاه تا نابودی داعش

ج) تبیین وضعیت دشمن

فروپاشی نظری و شکست کامل جنبه‌های تئوریک تمدن غرب

وضعیت رو به احتضار غرب؛ وضعیت عملی آمریکا و اروپا در ابعاد اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی (راه طی شده و شکست خورده رفتن ندارد).

د) تبیین وضعیت خودی

پیشرفت‌ها و دستاوردهای چهل ساله در مقایسه با قبل از انقلاب، اوایل انقلاب و مقایسه با امروز دنیا (کتاب گلستان انقلاب)

مشکلات پیش رو، آسیب‌ها و چالش‌های موجود انقلاب و کشور و ریشه‌های آن ظرفیت‌های عظیم در اختیار انقلاب اسلامی و منطقی بودن امید به آینده اثبات عدم وجود بن بست و بیان راه کارهای مهم بیان نمونه‌های بزرگ موفق فردی، جمعی، سازمانی

۵) مبانی نظری امید

ضرورت دمیدن روح امید در جامعه و مقابله با امواج یأس مباحث نظری وعده‌های الهی، پیروزی حق بر باطل و نصرت الهی به جبهه حق

وعده‌های دروغین دشمن و خیالهای پوچ مبتنی بردستگاه محاسباتی غلط از غافگیری در سقوط شاه تا غافلگیری بقای بشار پیش بینی‌های درست امامین انقلاب از سقوط شاه تا داعش در اروپا رونق آرمان انتظار و علائم ظهور و شرایط ظهور و مستلزمات آن ضرورت واقع بینی، تعدیل انتظارات و آرمانخواهی واقع بینانه

مرور تفصیلی

مقدمه: تبیین کلیات بیانیه

اهمیت بیانات امام خامنه‌ای و ضرورت مطالعه عمیق آن

رهبر معظم انقلاب با انتشار بیانیه مهم و راهبردی «گام دوم انقلاب»، ورود به مرحله یا فصل دیگری از مسیر تمدن سازی نوین اسلامی را اعلام کردند. این بیانیه نسبتاً کم حجم اما پر محتوا و غنی از نکات راهبردی، در واقع یک منشور و مانیفست جامع، منسجم و راهبردی است که مسیر حرکت انقلاب در چهل سال آینده را به روشنی نشان داده است و برای ترسیم این مسیر پیش رو، ضمن جمع بندی عملکرد انقلاب اسلامی طی چهل سال گذشته تصویر واقع بینانه‌ای نیز از موقعیت کنونی انقلاب ارائه داده است.

بنابراین این یک امر ضروری و واجب است که این بیانیه به عنوان یک متن راهبردی و راه‌گشا، در دستور کار برنامه‌های تبلیغی، ترویجی و روشنگری قرار گیرد و متناسب با هر یک از مطالبات و مقاصد نهفته در آن، برنامه ریزی و تدبیر اتخاذ گردد و ان شاء الله نیروهای متعهد به انقلاب اسلامی و ولایت فقیه باید

بی‌درنگ و دغدغه‌مندانه، احساس مسئولیت کنند و فرد به فرد و گروه به گروه، نسبت خود را با مفاد و مضامین این بیانیه مشخص سازند.

این دکترین انقلاب، خطوط اصلی و عمده‌ی حرکت انقلاب در دهه‌های آینده را روشن کرده و همانند نظریه‌ای که راهنمای عمل است، در برابر جوانان و سربازان این انقلاب قرار گرفته است. از آنجا که جمله به جمله این بیانیه، چکیده صدها جمله و نکته مهم و بنیادین مربوط به انقلاب است، تحلیل، شرح، تبیین و بسط مفهومی این بیانیه، لازم و ضروری است.

قرائت تحلیلی متن بیانیه در یک نگاه

چشم‌انداز: تحقق تمدن اسلامی و آمادگی برای طلوع ولایت عظمی (عج)
راه طی شده: در روزگاری که جهان میان غرب و شرق مادی تقسیم شده بود و کسی گمان نهضت اسلامی را نمی‌برد انقلاب اسلامی از صفر و بدون هیچ‌الگویی شروع کرد به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد. رژیم‌ننگین استبدادی را به مردم سالاری بدل کرد، با ترکیب جمهوریت و اسلامیت درخشید. در مقابل جدی‌ترین تهدیدها امنیت خود را تضمین کرد، موتور پیشرفت کشور در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد و یک کشور به شدن عقب مانده را به کشوری قدرتمند و به سرعت در حال پیشرفت بدل کرد. بینش سیاسی و مشارکت مردمی در همه‌ی امور را به اوج رساند. کفه عدالت را در تقسیم امکانات عمومی سنگین کرد. معنویت و اخلاق را در فضای جامعه به گونه‌ای چشمگیر افزایش داد و تنها انقلاب معاصر بود که یک چله پرافتخار را بدون خیانت به آرمانهایش پشت سر نهاد و با ایستادگی روز افزون در برابر زورگویان مسیر جهانی را تغییر داد.

شرایط امروز: راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخار آمیز بوده و دنباله مسیر به دشواری گذشته‌ها نیست. انقلاب اسلامی با حفظ و پایبندی شعارهای خود همچنان به پیش می‌رود و با ورود به مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی با سپردن میدان به نسل جوان وارد فرآیند بزرگ و جهانی چهل سال دوم می‌شود.

مهمترین ظرفیت: نیروهای انسانی با تحصیلات عالی به ویژه انبوه جوانان با روحیه انقلابی و آماده جهاد. علاوه بر این مادر کنار ۷ درصد ذخایر معدنی جهان موقعیت جغرافیایی استثنایی، سواحل طولانی، زمین‌های حاصلخیز، اقتصاد بزرگ و متنوع و... راهم در اختیار داریم.

مهمترین فرصت: اکنون قانون اصلی دشمن با مشکلاتی که خبر از احتضار می دهند دست و پنجه نرم می کند و در مقابل، ایران برای ادامه راه بیشترین ظرفیت های استفاده نشده جهان را دارد.

مهم ترین آسیب: ریشه آسیب های کشور بی توجهی ما به شعارهای انقلاب است.

مهمترین تهدید: ابزارهای رسانه ای پیشرفته و فراگیر امکان خطرناکی را در اختیار قانون های ضد معنویت و اخلاق نهاده است.

قلب دکترین و اصول و قواعد راهبردی: دفاع ابدی از نظریه نظام انقلابی با اصول غیر قابل تجدید نظر و فروع دائماً نوشونده

محور اصلی دکترین عملیاتی: نگاه انقلابی، روحیه انقلابی و عمل جهادی نخستین و ریشه ای ترین تکلیف: شما جوانان باید پیشگام در شکستن محاصره تبلیغاتی باشید، در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیادی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه ای ترین جهاد شماست.

تکلیف دائمی: جوانان، شانه های خود را زیر با مسئولیت بدهید. از تجربه ها و عبرت های گذشته بهره گیرید. کار آزموده و پیرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید. با جهاد علمی به قله های دانش دست یابید. با جهاد معنوی با کمک دولت اخلاق را در جامعه رشد دهید. با اقتصاد مقاومتی راه نفوذ و سلطه دشمن را سد کنید. با هدف برقراری عدالت و مبارزه با فساد زمام اداره ی بخش های گوناگون به جوانان مومن و انقلاب سپرده شود. از استقلال و آزادی حراست و با مرزبندی با دشمن عزت ملی حفظ شود و جهاد همه جانبه ای برای جلوگیری از نفوذ سبک زندگی غربی به راه اندازید تا انقلاب را هر چه بیشتر به آرمانش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و طلوع خورشید ولایت عظمی است نزدیک کنید.

(الف) ترسیم وضعیت و سلاح اصلی میدان نبرد (رسانه)

- مقدمه؛ ترسیم نقشه عملیات روانی و رسانه ای دشمن

بررسی شیوه ها و روش های عملیات روانی دشمن (عملیات روانی رسانه ای) در سال های اخیر نشان می دهد الگوی عملیات روانی ای که دشمنان

به ویژه آمریکا در حال حاضر علیه جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته است مبتنی بر «تصویرسازی غلط و منفی» از جمهوری اسلامی برای مردم ایران و برای دیگران است. از طرفی در ذیل این الگوی محوری، تصویرسازی مثبت از آمریکا و غرب (دشمن) برای مردم ایران هم رخ می دهد.

رهبر معظم انقلاب در همین رابطه می فرمایند:

«یک نقطه‌ی دیگر از عرصه‌های درگیری، فهم درست واقعیت‌های ایران و جهان است. اینکه شما فهم درستی از واقعیت‌های کشورتان داشته باشید، به ضرر آنها است؛ با این مخالفند، با این مبارزه میکنند؛ با چه ابزاری؟ با ابزار بسیار خطرناک رسانه، بخصوص رسانه‌هایی که امروز نوپدید است. با تصویرسازی غلط سعی میکنند افکار ملت ایران را منحرف کنند؛ هم تصویر غلط درباره‌ی ایران، هم تصویر غلط درباره‌ی خودشان، هم تصویر غلط درباره‌ی اوضاع منطقه.» (همایش ۱۰۰ هزار نفری بسیجیان در ورزشگاه آزادی - ۹۷/۰۷/۱۲)

«یک مسئله‌ی تصویرسازی دشمن هم هست؛ الان یک جنگ تبلیغاتی و رسانه‌ای بسیار تندی علیه ما وجود دارد، درست مثل جنگ تحمیلی... الان امکانات تبلیغاتی و رسانه‌ای ما در مقابل دشمن، مثل امکانات آن روز ما است در مقابل دشمن؛ البته آن روز ما غلبه کردیم بر دشمن، امروز هم غلبه خواهیم کرد؛ بدون تردید غلبه خواهیم کرد، اما وضع این است. با آن امکانات وسیع، مهم‌ترین کاری که دشمن می خواهد بکند تصویرسازی غلط از وضع کشور است؛ نه فقط برای اغوای افکار عمومی دنیا بلکه حتی برای اغوای افکار عمومی داخل خود کشور؛ حتی داخل خود کشور! یعنی حرف میزنند برای اینکه بنده و جناب عالی که خودمان در این فضا داریم تنفس می کنیم، چیز دیگری فرض کنیم غیر از آن واقعیتی که وجود دارد.» (دیدار نخبگان و استعدادهای برتر علمی - ۹۷/۰۷/۲۵)

«امروز نقشه‌ی دشمن این سه چیز است: فشار اقتصادی، فشار روانی، و فشار عملی؛ هدف هر سه نوع فشارهای دشمن هم سیطره‌ی بر کشور عزیز ما ایران است، همچنان که بر بعضی از کشورهای بدبخت روسیه منطقه سیطره و تسلط دارد... فشار روانی خیلی نکته‌ی حائز توجه و مهمی است. نقاط قوت جمهوری اسلامی را، نقاط قوتی که برای کشور و برای ملت ما به‌ی‌اقتدار و مایه‌ی تقویت است نشان کرده‌اند و آنها را در تبلیغات و در برخوردها به عنوان نقاط چالش آفرین معرفی می کنند؛ برای اینکه ملت ایران را نسبت

به آنها دلسرد کنند» (بیانات در مرقد مطهر امام خمینی - ۱۴/۳/۹۷)
بنابراین با مبنا قرار دادن سخنان رهبر انقلاب به ویژه طی یکسال اخیر،
می توان:

اول؛ نقشه عملیات روانی دشمن را اینگونه تشریح کرد:

الگوی اصلی: تصویرسازی غلط

الف. تصویر منفی از ایران در ذهن: ۱- مردم و مسئولین ایران ۲- مردم دنیا و منطقه

ب. تصویر مثبت از آمریکا و غرب در ذهن مردم و مسئولین ایران
اهداف:

کوتاه مدت: ناکارآمد نشان دادن نظام جمهوری اسلامی (هم برای مردم ایران هم برای مردم دنیا و منطقه)

میان مدت: ایجاد ناامیدی و بی اعتمادی در مردم نسبت به انقلاب (در داخل)؛

مخدوش کردن الگوی حکومت اسلامی در نگاه مردم دنیا

بلند مدت: اجبار نظام جمهوری اسلامی ایران به تغییر رفتار هم در داخل هم در منطقه و جهان

محورها:

۱- نقطه ضعف نشان دادن نقاط قوت جمهوری اسلامی

الف - ثبات سیاسی و استحکام ساختاری: ثبات سیاسی را بن بست و نشانه دیکتاتوری، خمودی و عدم تحول و پویایی نشان می دهد

ب- مردم سالاری: زیرسوال بردن انتخاباتها، ادعای تقلب و مهندسی شدن، برجسته سازی عدم مشارکت ها

ج- امنیت: با بزرگنمایی حوادث و اتفاقات هر چند ناگوار، القاء حس ناامنی و نبود امنیت می کند / در دوگانه سازیهای طنز و جدی از وضعیت اقتصادی با

امنیت کشور، داشتن امنیت را کوچک شمرده و تمسخر می کند

د- وحدت ملی و مذهبی: برجسته سازی اختلافات قومیتی و مذهبی، دوقطبی سازی،

ه- پیشرفتهای علمی و صنعتی: هسته ای (برجام و ایجاد دوگانه هسته ای - معیشت)، مانور روی فرار مغزها و برجسته سازی نخبگان خارج نشین،

و- توان دفاعی و نظامی: توان موشکی (برجام ۲ و ۳ و ایجاد دو گانه موشک - معیشت)
ز- عدالت خواهی بین المللی جمهوری اسلامی: حمایت ایران از تروریسم (برای دنیا)،
ایجاد دوگانه منطقه - معیشت (داخل)، شعار نه غزه نه لبنان... (داخل)، پرونده سازی
بین المللی علیه ایران به اتهام تروریسم (میکونوس، آرژانتین، دانمارک و...)، قرار
دادن ایران در لیست کشورهای مخاطره آمیز FATF (برای دنیا)، ارتباط دادن FATF با
مشکلات اقتصادی و تحریمها (داخل)،

ح- پایبندی نظام به مبانی و آرمانهای انقلاب: هزینه زاو مانع پیشرفت معرفی کردن
آرمانهایی مانند استکبارستیزی، تضعیف شعار مرگ بر آمریکا،

ط- آزادی های اجتماعی و سیاسی: تاکید بر مساله حقوق بشر (زنان، همجنس بازی،
مهاجرین، اعدام ها، اقلیت های قومی و مذهبی، زندانیان سیاسی، بهائیان و...)،
برجسته سازی برخورد با بدپوششی، مظلوم نمایی درباره جاسوسها و مجرمان امنیتی
ی- نهادها و چهره های موفق حامی نظام (شورای نگهبان، سپاه، بسیج، روحانیت،
آیت الله جنتی، آیت الله مصباح، رحیم پور و...)، خبرسازی، برجسته سازی عناصر
پشیمان، اتهامات مالی، ارائه تصویر خشن، بی نظم و بی تدبیر از بسیجی، ترور
شخصیت برخی چهره های انقلابی موثر،

ک- دینداری جوانان و پایبندی مردم به ارزشهای اسلامی و انقلابی: بزرگنمایی موارد
فساد اخلاقی، بایکوت خبرهای خوب دینی مانند پیاده روی اربعین، کوچ شمردن
نقش مراسمات آئینی و شعائر دینداری، ارائه مداوم آمار طلاق، خشونت، درگیریهای
اجتماعی، اعتیاد و....

۲- برجسته سازی و تعلیل غیرواقعی نقاط ضعف در فضای مجازی

الف- مشکلات اقتصادی و معیشتی: برجسته سازی نقاط منفی گزارشات نهادهای
بین المللی درباره اقتصاد ایران و عدم پوشش نقاط مثبت

ب- فسادهای موردی اقتصادی، اداری و...

ج- برخی تبعیض ها و بی عدالتی ها

د- آسیب های اجتماعی: آمار غلط درباره آسیب های اجتماعی، ربط دادن انواع
آسیب ها به دین داری و حکومت دینی،

ه- مشکلات و مفاسد اخلاقی

و- ناکارآمدی های اداری و بروکراتیک

۳- نقطه قوت نشان دادن نقاط ضعف دشمن و دیگران

الف- انصراف ذهن مردم ایران از دشمنی دشمن: توهم دانستن توطئه‌های دشمن، غفلت از عوامل خارجی مشکلات و تاکید صرف بر ناکارآمدی‌های داخلی

ب- کارآمد نشان دادن کشورهای همراستا با آمریکا: ارتباط دادن پیشرفت‌ها به ارتباط با آمریکا و عدم استکبارستیزی (ژاپن و کره و ...)

ج- بزرگ دوره پهلوی

با این اوصافی که از وضعیت نقشه عملیات روانی و رسانه‌ای دشمن ترسیم شد، راه کار چیست؟

شکستن محاصره تبلیغاتی دشمن؛ نخستین وریشه‌ای‌ترین تکلیف و جهاد

امروز ما

برای شکستن این محاصره تبلیغاتی:

اولاً: باید بدانیم ابعاد محاصره تبلیغاتی دشمن و شگردهای آن چیست؟

(رسواسازی رسانه‌های معاند با بیان مصادیق شگردهای شیطانی برای تصویرسازی غلط)

۱) دروغ‌های بزرگ

مثلاً:

- ادعای تقلب در انتخابات ۸۸
- ورزشکار و بیگناه بودن قاتلان و اشرار/ ماجرای نوید افکاری
- شکنجه متهمان امنیتی
- حضور مدافعان حرم در سوریه در ازای دریافت مبالغ کلان
- سهامداری فرزندان رهبری در موسسات بزرگ اقتصادی
- آمارسازی‌های دروغین در مورد مسائل اجتماعی کشور
- و.....

۲) تصویرسازی‌های غلط از شخصیت‌ها و ترور شخصیت‌های ارزشمند و موثر

- تخریب چهره‌های برجسته (آیت‌الله مصباح، آیت‌الله جنتی و ...) برجسته کردن و خارج کردن آنها از حوزه مرجعیت افکار عمومی
- شخصیت‌سازی از افراد بی‌اصالت و اراذل و اوباش و مرجع‌سازی از عناصر

- ناپاک با و ضریب دادن به اخبار آنها در رسانه های بزرگ
- فالوور سازی و بالا نشان دادن فالوورهای لاته های اینستاگرامی شده و هنرمندان فاسد و افراد بی مقداری هیچ جایگاهی در مردم ندارند و منزوی جلوه دادن اشخاص موثر و فعال اجتماعی
- تحریف دائمی تمامی سخنان مهم و جریان ساز شخصیت هایی که مقابل دشمن سرسختانه ایستاده اند و جنجال رسانه ای علیه مواضع تحریف شده و غیر قابل دفاع منتشر شده

۳) بزرگنمایی ضعف های کوچک یا حتی ساختگی ما و کوچک نمایی یا تغافل نسبت به ضعف های بزرگ خودشان و موفقیت های ما

- مقایسه برخورد رسانه های غرب با آتش سوزی پلاسکو با برج گرنفل لندن و جنگل های کالیفرنیا
- مقایسه بازتاب رسانه ای رفتار مردم ایران در عزاداری محرم در شرایط کرونایی با رفتار اروپایی ها در کنسرت ها و اماکن گردشگری
- مقایسه نحوه بازتاب خبری برخوردهای خشن پلیس آمریکا با معترضان و برخوردهای ناجا با اوپاش و ازادل
- مقایسه برخورد رسانه های غرب با مفاسد اقتصادی رئیس بانک ملی ایران با رئیس جمهور کره جنوبی، نخست وزیر ژاپن و ...
- جنجال بر سر تجمعات چند ده نفره اعتراضی و عدم پوشش تظاهرات و تجمعات ده ها میلیونی سراسری
- سانسور بزرگترین اخبار بین المللی مانند راهپیمایی اربعین و پرداختن دامنه دارو به یک دعوی کوچک بین ایرانی و عراقی
- عدم انعکاس پیشرفت های خیره کننده علم و فناوری در کشور و برجسته کردن مهاجرت تعدادی از فارغ التحصیلان و اطلاق فرار نخبگان
- عدم انعکاس امواج عظیم گرایش جوانان و نسل های جدید ایرانی به دین و برنامه های معنوی محرم و رمضان و اعتکافها و راهیان نور و صف بلند داوطلبان دفاع از حرم و ... کوچک شماری این واقعیت ها از سویی و دامن زدن به هراخبار بد در مورد ناهنجاری های اخلاقی بعضی جوانان و تعمیم آن به کل نسل جدید از سوی دیگر برای اثبات ادعای مخالفت نسل نو با ارزشهای انقلاب اسلامی

۴) ضریب دادن به اخبار گزینشی

- انتشار گسترده همزمان پیام های گزینشی در همه شبکه ها و رسانه ها و بایکوت گزینشی

۵) صحنه سازی

- نسبت دادن قتل‌های زنجیره‌ای عوامل نفوذی به نظام
- ماجرای قتل ندا آقا سلطان
- برخوردهای ساختگی تند و بی منطق و حساب و کتاب بایی حجاب ها و انتشار فیلم آن
- پیام گذاری ها و صفحه سازی های غیرمنطقی به ظاهر در دفاع از انقلاب و اسلام و پروفایل سازی های جعلی
- دام گذاری و فریب دادن شخصیت های خودی برای بازی در زمین دشمن
- کشته سازی های مکرر از افرادی که بعداً ثابت شد زنده اند
- انتشار عکس و فیلم مونتاژ شده
- صدا گذاری غیر واقعی روی یک فیلم واقعی
- مونتاژ سخنرانی های متفرقه و تولید سند ساختگی صوتی انتشار تحت عنوان دسترسی به جلسات سری
- انتشار فیلم‌های قدیمی یا مربوط به یک کشور و مکان دیگر به عنوان اتفاق جدید در یک منطقه از کشور

۶) تفرقه افکنی های مذهبی و قومی و سیاسی

- ایجاد رسانه های متناقض و درگیر که هر کدام به ظاهر طرفدار افراطی یک جریان مذهبی یا قومی هستند و فحاشی و هتاکی این رسانه ها به هم به طوری که ظاهراً به نیابت از آن دو قوم یا مذهب جلوه کند برای دو بهم زنی و ایجاد جنگ فرقه ای و مذهبی فحاشی تلویزیون ماهواره ای سینه چاک شیعه و توهین کننده به مقدسات اهل سنت و فحاشی تلویزیون ماهواره ای سینه چاک اهل سنت و توهین کننده به مبانی و شخصیت ها مقدس برای شیعه که هر دو از یک اداره در انتلجنت سرویس بود چه می گیرند و هر دو از یک خیابان در لندن روی آنتن می روند. رسانه های نژاد پرست آریایی که جمهوری اسلامی را بخاطر پیروی از پیامبر عرب پرست

معرفی می‌کنند و رسانه‌های نژاد پرست عربی که جمهوری اسلامی را نژاد پرست فارس و ضد عرب می‌خوانند و هر دو از یک واحد سیا در لس آنجلس پول می‌گیرند استفاده از یک تعبیر و عبارت کوتاه در یک فیلم یا سریال و نوشته‌ای در یک روزنامه که بخاطر بی‌دقتی و یا حتی بدون هیچ سوء نیت و امکان پذیرش آن در صورت عدم سوء برداشت وجود دارد و تبدیل آن به یک فتنه قومی یا مذهبی

- دروغ سازی از زبان مسؤلان علیه قومیتها

- دوگانه سازی افراطی معتدل، انقلابی عقل گرا و

۷) شرطی سازی از طریق حرکت همزمان جنگ رسانه‌ای و کار میدانی عوامل نفوذی در دولت و بازار

- شرطی کردن اقتصاد و مردم به نتایج انتخابات آمریکا

- به ارتباط با آمریکا

- به سیاست خارجی

- به تصویب لوایح مرتبط با اف ای تی اف و

۸) انگ زنی ها و نامگذاری های معکوس

- تند رو خواندن افراد قاطع

- متحجر خواندن افراد پایبند به ارزشها

- کاسب تحریم خواندن کسانی که می‌گویند تهدید تحریم را به فرصت برای شکوفایی

تبدیل کنیم مانند امامین انقلاب تروریست خواندن سپاه و حزب الله لبنان و

حماس آزادی بخش خواندن منافقین و بیکار جو نامیدن داعش

- روزنامه نگار خواندن، ورزشکار نامیدن و یا فعال محیط زیست خواندن جواسیس

و قاتلان و آشرا ر

- کولبر خواندن قاچاقچی های اسلحه و مشروب

۹) تحریف

- تحریف وقایع تاریخی صدر اسلام و صدر انقلاب / تحریف جنایات منافقین و ماجرای

اعدام های سال ۶۷ / صلح امام حسن / واقعه عاشورا و ...

- تحریف سخنان مسئولین و خواص و بهره برداری از آن

- تحریف برخی حوادث مانند: قتل دختر جوان کرمانی به دست پدرش که با تحریف

ماجرای قتل ناخواسته به خاطر درگیر شدن را به مسائل ناموسی نسبت دادند

۱۰ شاخص سازی های غلط و قضاوت ایران بر اساس شاخص های نادرست

ظالمانه

- آزادی فساد جنسی، همجنسگرایی، روابط نامشروع، شرب خمر، استفاده از پوشش های ناهنجار و تن نمایی و برهنگی بجای آزادی بیان، نشر و انتقاد و... در تبلیغات آنان سنجه های شاخص آزادی محسوب می شود.

- سازش با زورگویان بین المللی، ظلم پذیری و پذیرش سلطه جهانی، عدم حمایت از مظلومان، بی تفاوتی در مقابل جنایات طواغیت، وادادگی دیپلماتیک، سکولاریزم و عدم پایبندی به ارزشها و فرامین دینی و... به عنوان سنجه های شاخص حقوق بشر هستند.

- حاکمیت سبک زندگی غربی، پذیرش لیبرالیسم و وادادگی فرهنگی، پیروی از فرهنگ غرب و بجای پیشرفت علمی و دستیابی و فناوری ها و شاخص پیشرفتی محسوب می شود.

- تاکید بر ارزش های دینی، قاطعیت در اعمال قانون، ایستادگی در مقابل شبکه های جاسوسی، برخورد با جرائم ضد امنیتی و مجرمان ضد امنیت ملی و سنجه های شاخص خشونت طلبی محسوب می شود.

۱۱) وارونه نمایی و تشبث به هر مشکل برای ناکارآمد جلوه دادن نظام

- سوء استفاده از حوادث طبیعی مثل سیل و زلزله و عصبانیت مردم آسیب دیده در شرایط دشوار روانی و بزرگنمایی مشکلات و نابسامانی هایی که بطور اجتناب ناپذیر در ساعات و روزهای اول این حوادث در همه جای جهان وجود دارد.

- سوء استفاده از کوچکترین انتقادی که دلسوزان نظام برای رفع نارسایی ها و بهبود وضعیت کشور می دهند و ارتباط دادن آن با اصل و مبانی نظام

- سوء استفاده از کوچکترین حادثه سوء و نسبت برقرار کردن بین هر حادثی مثل تصادف و آتش سوزی و... با اساس نظام و مربوط کردن آن به مبانی و ارزشهای اساسی کشور

- سوء استفاده از ناهنجاریهای اخلاقی و افزایش آمار طلاق و... که نتیجه مستقیم تاثیر پذیری جامعه از رسانه های مهاجم غربی است و نسبت دادن این نارسایی ها و ناهنجاری ها به حاکمیت دینی بین المللی کردن

خبر تجاوز به یک دختر بچه در یک نقطه دور دست

- بزرگ کردن رژیم پهلوی و مقایسه های غیر علمی و نامربوط وضع حال با تصویر دروغ
از وضعیت گذشته

۱۲) تولید انبوه صنعتی شبهات دینی و شبهه پراکنی های گسترده در همه چیز و با
استفاده از هر مناسبت و هر کلام شخصیت های دینی

ثانیا؛ راهبردها و راهکارهای شکستن محاصره تبلیغاتی چیست؟ (اصلی ترین اقدام
مدیریت بومی بر فناوری اطلاعات)

۱) تبار شناسی رسانه ها و ماهیت دست اندرکاران

۲) سپردن مدیریت فناوری به بیگانگان؛ بدتر از بردگی

۳) آثار اقتصادی سپردن مدیریت فناوری ارتباطات به بیگانه

عدم اشتغال هزاران فارغ التحصیل فناوری که در ۲۰۱۹ در مسابقات جهانی رتبه سوم
شده اند و بیکاری آنها / هزینه چند برابری ارتباط داخلی از طریق سرورهایی چند هزار
کیلومتر دورتر / از بین بردن توان رقابت تولیدات فناوری داخلی و جلوگیری از سودآور
شدن آنها / اطلاعات تجاری و ذائقه خرید ایران و ایرانیان در اختیار تولید کنندگان
کالاهای خارجی قرار میگیرد و تولید کنندگان داخلی از دور رقابت با آنها با شکست خارج
می شوند. نتیجه نهایی اقتصادی سپردن فضای مجازی به بیگانگان محروم سازی
ایران و ایرانی از پرسودترین صنعت و تجارت جهان و واریز کردن سالانه میلیارد ها دلار از
ثروت ایرانیان به جیب دشمنانشان

۴) تبعات سیاسی مدیریت بیگانگان بر فناوری اطلاعات کشور

دسترسی دشمنان به داده های انبوه (big data) از افکار و آراء ایرانیان و استفاده از آن
برای برآوردن جنگهای روانی و در دست گرفتن افکار عمومی / تسلط بیگانگان بر ذائقه
فرهنگی ایرانیان و در دست گرفتن مدیریت تولید و توزیع کالاهای فرهنگی و شکست
تولیدات فرهنگی داخلی با استفاده از دسترسی به این مزیت اطلاعاتی / تصمیم گیری
در این مورد که حرف چه شخص ایرانی در فضای مجازی شنیده شود و حرف چه کسی
شنیده نشود با بیگانگان خواهد بود این یعنی ذلت و تحقیر ایران و ایرانی / تصمیم گیری
در این مورد که چه زدن چه حرفی در فضای مجازی مجاز و چه حرفی غیر مجاز است با
بیگانگان خواهد بود این یعنی ذلت و تحقیر ایران و ایرانی

۵) آثار و تبعات علمی به تحریف کشیدن جستجوهای علمی به سمت و سوی خواسته های غلط بیگانگان با تولید انبوه دانشنامه های تحریفی و مدیریت بیگانگان بر موتورهای جستجو افزایش تصاعدی شکاف علمی ایرانیان در فناوری اطلاعات به جهت دسترسی بیگانگان به حجم انبوه میلیاردری اطلاعات انباشته و عدم دسترسی ما به این اطلاعات هر روز که در ملی کردن فناوری اطلاعات تعلل و تاخیر میکنیم دسترسی به آن مشکلات و مشکلات می شود / سرخوردگی مراکز پژوهشی و توقف تولید علم در این عرصه بواسطه عدم بهره گیری داخلی از این دانش و ریزه خواری فنی از دیگران / سرخوردگی مراکز علمی و آموزشی به جهت بیکار ماندن حجم انبوه فارغ التحصیلان تربیت شده این مراکز و اتغال آنها به مسافركشی و ساندویچ فروشی بخاطر وابستگی کامل ما به مصرف فناوری های وارداتی / باقی ماندن مشاغل فاخر و اساسی این حرفه در دست بیگانه باقی ماندن ایرانیان در حد اپراتور

۶) آثار و تبعات امنیتی برخلاف خط مشی بومی هراسی نفوذی های دشمن در دستگاهها و رسانه ها که مردم را از تبعات بهره گیری از شبکه های داخلی بخاطر کنترل شدن توسط دستگاههای اطلاعاتی می ترسانند هر آنچه در فضای مجازی منتشر می شود چه شبکه های پیام رسان بومی و چه پیام رسان های داخلی توسط دستگاه های اطلاعاتی داخلی و خارجی قابل رویت و رصد است تنها فرق این است که سازمان های اطلاعاتی داخلی برای دسترسی به اطلاعاتی که در شبکه های غیر ایرانی منتشر می شود باید هزینه های بیشتری بکنند ولی سازمانهای جاسوسی خارجی که خود مدیریت شبکه ها را در دسترس دارند مفت و مجانی به همه اطلاعات شخصی ما دسترسی دارند / عملاً کشور به ذلت کاپیتولاسیون تن داده است مدیران شبکه های اطلاع رسانی قادرند با ورود بدون قید و شرط به فضای ایران هر جرم و جنایتی را مرتکب شوند و از هرگونه تعقیب قانونی مصون باشند و مجرمان بیگانه در این عرصه عملاً از هرگونه تعقیب قضایی و حقوقی مصون هستند.

۷) آثار و تبعات فرهنگی و اخلاقی سپرون مدیریت بیگانگان بر فناوری اطلاعات و شبکه های ارتباطی و رسانه ای کشور

- آلوده سازی بصری اجباری در تمام شبکه های اجتماعی و مجازی به

تصاویر شهوت برانگیز که خواه ناخواه اثر خود را بر معنویت و پایبندی ما به شریعت می‌گذارد

- بروز ناهنجارهای اخلاقی در جامعه تحت تاثیر صحنه های شهوت برانگیز و خشونت زای رسانه های دشمن و ناامن شدن محیط زندگی
- ضرورت آگاه سازی جامعه نسبت به تبعات فرهنگی حضور در شبکه های اجتماعی تحت مدیریت بیگانه

ب) گزارش چالش چهار ساله میان حق و باطل (جنگ حق و باطل)

پیروزی ها و پیشروی های انقلاب اسلامی از تهران تا پشت دروازه های قدس و ظرفیت های عظیم جهانی که ایجاد شده شکست های بزرگ چهار ساله استکبار از سقوط شاه تا نبودی داعش

ج) تبیین وضعیت دشمن

- فروپاشی نظری و شکست کامل جنبه های تئوریک

۱. صد سال تناقض گویی و حاکمیت نظریه های انتقادی و رواج مخالفان اصول مبانی اندیشه فلسفی غرب
۲. توقف ۶۰ ساله ایده پردازی نوآورانه در اندیشه نظری غرب و ناتوانی در پاسخ به پدیده های جدید

۳. اعتراف به ناتوانی در تولید اندیشه جدید با طرح دموکراسی لیبرال پایان تاریخ

- فروپاشی عملی آمریکا و اروپا در ابعاد اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و وضعیت رو به احتضار غرب

- وضعیت اقتصادی آمریکا

۱. هزار میلیارد دلار کسر بودجه
۲. ۲۲ هزار میلیارد دلار بدهی خارجی که سالانه هزار میلیارد به آن افزوده می شود و بر اساس برآورد کاخ سفید در ۲۰۳۰ به ورشکستگی کامل اقتصاد آمریکا می انجامد
۳. تبدیل صنعتی ترین کشور جهان به خام فروش بزرگ نفت و لغو قانون منع صادرات نفت آمریکا از ۲۰۱۴
۴. تبدیل صنعتی ترین کشور جهان به بزرگ ترین خام فروش صادر کننده ذغال سنگ ظرف ۴ سال اخیر
۵. شکست کامل طرح جهانی سازی آمریکا و اعلام رسمی این شکست توسط رئیس

جمهور آمریکا نطق خود در اجلاس سپتامبر ۲۰۱۸ سران جهان در سازمان ملل

۶. مجبور شدن آمریکا به زیر پا گذاشتن کامل اصول اقتصاد لیبرال و وضع تعرفه به واردات از اروپا و چین و اعلام رسمی شکست کامل اقتصاد لیبرالی و ارتجاع به دوران اقتصاد مرکانتیلیسم

۷. مجبور شدن آمریکا به خروج از کلیه معاهدات بزرگ جهانی که رهبری اقتصادی آن کشور را تضمین می کرد لغو پیمان پاریس، لغو بازار آزاد پاسیفیک، ۴۵.۸ میلیون گرسنه در آمریکا،

۹. درخواست نمایندگان مجلس انگلیس از دولت برای نصب وزیر گرسنگی برای حل مشکل گرسنه بودن یک سوم دانش آموزان بحران برگزیت
۱۰. میلیونها کارتون خواب، چادر نشین، ماشین خواب آمریکا

- وضعیت اجتماعی

۱. فروپاشی ساختار خانواده در غرب و رشد منفی جمعیت نژاد اروپایی در تمام کشورهای اروپایی و آمریکا (نژاد اروپایی رو به انقراض است)

۲. آمار عدم ازدواج، آمار طلاقها و شکل گیری وزیر تنهایی در انگلیس
۳. بحران اساسی مهاجران و قرار گرفتن بر سر دوراهی مهاجر پذیری و یا تعطیلی روزافزون مراکز تولیدی و آموزشی و دعوای دیوار مکزیک

۴. قیام سراسری عدالتخواهانه ملت فرانسه شنبه های اعتراض جلیقه زردها
۵. تبعیض نژادی شدید در آمریکا

۶. رسوایی برملا شدن سانسور و عدم آزادی بیان حذف رسانه های انقلابی از ماهواره ها، ممنوعیت نقد صهیونیسم، برخوردهای خشن با معترضین، تبعیض مذهبی و مبارزه با حجاب

- وضعیت سیاسی

۱. شکست تمام طرحهای سیاسی آمریکا برای غرب آسیا در ۳۰ سال اخیر
۲. شکستهای گسترده آمریکا در امریکای لاتین حتی برابر کشورهای کوچک امریکای لاتین

۳. شکست کامل سیاستهای آمریکا در شرق آسیا و کوتاه آمدن حتی در مقابل کشور کوچک کره شمالی ابراز انزجار گسترده دولت های جهان از آمریکا

۴. آمریکا منفورترین کشور جهان و عدم امکان حضور رئیس جمهور آمریکا در هیچ اجتماع مردمی و حتی معابر پایتخت های جهان
- وضعیت نظامی

۱. شکست ۲۰ ساله ارتش آمریکا در حملات اخیر به کشورها
۲. تعیین ضرب الاجل های مکرر برای حمله به سوریه و کره شمالی و انصراف از آن در آخرین لحظات

۳. ارتش آمریکا ارتش ترسو و بشدت ناتوان یک ارتش تزئینی و نمایشی و نه یک ارتش واقعی

۴. ارتش آمریکا ارتش فاقد سرباز فداکار خروجی ۷۰ سال تربیت اومانیستی و تفکر اصالت لذت

۵. شکست ۷ باره رژیم صهیونیستی از مقاومت در حال محاصره غزه و رسیدن زمان تاب آوری در مقابل موشکهای مقاومت از ۳۳ روزه به ۴۸ ساعت

- راه طی شده و شکست خورده رفتن ندارد
دویست سال بلکه ۶۰۰ سال پیاده سازی لیبرالیسم و اومانیسم بدون هیچ مزاحم بلکه با غارت و هزینه کردن نتیجه اش شده این شکست تمام نظریه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی نظامی و... این راه رفتن دارد؟

د) تبیین وضعیت خودی

- پیشرفت ها و دستاوردهای چهل ساله ایران (محتوای کتاب گلستان انقلاب)
نه بصورت گزارش کار بلکه بصورت ذکر تجربه مگر نتوانستیم از فلان جا به اینجا برسیم؟ پس از این به بعد هم میتوانیم.

(۱) مقایسه با سایر انقلابها

(۲) در مقایسه با قبل از انقلاب و اوایل انقلاب

(۳) مقایسه با امروز دنیا

- مشکلات پیش رو آسیبها و چالشهای موجود انقلاب و کشور و ریشه های آن

(۱) مشکلات اقتصادی نتیجه لیبرالیسم افسار گسیخته و بی توجهی به اقتصاد مقاومتی /

(۲) مشکلات فرهنگی محصول دانشگاه های مبتنی بر علوم انسانی غربی دستهای باز

رسانه های غربی برای تاثیر گذاری برسبک زندگی ایرانیان

(۳) مشکلات سیاسی محصول وادادگی دیپلماتیک

- ظرفیتهای عظیم در اختیار انقلاب اسلامی و منطقی بودن امید به آینده

(۱) ظرفیتهای انسانی

(۲) ظرفیتهای معدنی

(۳) ظرفیتهای جغرافیایی

(۴) ظرفیتهای فکری و فرهنگی

- اثبات عدم وجود بن بست و بیان راه کارهای مهم

اقتصاد ساده ترین مشکل پیش روی انقلاب / قدرت فوق العاده فرهنگی

جمهوری اسلامی

- بیان نمونه های بزرگ موفق فردی، جمعی، سازمانی

(۱) نمونه های موفق دامداری و شیلات

(۲) نمونه های موفق کارگاههای کوچک صنایع تبدیلی

(۳) نمونه های موفق صنایع بزرگ

(۴) شرکتهای دانش بنیان

(۵) تحول آفرینی های فرهنگی

تحلیل و ارزیابی ۳۵

تکلیف و ادایا



رضا داوری

راهبرد مقابله و مهار جنگ اقتصادی دشمن
از نگاه رهبر معظم انقلاب

* در اندیشه بلند بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی و همچنین در نگاه رهبر معظم انقلاب، نقطه عزیمت هرگونه پیشرفت و بالندگی کشور در سایه انسجام ملی، استحکام ساختار درونی، عدم اعتماد به دشمن، باور به ما می‌توانیم، تقویت اعتماد به نفس ملی، میدان داری مدیران جهادی، عبور از دیوانسالاری فرسوده و بهره‌گیری هرچه بیشتر از ظرفیت‌های داخلی نهفته است.

* استحکام ساخت درونی نظام روی دیگر سکه کاهش اثر اقدامات دشمن است. آنچه که دشمن برای اثرگذار بودن اقدامات خود در قالب تحریم از آن استفاده می‌کند ضعف‌های ساختاری اقتصاد ایران است. با تمرکز بر آنهاست که آمریکا می‌تواند مشکلات زیادی برای ایران ایجاد کند. ضعف‌هایی مانند وابستگی اقتصاد ایران به پول نفت، عدم شفافیت اطلاعات در نظام اقتصادی، عدم رونق داشتن تولید ملی، وابستگی در تامین کالاهای اساسی به خارج و... تا زمانی که ایرادهای ساختاری اقتصاد ایران برطرف نشود، هرگونه مذاکره‌ای به معنای تسلیم در برابر دشمن و بیگانه خواهد بود.

* بر اساس منظومه فکری رهبر معظم انقلاب، پایه اصلی حرکت کشور به سوی وضع مطلوب و توفیق در حل مشکلات کشور بیش از آنکه مبتنی بر استفاده از ظرفیت‌ها و امکانات خارجی باشد، بر انسجام و استحکام درونی و تمرکز انرژی در داخل کشور بنا نهاده شده است و حتی از منظر، شرط توفیق در استفاده از امکانات و راهکارهای خارجی نیز به میزان انسجام و استحکام درونی کشور بستگی دارد.

* آمریکایی‌ها برای آن که بتوانند در «جنگ اقتصادی» دست برتر را به همراه داشته و سازوکارهای اجرایی آن را پیاده کنند، نیاز به يك «اتاق عملیات جنگ اقتصادی» داشتند. این اتاق جنگ، از سه نهاد وزارت خزانه داری آمریکا، وزارت خارجه و سازمان اطلاعات آمریکا (سیا) تشکیل شده است.

* راهبرد «دورزدن تحریم» و یا «برداشتن تحریم» چه از لحاظ نظری و چه از لحاظ عملی، نمی‌تواند راهبرد مناسبی برای میان مدت و بلندمدت اقتصاد

کشور باشد و منجر به مقاوم سازی اقتصاد شود. راهبرد اصلی برای مقابله با تحریم‌ها و مقاوم سازی اقتصاد در مواجهه با آن، «بی اثر کردن تحریم» است. راهبردی که منجر به افزایش هزینه تحریم دشمن و درعین حال، افزایش توان ضربه پذیری اقتصاد می شود. اگر نگرینم نگاهی به بیانات رهبر معظم انقلاب در ماه‌های اخیر داشته باشیم، بیت الغزل و روح حاکم بر فرمایشات ایشان را می توان در محورهای ذیل خلاصه و تحلیل کرد:

۱- اتحاد و انسجام ملی را حفظ کنید.

۲- در همه زمینه ها قوی شویم.

۳- به دشمن اعتماد نکنید.

۴- بیش از آنکه به فکر رفع تحریم از مسیر مذاکره باشید، به فکر خنثی کردن تحریم باشید.

۵- روی کار آمدن دولت جوان انقلابی کلید حل مشکلات کشور است.

در اندیشه بلند بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی و همچنین در نگاه رهبر معظم انقلاب، نقطه عزیمت هرگونه پیشرفت و بالندگی کشور در سایه انسجام ملی، استحکام ساختار درونی، عدم اعتماد به دشمن، باور به ما می توانیم، تقویت اعتماد به نفس ملی، میدان داری مدیران جهادی، عبور از دیوانسالاری فرسوده و بهره گیری هرچه بیشتر از ظرفیت های داخلی نهفته است.

تأکیدهای مکرر امام خامنه ای (مدظله العالی) در سالهای اخیر به ویژه پس از شدت گرفتن جنگ اقتصادی دشمن، بر مقوله اقتصاد مقاومتی و ابلاغ سیاستهای کلان کشور در این باره و نیز اصرار معظم له بر ضرورت تقویت ساختار درونی حاکمیت و تلاش برای بی اثر کردن تحریم ها، مؤید خردورزی و عقلانیت سیاسی و اقتصادی ایشان در تعیین راهبرد پیشرفت همه جانبه کشور در ابعاد مختلف، مبتنی بر اصول اساسی انقلاب، قانون اساسی و شرایط داخلی و اقدامات خصمانه جبهه بیرونی معاندان بر علیه نظام جمهوری اسلامی می باشد.

تصویری از فضای جنگ اقتصادی آمریکا علیه ایران

اگرچه به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، جنگ اقتصادی آمریکا علیه ایران سابقه ای ۴۰ ساله دارد، اما این جنگ ظالمانه در ۱۵ سال اخیر به اوج شدت و درگیری خود رسیده است. در واقع بیش از ۱۵ سال است که آمریکا طراحی های زیادی برای از پای درآوردن اقتصاد ایران انجام داده و در این مسیر، گام به گام طراحی های خود را اجرایی کند که

اوج این جنگ اقتصادی، تحریم‌های سال‌های پایانی دولت دهم (۱۳۸۹ به بعد) بود.

یکی از مصادیق این جنگ تمام‌عیار اقتصادی، در سال ۱۳۹۱ اتفاق افتاد که براساس آن آمریکا بانک مرکزی و نفت ایران را تحریم کرد. علاوه بر این، سایر طراحی‌ها نیز در همین راستا برای از کار انداختن سیستم مالی کشور در دهه‌های اخیر انجام شده است. لکن از زمانی که فهمید برخی دولتمردان در ایران، برای رفع مشکلات اقتصادی، نگاه به بیرون دارند، این فشارها را زیاد کرد، از سال ۹۶ تا کنون، سه سال بی‌سابقه در طول جنگ‌های اقتصادی آمریکا علیه کشورهای حریف است. به گونه‌ای که میزان تاب‌آوری ملت ایران، موجب شگفتی قدرت‌های بزرگ صنعتی و اقتصادی چون روسیه و چین و کشورهای اروپایی شده است.

آمریکایی‌ها برای آن که بتوانند در «جنگ اقتصادی» دست برتر را به همراه داشته و سازوکارهای اجرایی آن را پیاده کنند، نیاز به یک «اتاق عملیات جنگ اقتصادی» داشتند. این اتاق جنگ، از سه نهاد مهم تشکیل شده است.

اولین نهاد که مهم‌ترین آن هست و نقش فرماندهی در جنگ اقتصادی را ایفا می‌کند، «وزارت خزانه داری آمریکا» است. مأموریت اصلی این بخش، شکل‌دهی ساختار تحریم‌های بانکی و غیربانکی، حفظ ساختار مذکور، اعمال تحریم‌های اقتصادی و در نهایت تنبیه افراد و نهادهایی است که از این تحریم‌ها تخلف می‌کنند. هدف اصلی وزارت خزانه‌داری، ایجاد فضای ناامن اقتصادی برای افراد و نهادهای هدف است. همان‌طور که دیوید کوهن (یکی از مؤثرترین چهره‌های وزارت خزانه‌داری در زمان او) با ما که معمار اصلی تحریم‌های ایران است) گفته است: «ما فضا را برای بازیگران نامشروع (دولت‌ها، تروریست‌ها یا مجرمان) بسیار سخت کرده‌ایم که خودشان را در اقتصاد مشروع پنهان کنند. این دلیلی است که شفافیت مالی (ساخت، حفاظت و تقویت آن) هسته‌ی اصلی مأموریت وزارت خزانه‌داری است.»

دومین نهاد فعال، در این جنگ اقتصادی، «وزارت خارجه‌ی آمریکا» است. مأموریت اصلی این نهاد همراه کردن بازیگران مهم خارجی در اعمال تحریم‌ها علیه ایران است. مسؤلان وزارت خزانه‌داری از اصطلاح «دیپلماسی مالی»

برای تبیین این وضعیت استفاده کردند؛ چرا که بخشی از اقدامات وزارت خزانه داری و وزارت خارجه ی آمریکا سفر به کشورهای مختلف طرف تجاری ایران و توجیه آن ها برای همراه شدن در اعمال تحریم ها بوده و هست. برای مشخص شدن ابعاد این موضوع، خوب است به گزارش بازوی نظارتی کنگره ی آمریکا اشاره کرد. این گزارش که در سال ۲۰۱۳ تهیه شده است، بیان می کند که وزارت خزانه داری با همکاری وزارت خارجه ی آمریکا در مدت دو سال، ۱۴۵ مؤسسه ی مالی راد رشتت کشور جهان درباره ی تحریم ایران توجیه کردند و به طور ویژه به کشورهایی مانند امارات متحده ی عربی، که نقش مهمی در تعاملات اقتصادی ایران دارد، سفر کرده و نظام مالی آن را برای اجرای تحریم ها توجیه کرده است.

سومین نهاد فعال در جنگ اقتصادی علیه ایران، سازمان اطلاعات آمریکا (سیا) است. این نهاد تمرکز اصلی اش بر کشف روش های پیچیده ی دورزدن تحریم است. اطلاعاتی که از طرق جاسوسی و امنیتی به دست می آید، در اختیار وزارت خزانه داری قرار می گیرد تا توسط آن بررسی شود و برخوردهای لازم صورت گیرد.

جنگ اقتصادی در نگاه و کلام امام خامنه ای

رهبر حکیم انقلاب اسلامی، اولین بار، سیزده سال پیش (سال ۸۶)، عبارت «جنگ اقتصادی» را مطرح کردند. ایشان در ابتدای آن سال با اشاره به برنامه های دشمن برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی ایران عنوان کردند: «من برنامه های استکبار جهانی علیه ملت ایران را در سه جمله خلاصه می کنم: اول، جنگ روانی؛ دوم، جنگ اقتصادی و سوم، مقابله با پیشرفت و اقتدار علمی.» (۱/۰۱/۱۳۸۶)

چهار سال بعد، در سال ۱۳۹۰ نیز در این باره چنین فرمودند: «همه ی شواهد نشان دهنده ی این است که دشمن، امروز بر روی چند نقطه، تکیه ی اساسی دارد. از واضح ترین های آن انسان شروع کند، یکی مسأله ی اقتصاد است... به زانو درآوردن کشور از لحاظ اقتصاد، عقب راندن و پس راندن کشور در زمینه ی اقتصاد که منتهی بشود به فلج پایه های اقتصادی.» (۸/۰۳/۱۳۹۰)

دو سال بعد از آن نیز، «سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی» را با هدف جلوگیری از حملات اقتصادی دشمن، به دستگاه های دولتی ابلاغ فرمودند. بعدها پیشنهاد تأسیس ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی در دولت، به منظور اجرایی شدن سازوکارهای آن را نیز مطرح کردند و در سال گذشته نیز تشکیل شورای هماهنگی سران قوا را مطرح

کرده و مطالبه کردند.

در این میان رساترین تعبیر را از ایشان در فراز زیر می خوانیم: دشمنان ما فهمیده اند و دانسته اند که در جنگ سخت نظامی، طرفی نخواهند بست... این را می دانند که اگر وارد درگیری و برخورد سخت اقتصادی با ما بشوند، پایشان گیر می افتد. بله، به ما ضربه می زند، اما خودشان ممکن است چند برابر ضربه بخورند؛ این را فهمیده اند... امروز آنچه مطرح است برای دشمنان ما، «جنگ اقتصادی» است. اتاق جنگ آمریکا، علیه ما عبارت است از وزارت خزانه داری آمریکا که همان وزارت اقتصاد و دارایی شان است؛ آن جا اتاق جنگ با ما است؟ (۹۷/۲/۱۰)

این همه تأکید رهبر انقلاب اسلامی بر وجود جنگ اقتصادی، حکایت از این دارد که استکبار در این عرصه با تمام قوا به میدان آمده است و آرایش جنگی گرفته است.

چرایی جنگ اقتصادی بر علیه ایران

در باره چرایی جنگ اقتصادی بر علیه ایران، تحلیل های زیادی گفته شده است. اما تحلیل رهبر انقلاب اسلامی در این باره از همه گویاتر است: «امروز نقشه ی دشمن این سه چیز است: فشار اقتصادی، فشار روانی، و فشار عملی؛ هدف هر سه نوع فشارهای دشمن هم سیطره ی بر کشور عزیز ما ایران است. فشار اقتصادی، تحریم است. مسأله ی آن ها از فشار اقتصادی و تحریم، صرفاً زیر فشار قرار دادن دستگاه دولت و حکومت نیست؛ می خواهند ملت ایران را به ستوه بیاورند به خیال خودشان؛ می گویند ملت ایران را به ستوه بیاوریم تا نظام اسلامی ناچار بشود تسلیم زورگویی های ما بشود. در [فشار روانی] نقاط قوتی که برای کشور و برای ملت مایه ی اقتدار و مایه ی تقویت است نشان کرده اند و آن ها را در تبلیغات و در برخوردها به عنوان نقاط چالش آفرین معرفی می کنند. فشار عملی شان عبارت است از این که در کشور آشوب ایجاد کنند.»

۱۳۹۷/۰۳/۱۴

«در جنگ اقتصادی هدف آمریکا ایجاد نارضایتی است؛ هدفشان این است؛ می خواهند نارضایتی ایجاد کنند بلکه بتوانند این نارضایتی را به اغتشاش داخلی تبدیل کنند.» ۱۳۹۷/۰۵/۲۲

... «من يك خبری را به شما بگویم - این تحلیل نیست، خیراست - قضایای دی ماه [سال ۹۶] که یادتان هست... چند روز در چند شهر يك عده‌ای آمدند و شعار دادند و کارهایی مانند این‌ها کردند. دولت آمریکا به همراهی صهیونیست‌ها، به همراهی سعودی‌ها، سه سال یا چهار سال کار کرده بودند برای این‌که این قضایا را به وجود بیاورند؛ چقدر خرج کردند خدای می‌داند! سه سال، چهار سال کار کردند برای این‌که بتوانند چند روز در چند شهر کشور، دویست نفر، پانصد نفر، هزار نفر آدم را جمع کنند که يك شعاری بدهند... چند سال زحمت کشیدن آن‌ها را برای ایجاد آن حادثه، ملت ایران در ظرف چند روز از بین برد. بعد آن‌ها گفتند که خب، این فلان عیب‌ها را داشت، این عیب‌ها را برطرف کنیم، سال آینده - یعنی سال ۹۷ - دوباره همان حوادث را راه بیندازیم. رئیس‌جمهور آمریکا گفت شش ماه دیگر شما خبرهای مهمی از ایران خواهید شنید؛ آن شش ماه دیگر، همین مرداد [سال ۹۷] بود.» ۱۳۹۷/۰۵/۲۲

از بیانات فوق و دیگر سخنان روشن‌گرانه‌ی امام‌خامنه‌ای در تبیین جنگ اقتصادی، می‌توان گفت: هدف آمریکا، در تقابل با ایران انقلابی، دارای سه بخش اهداف کوتاه‌مدت، اهداف میان‌مدت و اهداف بلندمدت است:

اول - اهداف کوتاه‌مدت - در این تقابل، اهداف اولیه عمدتاً اقتصادی است و براساس آن آمریکا در پی فلج‌کردن پایه‌های اقتصادی کشور است تا اقتصاد ایران، دچار مشکلات جدی شود. به این جهت در وهله اول با ایجاد اختلال در سیستم اقتصادی کشور، قصد دارد معیشت مردم را دچار مشکل کند.

دوم - اهداف میانی این تقابل این است که قصد دارد با اختلال در سیستم اقتصادی کشور و ناکارآمد نشان دادن حاکمیت، بین مردم و مسؤولان فاصله ایجاد کند. به عبارت دیگر مردم را از نظام اسلامی ناامید کند.

سوم - اما، هدف بلندمدت آمریکا، موضوع تغییر رفتار نظام اسلامی در آن حوزه‌هایی است که با استکبار جهانی چالش دارد. به يك معنا قصد دارد با ایجاد اختلال در سیستم اقتصادی کشور، سپس ایجاد ناامیدی در مردم و ایجاد فاصله بین مردم و مسؤولان، نظام اسلامی را مجبور به تغییر رفتار خود کند.

دورزدن تحریم؛ برداشتن تحریم و یابی اثر کردن تحریم

در برابر این جنگ پرشدت اقتصادی و افزایش حجم تحریم‌ها چه باید کرد؟ برای مقابله با این تحریم‌ها و جلوگیری از اثرگذاری آن بر اقتصاد کشور، ۳ راهبرد وجود دارد. راهبرد

اول «دورزدن تحریم» است که توسط دولت دهم به کار گرفته شد؛ این راهبرد شاید در مدت کوتاهی توانست به کشور کمک کند، اما به دلیل ریسک بالای مسیره‌های غیررسمی و غیرمتعارف و امکان بالای فسادزایی آن، پس از مدتی ناکارآمد شد و اثرعکس گذاشت.

راهبرد دوم «برداشتن تحریم» است که توسط دولت‌های یازدهم و دوازدهم دنبال شد؛ اما از آنجا که کشورهای سلطه‌گر به هیچ وجه قادر به کوتاه آمدن در مقابل جمهوری اسلامی ایران نبوده و از اساس با این نظام و کشور مخالفند، این راهبرد نیز به جایی نرسید و پس از مدت‌ها تلاش برای مذاکره و تدوین نتایج آن در قالب قرارداد برجام، اصلی‌ترین کشور حاضر در قرارداد یعنی آمریکا آن را زیر پا گذاشت.

بنابراین نه «دورزدن تحریم» و نه «برداشتن تحریم» چه از لحاظ نظری و چه از لحاظ عملی، نمی‌تواند راهبرد مناسب برای میان مدت و بلندمدت اقتصاد کشور باشد و منجر به مقاوم‌سازی اقتصاد شود. راهبرد سوم و اصلی برای مقابله با تحریم‌ها و مقاوم‌سازی اقتصاد در مواجهه با آن، «بی‌اثر کردن تحریم» است. راهبردی که منجر به افزایش هزینه تحریم و در عین حال، افزایش توان ضربه‌پذیری اقتصاد می‌شود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رؤسای سه قوه و دیگر اعضای شورای عالی هماهنگی اقتصادی، به دو نگاه رایج در مدیریت کشور در مقابله با تحریم‌ها اشاره نموده و با اشاره به اینکه برای علاج تحریم‌ها دو مسیر «خنثی‌سازی تحریم‌ها و غلبه بر آنها» و «رفع تحریم» وجود دارد، فرمودند: البته ما مسیر رفع تحریم را یک بار امتحان و چند سال مذاکره کردیم اما به نتیجه‌ای نرسید.

معظم‌له همچنین با اشاره به مسیر غلبه بر تحریم‌ها و بی‌اثر کردن آنها گفتند: این مسیر ممکن است در ابتدای کار، سختی‌ها و مشکلاتی داشته باشد اما خوش‌عاقبت است. اگر با تلاش و ابتکار و با سینه سپر کردن در مقابل مشکلات، بتوانیم بر تحریم‌ها غلبه کنیم و طرف مقابل بی‌اثر شدن تحریم‌ها را ببیند، به تدریج دست از تحریم برخواهد داشت.

در رابطه با فرمایش مقام معظم رهبری یک تجربه واضح وجود دارد که به تبیین

نظر معظم له کمک می‌کند و آن بی‌اثر شدن تحریم بنزینی است. اولین قدم برای تحریم بنزین در سال ۲۰۰۹ و به بهانه وجود یک تاسیسات زیرزمینی غنی سازی برداشته شد. در شهریور ماه سال ۱۳۸۸ یک طرح قانونی در کنگره آمریکا مطرح شد که براساس آن هر کدام از شرکت‌های بین‌المللی که بیش از یک میلیون دلار به ایران فرآورده‌های نفتی بفروشند حق فروش نفت به آمریکا را نداشتند. این لایحه در مهر همان سال در سنای ایالات متحده تصویب و از سوی باراک اوباما امضا شد و در بودجه سال ۲۰۱۰ وزارت انرژی آمریکا فرار گرفت.

واکنش ایران به این طرح آغاز یک طرح ضربتی تولید بنزین بود. متوقف کردن فروش بنزین در ایران ناممکن بود و مجالی برای مذاکره بر سر این تحریم وجود نداشت. به این ترتیب در کمتر از ۹ ماه روشن شد که طرح تحریم فروش بنزین ایران شکست خورده و دیگر فایده‌ای ندارد.

جالب اینجاست که هنوز هم بندهای متعددی در قوانین تحریمی آمریکا به بحث تحریم بنزین اختصاص یافته است. به عنوان مثال در بخش تحریم‌های نفتی مربوط به قانون «سیسادا» مصوب سال ۲۰۱۰ کنگره آمریکا تحریم اشخاصی که فرآورده‌های نفتی پالایش شده‌ای را برای ایران فراهم کرده یا به ایران بفروشد و یا کالاها، خدمات، تکنولوژی، اطلاعات یا حمایت‌هایی که می‌توانند به طور مستقیم و برجسته به افزایش توانایی ایران برای واردات فرآورده‌های نفتی پالایش شده کمک کنند، به ایران فروخته یا اجاره دهد، پیش بینی شده است. با این حال به دلیل بی‌فایده بودن این تحریم در بخش تعلیق تحریم‌ها در برجام نیز به آن اشاره‌ای نشده است.

این نمونه بیان‌گر آن است که وقتی با تکیه بر نیروهای داخلی زمینه تحریم از میان می‌رود، خود بخود آن تحریم نیز از گزینه‌های تصمیم‌گیری دشمن کنار گذاشته می‌شود. در مقابل، مذاکرات برجام نشان داد که تازمانی که زمینه‌های تحریم باقی است، طرف مقابل به این راحتی ابزار تحریم را کنار نمی‌گذارد و باز به بهانه‌ای آنها را احیا و حتی تشدید می‌کند. تحریم‌ها تا زمانی که وجودشان به کار آید، از میز کنار گذاشته نخواهند شد. اینکه تصور شود برای لغو تحریم‌ها فقط چند دستور اجرایی رئیس‌جمهور آمریکا کافی است، دست‌کم با واقعیات تاریخی اخیر همخوانی ندارد؛ تنها بی‌اثر کردن تحریم‌هاست که می‌تواند آن‌ها را از روی میز مذاکره کنار بگذارد.

براساس منظومه فکری رهبر معظم انقلاب، پایه اصلی حرکت کشور به سوی وضع مطلوب

و توفیق در حل مشکلات کشور بیش از آنکه مبتنی بر استفاده از ظرفیت ها و امکانات خارجی باشد، بر انسجام و استحکام درونی و تمرکز انرژی در داخل کشور بنا نهاده شده است و حتی از منظری، شرط توفیق در استفاده از امکانات و راهکارهای خارجی نیز به میزان انسجام و استحکام درونی کشور بستگی دارد.

دلایل پنج گانه در راهبرد «بی اثر کردن تحریم ها»

رهبر معظم انقلاب در دیدار ۲۶ آذر دست اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده آن شهید بزرگوار، درباره راهبرد بی اثر کردن تحریم با بیان این واقعیت که «رفع تحریم به دست دشمن است اما خنثی سازی آن به دست خودمان است، فرمودند: بنابراین باید بیش از آنکه به فکر رفع تحریم باشیم بر خنثی کردن آن تمرکز کنیم. البته نمی گوییم دنبال رفع تحریم نباشیم، چرا که اگر بتوان تحریم را رفع کرد، حتی یک ساعت هم نباید تأخیر کنیم، اگر چه اکنون چهار سال است که تأخیر شده و از سال ۹۵ که بنا بود همه تحریم ها یک باره برداشته شود، تا امروز نه تنها تحریم ها برداشته نشد بلکه زیادتر هم شد. اگر بتوان باروش درست، عاقلانه، ایرانی-اسلامی و عزتمندانه تحریم ها را برطرف کرد باید این کار را انجام داد اما تمرکز عمده باید بر خنثی سازی تحریم ها باشد که ابتکار آن به دست شما است.»

اما درباره اولویت راهبردی بی اثر کردن تحریم ها نسبت به برداشتن تحریم ها می توان به دلایل ذیل اشاره کرد:

۱- مسیر رفع تحریم امکان برگشت پذیری دارد اما مسیر خنثی سازی تحریم نتایج باثبات و پایداری خواهد داشت. به این معنا که چون در راهبرد رفع تحریم مشکلات و ضعف های کشور رفع نمی شود دشمن هر موقع با ایران دچار مشکل شود و یا بخواهد هر سیاستی را به ایران تحمیل کند دوباره به ابزار تحریم روی می آورد و تلاش می کند سخن خود را به کرسی بنشاند. اما در مسیر خنثی سازی اثرات تحریم، چون ضعف های کشور برطرف شده ابزار تحریم به کلی بی اثر شده و امکان گذاشتن آن روی میز و تهدید ایران با این ابزار وجود نخواهد داشت.

۲- در راهبرد رفع تحریم از تقویت اقتصاد داخلی غفلت می شود چرا که با مذاکره و دادن امتیازاتی بخشی از تحریم ها کمتر شده و دوباره کشور در مسیر

فروش نفت و استفاده از منابع آن برای هزینه های جاری قرار می گیرد و اقتصاد داخلی با همین ضعف ها دست به گریبان خواهد ماند و تلاشی برای رفع این مشکلات صورت نخواهد گرفت. اما راهبرد خنثی سازی تحریم نیازمند رفع مشکلات و ضعف های اقتصاد کشور است که این امر هر چند زمان بر خواهد بود و مشکلاتی را پیش پای مردم و مسئولان قرار خواهد داد اما در نتیجه باعث تقویت اقتصاد داخلی خواهد شد که اثرات آن در توسعه کشور و معیشت مردم خود را نشان خواهد داد.

۳- راهبرد رفع تحریم اقتصاد کشور و افکار عمومی را شرطی می کند. به این معنا که اقتصاد ایران و فعالان این حوزه همواره منتظر رفع تحریم و آغاز فعالیت های خود هستند و اثرگذاری اقتصاد ایران از تحولات بین المللی که قابل مدیریت توسط مسئولان ایران نیستند را بشدت افزایش می دهد که به هیچ وجه به صلاح اقتصاد ملی ایران نیست. در میان افکار عمومی هم همانند انتخابات اخیر آمریکا که مشاهده شد مردم منتظر تحولات خارجی برای بهبود وضعیت خود خواهند بود. نتیجه این راهبرد وابستگی اقتصاد و افکار عمومی به تحولات تحریم کنندگان ایران است. اما خنثی کردن اثرات تحریم باعث خواهد شد که اقتصاد ایران مشی ترسیم شده خود را طی کند و منتظر اتفاقات و انتخابات دیگر کشورها نماند. از سوی دیگر وابستگی صنایع تولیدی به واردات هم با توقیت اقتصاد ملی کاهش پیدا می کند.

۴- با راهبرد رفع تحریم جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام مستقل و دارای هویت اسلامی امکان اتخاذ سیاست های مدنظر و ادامه آن ها را نخواهد داشت چرا که در هر زمینه ای این سیاست ها با سیاست های آمریکا دچار مشکل شود آمریکا با تحریم مانع آن ها خواهد شد. اما اگر اثرات تحریم را خنثی کنیم دیگر چنین ابزاری در دست آمریکا وجود نخواهد داشت و جمهوری اسلامی ایران سیاست های خود در حوزه های مختلف را با قدرت و بودن موانع ادامه خواهد داد.

۵- انتها و حد یقف مسیر رفع تحریم مشخص نیست. به این معنا که اگر در یک مسئله خاص تن به امتیاز دهی و در نتیجه رفع تحریم دادیم در حوزه های دیگر آمریکا از همین ابزار استفاده نخواهد کرد. این مسیر استقلال کشور را مخدوش می کند و عملاً در هر زمینه ای باید نظر آمریکا و دشمنان کشور را مدنظر قرار دهیم. از طرف دیگر اثرات این راهبرد کوتاه مدت است و نتیجه پایداری در بر نخواهد داشت. همانطور که با مذاکرات هسته ای قدری از فشار تحریم ها کاسته شد و با حضور یک رئیس جمهور دیگر همه

تحریم‌ها با حجم بیشتر دوباره بر ملت ایران اعمال شد. راهبرد خنثی‌سازی تحریم برای همیشه مسئله‌ای به نام تحریم ایران را حل خواهد کرد. بنابراین عاقلانه است که مسئولان کشور به این سمت حرکت کنند.

استحکام بخشی؛ رمز مقابله با دشمنی‌ها

در اندیشه بلند بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی و همچنین در نگاه رهبر معظم انقلاب، نقطه عزیمت هر گونه پیشرفت و بالندگی کشور در سایه استحکام ساختار درونی، با تقویت اعتماد به نفس ملی و بهره‌گیری هر چه بیشتر از ظرفیت‌های داخلی نهفته است.

رهبر معظم انقلاب در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال ۹۲ و در تبیین استحکام بخشی می‌فرماید: «ما داریم با منطق پیش می‌رویم، با محاسبه‌ی علمی پیش می‌رویم؛ طرف مقابل ما دچار ضعف‌های روزافزون و تناقض‌های درونی است به خاطر غلط‌فاحش بودن ساخت درونی آن تمدن؛ آنها دارند عقب‌نشینی می‌کنند - البته لازم نیست به این عقب‌نشینی اعتراف کرده باشند یا به طور محسوس و واضحی در حرف‌های آنها دیده بشود - واقع قضیه این است، حقیقت قضیه این است. وقتی یک ملّتی با محاسبه‌ی درست، با پیدا کردن نقطه‌ی صحیح کار، کار را پیش می‌برد، قطعاً به نتایج مطلوب خواهد رسید. ما گفته‌ایم «ساخت درونی نظام» باید استحکام پیدا کند؛ ما گفته‌ایم «علم» بایستی رشد پیدا کند؛ ما گفته‌ایم «تولید داخلی» بایستی اساس کار باشد؛ ما گفته‌ایم «نگاه خوشبینانه به استعداد بومی کشور» بایستی جدی باشد، استعدادها پرورش پیدا کند؛ اینها پایه‌های اصلی کار است. وقتی کشوری با تکیه‌ی به استعدادهای درونی، با تکیه‌ی به ابتکار نیروی انسانی خود، با تکیه‌ی به علم و دانش خود، با تکیه‌ی به ایمان خود و با اتحاد حرکت میکند، قطعاً به نتایج مطلوب خواهد رسید. بنابراین ما تردیدی نداریم که آینده‌ی روشنی داریم؛ البته اینکه این آینده زود باشد یا دیر باشد، دست من و شما است. اگر خوب حرکت کنیم، آینده زودتر خواهد رسید؛ اگر چنانچه تنبلی و کوتاهی و خودخواهی و دنیاپرستی و دل‌دادن به این ظواهر، چشم ما را یک قدری پُر کند، ساقط کند ما را، در درون خودمان ریزش - چه ریزش شخصی در درون، چه ریزش اجتماعی - پیدا نکنیم، البته دیرتر به دست

خواهد آمد؛ اما بدون تردید به دست خواهد آمد و این به برکت مجاهدت‌ها و فداکاری‌ها است که بحمدالله در میدان فداکاری هم شماها فعال بودید، خوب بودید، حرکت درخشانی کردید، در آینده هم ان شاءالله همین جور خواهد بود.»

یکی از شعارهای امام مسئله‌ی خودباوری ملت بود؛ یعنی اینکه به مردم می‌گفت و تکرار می‌کرد که شما می‌توانید، شما قادرید؛ در علم، در صنعت، در کارهای اساسی، در اداره‌ی کشور، در مدیریت بخشهای مهم کشور، در اقتصاد و غیره، شما قادر هستید خودتان روی پای خودتان بایستید. اینها جذابیت‌های شخصیت امام بود که توانست جوانها را جذب کند. و جوان‌ها آمدند به نهضت امام بزرگوار پیوستند، انقلاب به پیروزی رسید.

رهبر معظم انقلاب در سخنرانی ۲۹ بهمن در بیان این نکته که برای حفظ انقلاب باید کشور را از افتادن در دام وابستگی به خارج بازداشت، چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ‌های دیگر، با ذکر مثالی از یک کشور خارجی که در اتکای به بیگانگان دچار معضلات اقتصادی بدتری شد، متذکر شدند که در برجام نیز اتکای به خارج برای کشور سودی نداشت: «یک مسئله‌ی مهمی که امروز مطرح است، مسئله‌ی اقتصاد است؛ ...

برای اصلاح اقتصاد کشور چه کار باید کرد؟ یک راه تکیه‌ی به مردم است... معنای اقتصاد مقاومتی، محصور شدن و زندانی شدن در داخل کشور نیست؛ نیایند بگویند که «ما می‌خواهیم با دنیا ارتباط داشته باشیم!»! خب، در اقتصاد مقاومتی ارتباط با دنیا وجود دارد؛ منتها گفته می‌شود که اعتماد بایستی به مردم باشد؛ اقتصاد درونزا و برونگرا.

جوشش حرکت اقتصادی از درون کشور است؛ استعداد‌های مردم، امکانات‌های مردم، سرمایه‌های مردم... حوادث عبرت‌انگیزی در این زمینه اتفاق افتاده است. در همین تهران، رئیس یکی از کشورهای معروف منطقه - که دیگر نمی‌خواهم اسم بیاورم؛ یکی از کشورهای بالنسبه پیشرفته‌ی آسیا که واقعاً پیشرفتهای اقتصادی خیلی خوبی داشت و رشد بالایی اقتصادی داشت - حدود دوازده سال، سیزده سال قبل از این، اینجا آمد و با بنده ملاقات کرد؛ آنوقتی بود که آن زلزله‌ی اقتصادی بزرگ در کشورهای شرق آسیا به وجود آمده بود؛ این (فرد) رئیس یکی از همان کشورها بود. آمد پهلوی من؛ وارد اتاقی که شد، جزو اولین کلماتش این بود که گفت «ما در یک شب گدا شدیم.» اقتصاد وقتی وابسته‌ی به سرمایه و اراده‌ی یک سرمایه‌دار یهودی و غربی و آمریکایی است، اینجوری می‌شود. یک کشور سرپای با نشاط اقتصادی و دارای رشد اقتصادی بالا، رئیسش به من می‌گوید که ما در یک شب گدا شدیم! اتکاء به خارج این است. ما خودمان اتکاء به

خارجیها را در قضیه‌ی برجام مشاهده کردیم؛ در قضیه‌ی مذاکرات هسته‌ای اعتماد کردیم به این‌ها و از اعتمادمان سودی نبردیم. خوشبختانه من می‌بینم مسؤولان کشور برخورد‌های خوبی دارند و من واقعاً باید تشکر کنم از وزیر خارجه‌مان؛ برخوردش با خبثات آمریکایی‌ها و با یکی به نعل یکی به میخ زدن اروپاییها، برخورد بسیار خوب و قاطعی بوده است؛ بعضی‌اش پخش شده و بعضی‌اش هم پخش نشده است که ما اطلاع داریم؛ برخورد خیلی قوی و خوبی کردند. بله، راه همین است؛ باید برخورد کنند؛ عزت ملی را باید نشان بدهند در ارتباطات خارجی. تکیه‌ی به بیگانه، خطرناک است؛ تکیه‌ی به بیگانه موجب می‌شود که بیگانه با انواع طرق بر سرنوشته کشور به تدریج مسلط بشود؛ تکیه نباید کرد به بیگانه. از بیگانه بهره باید برد، استفاده باید کرد، (ولی) تکیه‌ی به او نباید کرد، اعتماد به او نباید کرد. این از جمله‌ی مسائل بسیار مهمی است که حقیقتاً بایستی همه‌ی مسؤولین کشور به آن توجه داشته باشند.»

وظیفه جریان مؤمن انقلابی چیست؟

جریان مؤمن انقلابی، به عنوان جریانی که همواره در عرصه‌ها و صحنه‌های انقلابی پیشگام و پیشرو بوده و در قبال حوادث مختلف سینه سپر کرده است، اکنون نیز بیش از هر مجموعه و جریانی در قبال شرایط و وضعیت کشور دغدغه داشته و احساس تکلیف می‌کند؛ زیرا با توجه به شرایط عمومی کشور، فاصله‌ی واقعیت‌ها با بایدها زیاد بوده و جامعه اکنون با مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کند که از دیدگاه انقلابی، شایسته نیست. با این حال، این جریان همچون گذشته تلاش دارد تا با مجاهدت و تلاش بی‌وقفه، به اثبات هر چه بیشتر کارآمدی با اتکا به ظرفیت‌های داخلی و با نگاه جهادی و انقلابی کمک کند. در واقع، شاید بتوان گفت که مهم‌ترین رسالت این جریان، اعم از نخبگان، مسؤولان و بدنه‌ی اجتماعی انقلابی آن است که اثبات کنند مشکلات کشور با اتکا به درون و بدون سرخم کردن در مقابل استکبار قابل حل است و تنها با اعتماد به داخل می‌توان از پیچ تاریخی کنونی با موفقیت عبور کرد؛ زیرا چنانچه این گزاره به عنوان نسخه‌ای معتبر توسط جامعه پذیرفته نشود، نسخه‌های رقیب که عبارت‌اند از حل مشکلات با نگاه به بیرون و البته با پذیرش الزامات رفتاری متناسب با آن مانند عدول از استکبارستیزی و انقلابی‌گری و... یا

پذیرش دستور کاره‌ای خارجی و استعماری در کشور نضج پیدا می‌کند که در هر دو صورت، ماندگاری انقلاب اسلامی در معرض خطر جدی و نابودی قرار می‌گیرد. بنابراین، اکنون سؤال این است که جریان انقلابی برای اقدام در این راستا چه باید بکند؟ در پاسخ می‌توان به چند نکته مهم اشاره کرد:

۱- جدا کردن مسائل اصلی از فرعی: آن‌گونه که رهبری معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز متذکر شده‌اند، «تقابل اسلام و استکبار» پدیده‌ی برجسته‌ی دنیای معاصر است و مسلم است که منظور از این اسلام، اسلام آمریکایی و اسلام وهابی نیست، بلکه اسلام سیاسی تمدن ساز است که در ایران و جمهوری اسلامی تجلی یافته است. بنابراین، مهم‌ترین عرصه‌ی رویارویی نظام، همچون همیشه مقابله با استکبار است. بر همین اساس، اختلاف نظرها و تفاوت سلیقه‌ها در داخل کشور، باید در جهت کمک به موضع و موقعیت انقلاب و نظام اسلامی در مقابل استکبار حل و رفع شود. در واقع، تا زمانی که بحث رویارویی استکبار با انقلاب اسلامی مطرح است، مسئله‌ی اصلی و اولویت دار، مقابله و مبارزه با استکبار است و در این راستا، باید از مسائل فرعی که وحدت و انسجام انقلابی را خدشه دار می‌کند، پرهیز شود.

۲- کمک به دولت: از پذیرش این واقعیت‌گزیری نیست که دولت‌های مختلفی که در نظام روی کار می‌آیند، با هم‌میزان نزدیکی و همسویی با انقلاب، کارگزار اداره‌ی کشور و پیشبرد اهداف نظام و انقلاب محسوب می‌شوند و عملکرد قوی یا ضعیف آن‌ها، از نظر افکار عمومی، به پای نظام و انقلاب هم نوشته می‌شود. بنابراین، جریان انقلابی باید در هر شرایطی به تعامل حداکثری با دولت‌ها به مثابه یک راهبرد توجه داشته باشد. این موضوع، در شرایط کنونی، با توجه به فزونی حجم مشکلات کشور و حجمه‌های متعدد خارجی، ضرورت بیشتری دارد. در واقع، جریان انقلابی باید در مدت یک ساله باقی مانده تا پایان دوره‌ی مسئولیت دولت روحانی، در عالی‌ترین سطح به این دولت کمک کند.

۳- مقابله با جریان تحریف: دوگانه‌ی تحریف و تحریم در تلاشی هم‌راستا و هم‌پوشان تلاش می‌کنند تا مانع از به بار نشستن انقلابی‌گری درون‌گرا و اثبات کارآمدی آن در حل مشکلات جامعه شوند؛ با این تفاوت که جریان تحریف، معطوف به سمت‌گیری ذهنی بوده و در آن تلاش عمده متمرکز بر تغییر محاسبات است و جریان تحریم، صورت عملی دارد و در قالب فشارهای عملی بر زندگی و معیشت مردم خود را نشان می‌دهد.

به بیان دقیق‌تر، رابطه‌ی وابستگی متقابل میان این دو وجود دارد؛ به این ترتیب که

ابتدا با توطئه‌های مختلف تلاش کردند تا تصویر داخل ایران را دگرگون سازند و سپس با تحریم‌ها، تلاش کردند تا زمینه‌های لازم برای تغییر محاسبات در داخل کشور توسط جریان تحریف شکل بگیرد و سپس، بر مبنای تصویرسازی‌های همین جریان تحریف و ارسال پیام‌های ضعف به خارج، به تشدید تحریم‌ها روی آوردند. امروزه نیز جریان تحریف با طرح شعارها و مطالبات به ظاهر عقلانی و موجه تلاش می‌کند تا با تسلیم‌سازی نظام در برابر فشارهای استکباری، انقلاب را از صراط مستقیم خود منحرف سازد. جریان تحریف این کار را با استفاده از ابزار رسانه و تصویرسازی انجام می‌دهد. بنابراین، در نقطه‌ی مقابل جریان انقلابی باید با تبیین صحیح، منطقی، به هنگام و سریع، ابزار رسانه را از دشمن و جریان تحریف بگیرد و به مهم‌ترین جهادش؛ یعنی امیدآفرینی و ایجاد نگاه خوش بینانه نسبت به آینده بپردازد.

۴- کمک به روی کار آمدن دولت جوان حزب اللهی: واقعیت آن است که اگر جریان انقلابی به طور کامل و تمام‌قد در صحنه باشد، اما دولت حاکم در نظام، جهت‌گیری‌های انقلابی‌اش ضعیف باشد، کارآمدی با نگاه درون‌زا و انقلابی، شکل نمی‌گیرد؛ زیرا وقتی عمده‌ی امکانات و ظرفیت‌های کشور در دولت متمرکز است، با تکیه به این ظرفیت‌ها بهتر و راحت‌تر می‌توان به ترویج کارآمدی نگاه انقلابی در کشور کمک کرد.

درواقع، با جوان و حزب اللهی بودن دولت، به طور حداکثری می‌توان از امکانات موجود در کشور برای تحقق اهداف انقلابی بهره برد. بنابراین، یک رسالت اصلی جریان انقلابی آن است که با تکلیف‌گرایی نتیجه محور و آرمان‌گرایی واقع بینانه و پرهیز از اختلاف و تشتت، از هم‌اکنون برای روی کار آمدن دولتی جوان و حزب اللهی تلاش کند. در این میان به نظر می‌رسد که مجلس کنونی مهم‌ترین عرصه و دستگاهی است که می‌تواند در ریل‌گذاری برای روی کار آمدن دولتی جوان و حزب اللهی نقش داشته باشد. بنابراین، اکنون با توجه به غلبه‌ی جریان انقلابی در ترکیب این مجلس، این دستگاه باید تلاش کند تا با اقدامات انقلابی و اثربخش، بارقه‌های امید و اعتماد جامعه نسبت به حل مشکلات کشور با نگاه انقلابی و درون‌زارازنده نگه داشته و تقویت کند.

پایان سخن

استحکام ساخت درونی نظام روی دیگر سکه کاهش اثر اقدامات دشمن است. آنچه که دشمن برای اثرگذار بودن اقدامات خود در قالب تحریم از آن استفاده می‌کند ضعف‌های ساختاری اقتصاد ایران است. با تمرکز بر آنها است که آمریکا می‌تواند مشکلات زیادی برای ایران ایجاد کند. ضعف‌هایی مانند وابستگی اقتصاد ایران به پول نفت، عدم شفافیت اطلاعات در نظام اقتصادی، عدم رونق داشتن تولید ملی، وابستگی در تامین کالاهای اساسی به خارج و... تازمانی که ایرادهای ساختاری اقتصاد ایران برطرف نشود، هرگونه مذاکره‌ای به معنای تسلیم در برابر دشمن و بیگانه خواهد بود.

مذاکره در چنین شرایطی یک مذاکره از بالا به پایین خواهد بود که دو نتیجه برای آن متصور است. یکی رسیدن به توافق ننگین و ظالمانه است چرا که آمریکا خود را در موضع برتری ببیند و به دنبال کسب امتیازات بیشتر و تعمیم مذاکره از حوزه هسته‌ای و برجام به دیگر حوزه‌ها همچون منطقه، موشک و حمایت از مقاومت در جهت خلع سلاح کشور از نقاط قوت خواهد بود.

حالت دوم هم عدم توافق است که در نتیجه آن طبیعی است آمریکا اقدامات خویش را تشدید کند چرا که پای میز مذاکره آمدن ایران را نتیجه فشار حداکثری دیده و قهرادر گام نهایی به سوی فشار و تحریم مطلق خواهد رفت تا به تواند به هدف خود یعنی مهار و تغییر رفتار ایران و یا براندازی نزدیک شود. بنا بر این در هر دو صورت مذاکره دست‌آوردی برای کشور نخواهد داشت مگر اینکه در طول فرایند این مذاکرات دولت‌مردان نظام اسلامی بتوانند گره مشکلات اقتصادی را برطرف کرده و در نتیجه آن اثرات اقدامات خصمانه دشمن را بی‌اثر نمایند.